

## عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق

محمود یزدان فام

به همان شکل باقی ماند، اما حوزه اقدامات عراق در عرصه نبردهای دریایی و حملات هوایی به این صورت نبود و با تحولات بسیاری همراه بود. گستره جغرافیایی حملات هوایی در دریا و خشکی افزایش یافت و ارتش عراق از سلاح‌های متنوع‌تر و پیچیده‌تری استفاده کرد و پای کشورهای دیگر منطقه از جمله عربستان و کویت، دو ابرقدرت وقت (امریکا و شوروی) و هم‌چنین قدرت‌های بزرگ اروپا را به وسط کشاند و آنها را درگیر جنگی کرد که با تصور پایان پیروزمندانه آن در طول سه روز، آغاز کرده بود. در سال پایانی جنگ، جمهوری اسلامی ایران نه تنها با ارتش عراق، بلکه با امریکا و متحدان جهانی و منطقه‌ای آن در خلیج فارس هم درگیر بود و دامنه جنگ از مرزهای مشترک ایران و عراق به آب‌های خلیج فارس و دریای عمان نیز کشیده شده بود. در این جنگ، عراق افزون بر سلاح‌های متعارف از سلاح‌های غیر متعارف نیز استفاده کرد و بجز مناطق جنگی، مناطق مسکونی و مراکز اقتصادی دو کشور تقریباً در تمام قلمروی آنها هدف حملات هوایی و موشکی قرار گرفت.

در این نوشته، ضمن تشریح زمینه‌ها و عوامل گسترش جنگ ایران و عراق، تلاش می‌کنیم با نگاه به تحولات عرصه جنگ، موقعیت ژئوپلیتیک و اهداف عراق، دلایل و چگونگی آن را تبیین نماییم. هم‌چنین، امیدواریم درس‌های لازم را از بررسی این موضوع بگیریم و از آنها در سیاست‌گذاری‌های امنیتی و اتخاذ تصمیمات نظامی

در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹، جنگ ایران و عراق با هجوم سراسری ارتش عراق به استان‌های غربی ایران و حملات هوایی گسترده این کشور به مراکز مهم نظامی، سیاسی و اقتصادی ایران آغاز شد و تا برقراری آتش‌بس مؤثر در ۲۹ مرداد ماه ۱۳۶۷ ادامه یافت. در طول هشت سال جنگ، دو طرف درگیر با توجه به این اصل روابط بین‌الملل که اتحاد و ائتلاف‌یکی از منابع قدرت است کوشیدند تا با جلب حمایت کشورهای دیگر بر توان خود بیفزایند و از افزایش قدرت کشور مقابل جلوگیری کنند. تخریب روابط و مناسبات کشورها با طرف دیگر جنگ بعد دیگری از این تلاش بود. از آن‌جا که جنگ به عنوان یک پدیده بین‌المللی بیشتر از قاعده حاصل جمع جبری صفر پیروی می‌کند و منافع دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موضعگیری و اقدام کشورها، به‌ویژه کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ جهانی در قبال آن نیز اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. در عمل، واکنش کشورهای منطقه و قدرتمند جهان به جنگ ایران و عراق و مقدم بر آن به انقلاب اسلامی بر سه گونه بود: حمایت از عراق، حمایت از ایران و اعلان بی‌طرفی. در طول هشت سال جنگ، حمایت‌ها و بی‌طرفی‌ها در حالت سکون نبود و پویایی آنها افزون بر تحولات خود آن کشور و نظام بین‌الملل به تحولات صحنه جنگ و روابط با دو طرف درگیر بستگی داشت.

به لحاظ دامنه جنگ گستره حملات زمینی عراق، استان‌های مرزی ایران بود که حدوداً از آغاز تا پایان جنگ،

استفاده کنیم. در این جا، برای آن که زمینه‌ها و عوامل گسترش جنگ را بشناسیم بعد از اشاره به معنا و مفهوم گسترش، موقعیت ژئوپلیتیک عراق را به منزله عامل گرایش این کشور به گسترش جنگ ارزیابی خواهیم کرد. واکنش جمهوری اسلامی ایران به عنوان طرف مقابل آن می‌تواند در خنثی کردن چنین سیاستی یا رسیدن به مقصد مورد نظر موثر باشد و دلایل آن را تا حدی روشن کند. هم چنین، صحنه جنگ نیز در سطوح مختلف، می‌تواند در تبیین عوامل نزدیک، آگاهی بخش باشد.

زمینه‌ها و دلایل گسترش جنگ را می‌توان از سه دیدگاه متفاوت، اما پیوسته بررسی کرد. دیدگاه نخست، به بنیان‌ها و رویکردهای قدرتی ایران و عراق توجه دارد و سعی می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که زیر ساخت‌های قدرتی در عراق و ایران چه تأثیری در انتخاب رویکرد توسعه طلبانه و گسترش جویانه عراق داشته است. دیدگاه دوم، نگاه غایت‌نگرانه‌ای است که انگیزه‌ها و مقاصد عراق

## تصمیم عراق برای تبدیل جنگ ایران و عراق به جنگ شیعه و سنی و عرب و عجم نمونه‌ای از تلاش این کشور برای گسترش مفهومی جنگ بود

را از اتخاذ چنین رویکردی بررسی می‌کند و سرانجام، دیدگاه سوم بر گسترش جنگ، تحولات صحنه‌های نبرد و ابعاد سیاسی بین‌المللی آن متمرکز است. فرض بر این است که در پدیده‌ای مانند جنگ جدا از زیر ساخت‌ها، اهداف و مقاصد، خود تحولات در تصمیم‌گیری و رویکرد طرف‌های جنگ یا حداقل در زمان و چگونگی عملی شدن آن مؤثر است.

### معنا و مفهوم گسترش

جنگ‌ها به شکل افقی و عمودی گسترش می‌یابند. گسترش افقی جنگ‌ها به دامنه جغرافیایی اقدام نظامی و گسترش عمودی به درجه و شدت جنگ اشاره می‌کند. احتمال دارد گسترش افقی جنگ در درون دو کشور درگیر باشد یا این که از قلمروی دو کشور متخاصم خارج شود و قلمروی دیگر کشورها را نیز دربرگیرد که در این صورت، گفته می‌شود جنگ بین‌المللی شده است. در گسترش عمودی جنگ، میزان و شدت جنگ مدنظر است و برای ارزیابی آن به شاخص‌هایی چون اهداف حملات،

جنگ افزارهای مورد استفاده، میزان و شدت حملات توجه می‌شود. حال این پرسش مطرح است که آیا جنگ به میدان‌های نبرد محدود است یا اهداف غیرنظامی صنعتی و جمعیتی هم هدف حمله قرار می‌گیرند؟ از چه نوع سلاح‌هایی در جنگ استفاده می‌شود؟ در صورت سلاح‌های متعاقب به کار برده می‌شود یا در صورت دستیابی به سلاح‌های غیرمتعارف مانند شیمیایی و میکروبی از آنها نیز استفاده می‌شود؟ استفاده از این سلاح‌ها به میدان‌های نبرد و نیروهای نظامی محدود است یا علیه افراد غیرنظامی هم به کار برده می‌شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها و بررسی شاخص‌های مزبور می‌تواند افزایش شدت جنگ را نشان دهد. برای بیان افزایش شدت جنگ از واژه تصاعد\* استفاده می‌شود که به یک روند تدریجی فزاینده تعاملی در جنگ اشاره می‌کند و برای بیان هر دو مفهوم از واژه گسترش استفاده می‌شود که معادل واژه انگلیسی expand است.

پیش از پایان این بحث، لازم است به گسترش مفهومی از جنگ نیز اشاره شود؛ موردی که به نظر می‌رسد در جنگ ایران و عراق، نمودهای آشکاری داشت و با جنگ‌های مدرن که نه صرفاً بر سر آب، خاک، بلکه با قدرت و عقیده همراه هستند، ارتباط تنگاتنگ دارد. جنگ‌های مدرن اراده‌ها و عقیده‌ها را نیز در بر می‌گیرد. جنگ‌های روانی - تبلیغاتی با بیان مفاهیم می‌تواند اراده تصمیم‌گیرندگان، افکار عمومی و جنگجویان کشور مقابل و کشورهای مؤثر دیگر را هدف قرار دهد، عقیده و مبانی تصمیم‌گیری دیگران را در نظر می‌گیرد و در صدد برمی‌آید آن را به نفع خود تغییر دهد. مفاهیمی که در این عرصه از جنگ رواج دارند در فرآیند زمان و با توجه به تحولات عرصه‌های دیگر جنگ دگرگون می‌شوند. تصمیم عراق برای تبدیل جنگ ایران و عراق به جنگ شیعه و سنی و عرب و عجم نمونه‌ای از تلاش این کشور برای گسترش مفهومی جنگ بود. در عصر ظهور رسانه‌های الکترونیکی، گسترش مفهومی جنگ بسیار مؤثر و درخور توجه است که در صفحات بعد، به آن خواهیم پرداخت.

تمرکز اصلی تحقیق از نظر مفهومی بر گسترش جنگ به معنای بین‌المللی شدن آن است. بررسی معنا و مفاهیم دیگر گسترش برای درک بهتر مسائل ضروری است. در آغاز، باید برای یافتن عوامل مؤثر در گسترش جنگ بنیان‌ها و رویکرد قدرتی عراق بررسی شود. در سیاست

\* Escalation

و عراق در آغاز جنگ نتایج زیر به دست می‌آید:<sup>۲</sup>  
الف) جمعیت ایران حدوداً سه برابر جمعیت عراق است. در نگاه نخست، زمینه جذب و سازماندهی مردم در قالب نیروهای مسلح، برای ایران نسبت به عراق سه به یک است. ویژگی‌های کیفیتی جمعیت ایران نیز در مرتبه بالاتری از عراق قرار دارد.

ب) هر دو کشور از جمله کشورهای جهان سوم هستند که در راه توسعه، قدم گذاشته‌اند. منبع اصلی درآمد آنها صدور نفت است. میزان سهمیه اپک برای ایران تقریباً دو برابر میزان سهمیه عراق است. زیرساخت‌های اقتصادی ایران در مقایسه با عراق در وضعیت مناسب‌تری می‌باشد.

### در پدیده‌ای مانند جنگ جدا از زیر ساخت‌ها، اهداف و مقاصد، خود تحولات نیز در تصمیم‌گیری و رویکرد طرف‌های درگیر در جنگ یا حداقل در زمان و چگونگی عملی شدن آن مؤثر است

ج) در آن زمان، از نظر سیاسی، ایران در وضعیت بی‌ثبات‌تری قرار داشت. انقلاب اسلامی به پیروزی رسیده بود، اما درگیری‌ها و بحران‌های داخلی هم‌چنان جریان داشت. از نظر نظام سیاسی تفاوت اصلی دو کشور را می‌توان در پایگاه مردمی آنها جست و جو کرد. جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم این که هم‌چنان شاهد پس‌لرزه‌های انقلاب و چالش‌های درونی بود، در اراده و خواست مردم ریشه داشت و برخلاف حکومت‌های منطقه، با اراده مردم تأسیس و برپا شده بود. در عراق، صدام عملاً با حاکم کردن یک حکومت خانوادگی، حکومت را در دست داشت.

د) موقعیت ژئوپلیتیک دو کشور نیز بسیار متفاوت است. با این که هر دو به خلیج فارس دسترسی دارند، اما دسترسی عراق بر خلاف ایران فقط به باریکه کوچکی در شمال خلیج فارس از طریق خور عبدالله و اروندرود است. عراق در درون مجموعه کشورهای عرب قرار دارد و در منتهی‌الیه مرزهای شرقی اعراب واقع شده است. هر چند ایدئولوژی حاکم بر عراق سوسیالیسم -بعثی است، اما زبان عربی و علایق قومی این کشور را با دیگر کشورهای عرب منطقه پیوند داده است. ایران در منطقه‌ای واقع شده که می‌توان آن را کشوری با ویژگی‌های منحصر به فرد و تنها نامید. با وجود این که هر دو کشور از کشورهای جهان اسلام هستند، اما این پیوند نتوانست از وقوع جنگ میان

قدرتمندانه، قدرت داور نهایی تعارض منافع و چگونگی رفع و رجوع آن در بین دولت‌هاست. با توجه به موقعیت و مبانی قدرت کشورها، گرایش‌ها و انگیزه‌های زمامداران کشورها در تقویت و به‌کارگیری قدرت متفاوت است. برای ارائه پاسخ مناسب و کارشناسی به این پرسش که چرا عراق درصدد گسترش جنگ به کشورهای دیگر بود؟ باید به بنیان‌های قدرت و رویکرد حکومت به قدرت توجه کنیم و آن را نسبت به ایران که طرف دیگر جنگ بود و قدرت عراق در مقایسه با آن وزن واقعی خود را نشان می‌دهد در نظر بگیریم.

### ۱) بنیان‌ها و رویکرد قدرتی ایران و عراق

در تعیین میزان قدرت هر کشور مولفه‌های متعددی وجود دارد که به‌طور مفصل، در کتاب‌های علوم سیاسی و روابط بین‌المللی، تشریح شده‌اند. برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، نظام سیاسی، قدرت اقتصادی، موقعیت ژئوپلیتیکی، موقعیت و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و عراق در آستانه جنگ را به‌طور کوتاه بررسی می‌کنیم. در طول دوره جنگ رویکرد زمامداران عراق به قدرت با رویکرد زمامداران ایران متفاوت بود. نگاه جمهوری اسلامی ایران به جهان از ایدئولوژی و پیامدهای انقلاب اسلامی ساختارشکنانه متأثر بود و وضع موجود نظام بین‌الملل را به چالش می‌طلبید. تلاش برای برقراری روابط با ملت‌ها به جای دولت‌ها، تأکید بر خودکفایی و استقلال در تمام زمینه‌ها و خصومت قدرت‌های بزرگ با انقلاب اسلامی منجر به پیدایش رویکردی درون‌پایه شده بود. این رویکرد، سیاستی انزواگرایانه نبود و با درون‌گرایی نیز تفاوت داشت. در این رویکرد، برای تأمین منافع و اهداف مورد نظر در عرصه بین‌المللی بیشتر بر منابع داخلی تأکید و کم‌تر به فرصت‌های بین‌المللی توجه می‌شد. رویکرد مزبور، به نظام بین‌الملل بدبین بود و فرآیند جذب و گسترش را با بدبینی به کنترل یکسویه از طرف قدرت‌های بزرگ و نابودی استقلال تأویل می‌کرد. در مقابل، عراق با توجه به ضعف‌های ساختاری خود بیشتر رویکردی برون‌گرایانه داشت و سعی می‌کرد با توسعه و گسترش روابط و مناسبات خود با کشورهای دیگر از توان و قدرت آنها استفاده کند و فرصت‌های بیشتری را فراهم آورد. این دو رویکرد متفاوت در عناصر ساختاری قدرت، تحولات و نگرش زمامداران دو کشور ریشه داشت. با بررسی مقایسه‌ای عناصر تشکیل‌دهنده قدرت ایران

آنها جلوگیری کند. ایران با همسایگان خود پیوندهای عمیقی ندارد. ترکیه مانند ایران با ویژگی‌های اختصاصی در منطقه یکه و تنهاست. پاکستان هم که ادامه شبه قاره هند است. تنها شوروی باقی می‌ماند که در آن زمان، از نظر نژادی، فرهنگی و زبانی با ایران متفاوت بود.

### مبانی قدرت و موقعیت بین‌المللی

مبانی و زیرساخت‌های متفاوت قدرت بین ایران و عراق همراه با رهبران و ایدئولوژی متفاوت حاکم بر آنها دو رویکرد متفاوت را نسبت به نظام بین‌الملل و روابط با کشورهای دیگر پدید آورد. زمامداران عراق به خوبی می‌دانستند که نمی‌توان با اتکا به چنین زیرساخت‌ها و قدرت برخاسته از آنها به اهداف مورد نظر دست یافت. با محاسبات بسیار ساده برتری و تفوق قدرت ایران آشکار می‌شد. زمامداران عراق به دلیل مزیت نسبی منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده از عناصر بین‌المللی قدرت را تنها راه خروج از این بن‌بست ارزیابی کردند. آنها عضو جامعه عرب بودند و می‌توانستند از توان و قدرت آنها برای رسیدن به اهداف مورد نظر بهره بگیرند. بعد از پیروزی انقلاب، زمامداران عراق بیش از آن که بر موارد اختلافی ایران و عراق تکیه کنند، موارد کلی‌تر را مطرح کردند و از زبان جهان عرب سخن گفتند. اطلاعیه‌ها و سخنان مقامات عراق درباره باز پس دادن جزایر سه گانه خلیج فارس به اعراب نمونه‌ای از این رویکرد بود. روزنامه الثورة، ارگان حزب بعث عراق، سه ماه قبل از آغاز جنگ، نوشت: «ایران باید برای نشان دادن حسن نیت خود در قبال اعراب، سه جزیره تنب بزرگ، کوچک و ابوموسی را به اعراب بازگرداند»<sup>۲</sup>. تلاش برای تشکیل کشور جدید متحده عراق - سوریه بر اساس ایدئولوژی حزب بعث و محوریت قوم عرب، جهت‌گیری و موقعیت‌های ساختاری عراق را در سطح منطقه‌ای نشان می‌داد. این کشور افزون بر کشورهای عرب منطقه با بلوک شرق و قدرت‌های بزرگ اروپا، به ویژه فرانسه روابط و مناسبات بسیار نزدیکی داشت. روابط کم‌رنگ عراق با امریکا نیز در سایه تحولات و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران رو به بهبود گذاشت و با دیدار مقامات عالی‌رتبه امریکایی از بغداد به مرحله جدیدی وارد شد و هر روز در راستای همکاری بیشتر بین دو کشور گام‌های بلندتری برداشته شد. به این ترتیب، در نظام دو قطبی که رقابت دو بلوک برای نفوذ در مناطق مختلف از قواعد جوهری آن محسوب می‌شد،

عراق نه تنها با نظام بین‌الملل هیچ‌گونه تعارضی نداشت، بلکه به دلیل تحولات جدید منطقه، روابط و مناسبات بسیار نزدیکی را با هر دو ابرقدرت و هر دو بلوک طرفدار آنها برقرار کرد و از فرصت‌های به دست آمده برای افزایش توان نظامی و قدرت ملی خود بهره‌های فراوانی برد. در این دوره، به دلیل اوضاع نابسامان موجود در داخل ایران، این تصور در عراق پدید آمده بود که می‌تواند با حمایت‌های غیر مستقیم قدرت‌های بزرگ و حامیان منطقه‌ای خود به اهداف مورد نظر دست یابد.

با موفقیت‌های ایران در جبهه‌های جنگ، موازنه قدرت به زیان عراق تغییر کرد و پس از آزادسازی سرزمین‌های اشغالی، ایران استراتژی تنبیه متجاوز را در پیش گرفت. نیروهای مسلح ایران تعقیب عراق را در داخل خاک این کشور در برنامه کاری خود قرار دادند. در این هنگام، شک و تردید در قدرت نظامی عراق برای مقابله با جمهوری اسلامی آغاز شد. با پیروزی‌های بعدی، به ویژه فتح فاو و شکستن دیوار دفاعی عراق در شرق بصره نگرانی‌های عراق به شدت افزایش یافت. چاره‌اندیشی این کشور برای کسب توان و تغییر روند موجود، استفاده همه جانبه از موقعیت بین‌المللی خود بود. برخلاف مواضع همسو و سازگار عراق با نظام بین‌المللی و منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران در وضعیت متعارضی با نظام بین‌المللی قرار داشت. انقلاب اسلامی با شعار نه شرقی، نه غربی درصدد ارائه، راه حل‌ها، ارزش‌ها و روش‌های اسلامی در برابر لیبرالیسم غرب و کمونیست شرق بود. راه سومی که با وضع موجود نظام بین‌الملل در تعارض و تضاد قرار داشت و نظام‌های سیاسی موجود در منطقه را به چالش می‌طلیید. رویکرد جمهوری اسلامی ایران به نظام بین‌الملل با توان واقعی آن سازگار نبود. کوشش فراوان برای اتحاد اسلامی، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش، تلاش برای برقراری روابط با ملت‌ها به جای دولت‌ها، اعلام صدور انقلاب اسلامی، دور شدن از دولت‌های محافظه کار منطقه<sup>۳</sup> وضعیت را پدید آورده بود که در سیاست خارجی از آن با نام نابرابری تعهد و توان یاد می‌شود، یعنی توان محدود کشور در چرخه تعهدات نامحدود گرفتار می‌شود. هر چند مسئولان بلند پایه نظام اعلان کردند درصدد صدور انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه نیستند، اما برداشت کشورهای منطقه از اوضاع با بیانات مسئولان ایران متفاوت بود و آنها براساس ادراک خود، تصمیم می‌گرفتند و اقدام می‌کردند که با گفتار ایران تفاوت داشت.

## ۲) گسترش جنگ به کشورهای دیگر

در مرحله تعقیب و تنبیه متجاوز، جمهوری اسلامی ایران با اجرای عملیات سرنوشت ساز کوشید تا تصمیم خود را از موضع قدرت عملی کند. آنها در پی فتح چند نقطه استراتژیک و فروپاشی ارتش و رژیم عراق بودند. در پی انجام عملیات والفجرهشت که در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ آغاز شد، شبه جزیره و بندر نفتی فاو به تصرف ایران درآمد و با قطع راه ارتباطی مستقیم عراق با خلیج فارس، صحنه نبرد به نزدیکی مرزهای کویت کشیده شد. در پی بی نتیجه بودن تلاش همه جانبه عراق برای باز پس گیری فاو، وحشت حامیان عراق افزایش یافت. آنها خود را به طور جدی با تهدید گسترش انقلاب اسلامی روبه رو دیدند. در نتیجه، صفوف خود را فشرده تر کردند، به طوری که عربستان جنگ قیمت ها و عراق جنگ نفت کش ها را برای کاهش و قطع درآمدهای ایران در پیش گرفت. افزایش عرضه نفت کشورهای عربی، به ویژه عربستان، سقوط بی سابقه قیمت نفت را موجب شد. به طوری که در سال ۱۳۶۵، درآمد ایران به کم تر از شش میلیارد دلار رسید. این امر در دراز مدت، کاهش فراوان در آمد دولت را موجب شد و تجهیز و تدارک جنگ را با مشکل روبه رو کرد.<sup>۶</sup>

در این زمان، نیروهای عراق که به نحو چشمگیری مسلح و مجهز شده و از نظر سازمان رزم نیز، توسعه در خور توجهی یافته بودند، دو طرح متفاوت را در دستور کار خود قرار دادند. نخست، در قالب استراتژی جنگ فرسایشی، در صدد برآمدن با انتخاب استراتژی دفاع متحرک و استفاده از توان نظامی از انفعال خارج شوند و نظامیان خود را با جبران بخشی از شکست نظامی - سیاسی در فاو از نظر روحی - روانی تقویت کنند،<sup>۷</sup> اما در عمل، موفقیت چندانی به دست نیاوردند و زمامداران عراق با آغاز عملیات کربلای ۵ در شرق بصره و شکسته شدن دیوار دفاعی مستحکم آنها دریافتند که توانایی لازم را برای مقابله با رزمندگان اسلام در جبهه زمینی ندارند؛ بنابراین، طرح دوم را با هدف جلب توجه کشورهای دیگر به خطرات جنگ، به ویژه جریان نفت در خلیج فارس و تضعیف توان مالی و پایگاه اجتماعی ایران با حمله به منابع نفتی، اقتصادی و مسکونی برگزیدند. این حملات که مکمل خوبی برای اقدام عربستان بود در طول سال ۱۳۶۶، نخست بر روی مناطق مسکونی تمرکز داشت<sup>۸</sup> و سپس، با تمرکز بر مراکز نفتی و نفت کش ها در خلیج فارس ادامه

یافت. شمار حملات عراق به کشتی ها در خلیج فارس از ۳۷ حمله در سال ۱۳۶۴ به ۷۱ و ۹۶ حمله به ترتیب در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ افزایش یافت.<sup>۹</sup>

در این سال، حمله به کشتی ها تحول و گسترش دیگری را نیز شاهد بود. تا سال ۱۳۶۳، حملات عراق به جزیره خارک و بوشهر محدود بود. عراق تنها می توانست موشک های ضدکشتی را با بالگردهای سوپر فرلون\* با حداکثر شعاع عملیاتی کم تر از دویست مایل شلیک کند. در آبان ۱۳۶۲، عراق به پنج فروند هواپیمای سوپر اتاندارد\*\* با شعاع عملیاتی بیش از دویست مایل دست یافت، اما نتوانست مشکل برد و مسافت را حل کند. با افزایش برد موشک های ام - ۱ در سال ۱۳۶۴، عراق توانست شعاع عملیاتی خود را تا سیصد مایل افزایش دهد. این کشور به طور مداوم از موشک های آگروسه استفاده می کرد، ولی این موشک ها آن قدر سنگین نبودند که به راحتی، نفت کش ها را نابود کنند.<sup>۱۰</sup> هم چنین، ایران ناوگانی مرکب از نفت کش های بزرگ را برای ذخیره نفت در حوالی لارک مستقر کرده بود تا در صورت قطع صدور نفت از طریق خارک، برای حدود هفت روز ذخیره داشته باشد. هم چنین در صدد بود تا پایانه های جدیدی در بنادر جاسک، لنگه و جزیره قشم راه اندازی کند. در هر حال عراق پس از شکست استراتژی طرح دفاع متحرک باردیگر به نیروی هوایی متوسل شد. بعد از توقف سه ماهه از اواخر تیر ۱۳۶۵، موج جدید حملات با دامنه گسترده و شدت بیشتر آغاز شد. عراق دامنه حملات خود را با دریافت سلاح های پیشرفته در خلیج فارس افزایش داد و در ۲۱ مرداد ماه ۱۳۶۵، برای نخستین بار جنگنده های عراقی به تأسیسات نفتی ایران در جزیره سیری حمله کردند و سه نفت کش در حال بارگیری را در ترمینال هدف قرار دادند. برخی از منابع معتقدند، در این حمله، عراق از کشورهای دیگر منطقه کمک گرفته است. این کشور برای حمله هوایی به سیری از چهار فروند میزاف ۱ استفاده کرد که برای پرواز نهصد کیلومتری خود از ناصریه این کشور تا سیری به سوخت گیری مجدد نیاز داشتند.<sup>۱۱</sup>

به هر حال، گسترش دامنه حملات هوایی عراق به سیری جمهوری اسلامی ایران را به چاره اندیشی واداشت. در نتیجه، بارگیری نفت را به لارک منتقل کرد. در ۴ آذر ۱۳۶۵، عراق باردیگر شعاع عملیات هوایی خود را در خلیج فارس گسترش داد و به جزیره لارک در تنگه هرمز

\* Super Frelon

\*\* Super Etendards

حمله کرد. جنگنده‌های میراژ اف ۱ که با استفاده از موشک‌های پیشرفته لیزری و با خطای کم‌تر به لارک حمله کرده بودند به دلیل طولانی بودن مسافت با کمبود سوخت در مسیر برگشت روبه‌رو شدند و در عربستان سعودی فرود آمدند.<sup>۱۳</sup> این کشور بدون توجه به اصول مربوط به بی‌طرفی در جنگ که نگهداری از هواپیمای دو طرف مخاصمه را تا پایان جنگ الزامی می‌داند، سوخت لازم را در اختیار این جنگنده‌ها قرار داد و آنها را به عراق فرستاد. به این ترتیب، عراق توانست آخرین نقطه خلیج فارس را به کمک هواپیما و موشک‌های پیشرفته فرانسوی و با کمک نظامی مستقیم عربستان هدف حملات هوایی خود قرار دهد. هم‌چنین، نشان داد که هم‌چنان با استفاده از مزیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود در دسترسی به پیشرفته‌ترین جنگ افزارهای شرق و غرب درصدد قطع درآمدهای نفتی ایران و در نتیجه، تضعیف توان نظامی ایران است.

#### به خطر افتادن جریان نفت

رژیم صدام با آگاهی از موقعیت و مناسبات بین‌المللی عراق تلاش کرد صدور نفت به جهان غرب را از راه جنگ نفت کش‌ها، با خطر روبه‌رو کند و با افزایش تنش در روابط کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران اوضاع را بیش از پیش بحرانی نماید و از این راه آنها را رو در روی هم قرار دهد. دعوت کویت از ابرقدرت‌ها برای اسکورت نفتکش‌های کویتی زمینه را برای حضور نظامی گسترده آمریکا و متحدان غربی‌اش فراهم آورد. از نگاه

مخدوش شده خود در ماجرای رسوایی مک فارلین در میان کشورهای عرب جنوب خلیج فارس، جلوگیری از سقوط صدام و پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت از جریان نفت در منطقه و جلوگیری از نفوذ شوروی در حوزه خلیج فارس، به درخواست کویت پاسخ مثبت داد<sup>۱۴</sup> و بیش از پیش، در کنار عراق قرار گرفت؛ بنابراین، بر تعداد کشتی‌های جنگی آمریکا که بر اساس دکترین کارتر و در قالب نیروی ویژه واکنش سریع در منطقه حضور داشتند، افزوده شد. حمله هوایی عراق به ناوچه آمریکایی استارک در بهار ۱۳۶۶ که در اثر آن ۳۷ تن از ملوانان آمریکایی کشته شدند، مهم‌ترین واقعه‌ای بود که به استراتژی عراق برای بین‌المللی کردن جنگ کمک کرد. حمله به استارک\* سومین تحول خلیج فارس در آغاز سال ۱۳۶۶ بود. ورود کشتی‌های جنگی ابرقدرت‌ها به خلیج فارس با دعوت کویت آغاز شد و متحدان منطقه‌ای عراق تلاش کردند از این راه، به طور عملی و مستقیم ایران را با قدرت‌های بزرگ درگیر کنند. نخستین بار، ایران و شوروی رو در روی هم قرار گرفتند. کشتی روسی ایوان کورتیف\*\* هدف حمله قایق‌های تندرو قرار گرفت و تعجب و نگرانی جهانیان را برانگیخت. یک فروند نفت کش روسی که در اجاره کویت قرار داشت و در چارچوب برنامه عملیات اسکورت نفت کش‌ها حرکت می‌کرد، در ۳۵ مایلی کویت، با مین برخورد نمود و سوراخ بزرگی در بدنه آن پدید آمد، اما واقعه مهم به دست عراقی‌ها به وقوع پیوست. آنها با حمله به ناوچه آمریکایی استارک تقابل ایران و شوروی را به رویارویی ایران و آمریکا تبدیل کردند. با کشته شدن ۳۷ آمریکایی به ناگهان مداخله

### عراق با توجه به ضعف‌های ساختاری خود بیشتر رویکردی برون‌گرایانه داشت و سعی می‌کرد با توسعه و گسترش روابط و مناسبات خود با کشورهای دیگر از توان و قدرت آنها استفاده کند و فرصت‌های بیشتری را فراهم آورد

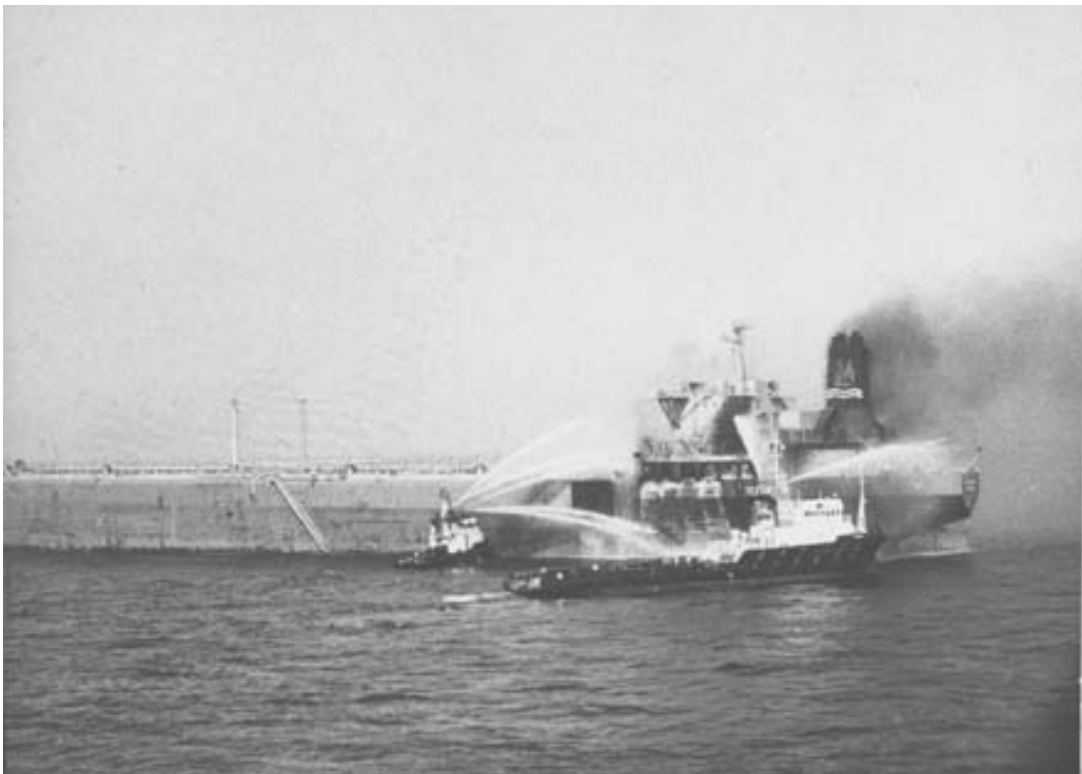
محدود نظامی - سیاسی آمریکا در خلیج فارس به افکار عمومی کشانده شد و بحث‌های گسترده‌ای را میان گنجره و دولت درباره قانون اختیارات رئیس‌جمهور در زمان جنگ مطرح کرد. روند بررسی اسکورت نفت کش‌های کویتی در خلیج فارس، علی‌رغم تشدید منازعه قدرت بین دولت و گنجره سرعت یافت و عملیات اسکورت از اوک مرداد ۱۳۶۶ آغاز شد.<sup>۱۵</sup> صدام حسین با ارسال نامه‌ای به ریگان ضمن ابراز تأسف از حمله به استارک به طور ضمنی وقوع آن را به ایران نسبت داد و نوشت: «این حادثه

غربی‌ها، جنگ ایران و عراق تا اواخر ۱۳۶۵ یک جنگ محدود و بومی بود؛ زیرا، جز حملات معدودی علیه نفت‌کش‌ها در خلیج فارس تأثیر بسیار اندکی بر سایر دولت‌ها داشت.<sup>۱۶</sup> گسترش حملات هوایی عراق به نفتکش‌ها و اعمال سیاست مقابله به مثل جمهوری اسلامی ایران علیه حامیان منطقه‌ای عراق باعث شد تا کویت در ۲۳ دی ماه ۱۳۶۵ از آمریکا بخواهد یازده فروند نفت کش این کشور را مجدداً پرچم‌گذاری کند و آنها را با کشتی‌های جنگی خود اسکورت نماید. آمریکا با هدف بازسازی اعتبار

\* Stark

\*\* Ivan Korotoyev





کویت، رویارویی و درگیری نظامی ایران و آمریکا را باعث شد و تحولات خلیج فارس و لشکرکشی آمریکا به منطقه نیز به تحریک بیشتر افکار عمومی در ایران انجامید. مسئولان با بیان این که جنگ با آمریکا برای ملت ایران از جنگ با عوامل آن شیرین تر است، تبلیغات گسترده‌ای را برای جذب نیروهای مردمی به راه انداختند. در نتیجه، کاروان مدافعان خلیج فارس با برگزاری مراسم گوناگون از سراسر کشور به جبهه‌های جنگ رهسپار شدند.

در آب‌های خلیج فارس، رویارویی بین ایران و آمریکا روندی تصاعدی داشت. نخستین کاروان نفتکش‌های کویتی تحت اسکورت آمریکا بعد از عبور از آب‌های جزیره فارسی در میدان مین گرفتار شد و نفتکش بریجتون با مین برخورد کرد. در این جریان، آمریکا ایران را مقصر دانست. حدود دو ماه بعد، کشتی ایران اجر به بهانه این که مشغول مین‌گذاری در خلیج فارس است هدف حمله بالگردهای آمریکایی قرار گرفت. درگیری قایق‌های تندروی سپاه با بالگردهای آمریکایی در حوالی جزیره فارسی و شلیک موشک استینگر جلوه آشکارتری از درگیری دو کشور بود. برخورد دو فروند موشک کرم‌ابریشم به دو نفتکش آمریکایی در بندر الاحمدی

حزن‌انگیز باردیگر ضرورت فوری تمرکز تلاش‌ها به خاتمه بخشیدن به جنگ و وادار ساختن رژیم ایران به قبول صلح بر اساس مقررات و قوانین بین‌المللی و قطع‌نامه شورای امنیت ناظر به جلوگیری از خونریزی بیشتر در منطقه را مورد تأکید قرار می‌دهد.<sup>۱</sup> رئیس‌جمهور آمریکا بدون توجه به حمله عراق به استارک ادعا کرد: «مقصر واقعی ماجرا ایران است و آنها از این حادثه خشنود هستند». اقدامات آمریکا آن گونه که صدام در نامه خود تصریح کرده بود در دو جهت تشدید شد. نخست، اعضای دائمی شورای امنیت تلاش‌های خود را برای تصویب قطع‌نامه‌ای که مباحث آن بعد از عملیات کربلای پنج در شرق بصره آغاز شده بود، افزایش دادند. هم‌چنین، اقدامات آمریکا برای تقویت حضور نظامی خود در خلیج فارس بیشتر شد. آمریکا برنامه آغاز اسکورت نفتکش‌های کویتی را اعلام کرد و در اول مرداد ماه ۱۳۶۶، نخستین کاروان از تنگه هرمز به سوی بنادر کویت حرکت نمود.

#### درگیری نظامی ایران و آمریکا

تشدید حملات هوایی عراق در خلیج فارس و افزایش ناوگان نظامی آمریکا در منطقه برای اسکورت نفتکش‌های

کویت در دو روز متوالی مرحله جدیدی از گسترش جنگ به کشورهای دیگر بود. امریکا سکوی نفتی رشادت را هدف حمله قرار داد که با حمله موشکی به پایانه سی ایلند بندر الاحمدی روبه‌رو شد. بعد از آن، برای مدتی نزدیک به شش ماه درگیری نظامی در خور توجهی بین ایران و امریکا رخ نداد. امریکا بیشتر به تجهیز ناوگان خود پرداخت و از متحدان اروپایی خود خواست تا کشتی‌های بیشتری را به منطقه اعزام کنند. دور دوم درگیری ایران و امریکا از ۲۵ فروردین ماه ۱۳۶۷ آغاز شد و با حمله ناو وینسنس به هواپیمای مسافربری ایران به پایان رسید این اقدامات بیانگر تشدید درگیری‌های نظامی بین دو کشور بود و با قرار گرفتن امریکا در کنار عراق، موازنه را به ضرر جمهوری اسلامی ایران تغییر داد.<sup>۱۸</sup>

### اعراب و بین‌المللی شدن جنگ

بعد دیگر استراتژی عراق در بین‌المللی کردن جنگ، گسترش آن به کشورهای عربی بود. عراق امیدوار بود که با گسترش جنگ، کشورهای عرب منطقه را به حضور فعال تر و انجام اقدامات موثرتر برای پایان دادن به آن وادار کند. با وجود این که عراق از همان آغاز جنگ تلاش کرد با طرح موضوعاتی چون پان عربیسم، جنگ سردار قادسیه، بازگرداندن جزایر سه گانه عربی، دفاع از مرزهای شرقی امت عرب، خود را در پناه اعراب قرار دهد و از امکانات و توانایی‌های آنها بهره‌جوید، ولی مواضع و حمایت کشورهای مترقی عرب منطقه مانند سوریه، لیبی و تا حدی الجزایر و یمن جنوبی از ایران باعث شد تا صدام کاملاً به هدف خود نرسد. البته، حمایت جدی اکثریت اعراب را پشت سر خود داشت و این حمایت‌ها در مواقع حساس جنگ یا گسترش آن به کشورهای دیگر بیشتر می‌شد.

همکاری خلیج فارس در کویت برگزار شد. در جریان این اجلاس، کشورهای مزبور ضمن تأکید بر کمک‌های خود به عراق متعهد شدند بهای خرید تسلیحاتی عراق از کشورهای غربی را نیز پرداخت کنند. بعد از قطع جریان صدور نفت عراق از مسیر سوریه و انهدام سکوهای نفتی البکر و العمیه که تولید نفت عراق را به شدت کاهش داد، بار دیگر وزیران خارجه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در ریاض تشکیل جلسه دادند و تصمیم گرفتند هر یک تولید نفت خود را به میزان پانصد هزار بشکه در روز افزایش دهد تا از این راه، کمبود عدم صدور نفت عراق جبران شود و درآمد حاصل از آن به صورت وام بلاعوض در اختیار صدام قرار گیرد. علی‌رغم خسارات بالای نظامی در طول هشت سال جنگ، کمک‌های مالی اعراب آن قدر گسترده بود که رژیم عراق نه تنها توانست آنها را با خرید گسترده سلاح جایگزین کند، بلکه در پایان جنگ نیز، به چند برابر افزایش دهد. صرف کمک‌های مالی عربستان سعودی در پایان جنگ بیش از هشتاد میلیارد دلار بود. در پی مسدود شدن راه ارتباطی آبی عراق به جهان خارج، اردن و کویت بنادر خود را در اختیار بغداد قرار دادند. در اواخر جنگ، به ویژه در دوره حملات عراق به خطوط کشتیرانی، هواپیماهای عراقی برای حمله به مراکز نفتی ایران در دهانه تنگه هرمز از جزیره بوبیان کویت و پایگاه طهران عربستان استفاده کردند.<sup>۱۹</sup>

فتح فاو در عملیات والفجر هشت به پیدایش وضعیت جدیدی منجر شد که با مشخصه‌های جنگ فرسایشی‌ای که عراق پس از شکست در خرمشهر در پیش گرفته بود و امیدوار بود به پذیرش صلح از سوی ایران منتهی شود، هیچ‌گونه تطابقی نداشت. عراق پس از تلاش‌های گسترده برای بازپس‌گیری فاو و تحمل تلفات سنگین به ناچار

### گسترش جنگ به کشورهای عربی از جمله ابعاد استراتژی عراق در بین‌المللی کردن آن بود. این کشور امیدوار بود که با گسترش جنگ، کشورهای عرب منطقه را به حضور فعال تر و انجام اقدامات موثرتر برای پایان دادن به آن وادار کند

شکست را پذیرفت. این ناکامی انعکاس نامطلوبی در بین حامیان عراق داشت. شورای همکاری خلیج فارس از روند تحولات ابراز نگرانی کرد و اجلاس وزیران خارجه را برای بررسی موضوع در عمان برگزار نمود. در این اجلاس، تصرف فاو از سوی ایران با قوانین بین‌المللی و اصول حسن همجواری مغایر قلمداد شد. آنها برای مقابله با

پس از بازپس‌گیری خرمشهر و محرز شدن برتری قوای جمهوری اسلامی ایران، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس حملات تبلیغاتی خود را علیه این کشور تشدید کردند و کمک‌های مادی و حمایت‌های سیاسی خود را از عراق افزایش دادند. در ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱، اجلاس وزیران خارجه کشورهای عضو شورای



تأثیرات ناشی از تحولات سیاسی - نظامی در جنگ ایران و عراق خواستار تشکیل نیروهای سپر جزیره شدند. هم چنین، مقرر گردید که شورای همکاری خلیج فارس طی تماس با کشورهای عرب و سایر کشورها، برای خنثی کردن موقعیت برتر ایران که در اثر فتح فاو به دست آمده بود به موضع مشترکی دست یابد و اقداماتی را علیه ایران انجام دهد. کویت بندر الشعیبیه را برای تخلیه اسلحه و تجهیزات و مهمات وارداتی در اختیار عراق گذاشت و به هواپیماهای عراقی اجازه داد تا با عبور از فضای این کشور خود را به جنوب خلیج فارس نزدیک کنند و کشتی های ایرانی را هدف قرار دهند. هم چنین، ناوچه ها و کشتی های کوچک عراق از آب راه بین کویت و بوبیان و بالگردهای عراق از فضای کویت عبور کرده و علیه ایران دست به حملات نظامی می زدند.<sup>۳۱</sup>

### استراتژی ایران

استراتژی جمهوری اسلامی بعد از اخراج عراق از ایران تعقیب و تنبیه متجاوز بود. سرنگونی رژیم صدام حسین به عنوان آغازکننده جنگ از شرایط پایان جنگ محسوب می شد تا بار دیگر در پی تدارک تجاوز دیگری نباشد. مهندس میر حسین موسوی، نخست وزیر وقت، گفت: «تنبیه متجاوز جزء شروط حتمی پایان جنگ می باشد و ما همواره روی این شرط به عنوان شرطی که با عدالت سازگار است خواهیم ایستاد».<sup>۳۲</sup> برای تحقق این هدف نظامی جمهوری اسلامی ابزار آن استراتژی بود. در سال های پایانی جنگ، ابزار این استراتژی در مقایسه با توان عراق با محدودیت بیشتری روبه رو شد. جمهوری اسلامی در نظر داشت در پی اجرای عملیاتی سرنوشت ساز، ماشین جنگی رژیم صدام را تضعیف و با کمک خود مردم عراق حکومت آن را سرنگون و حکومتی اسلامی را در این کشور برقرار کند. در این چارچوب، گسترش جنگ به کشورهای دیگر نه از اهداف استراتژی بود و نه ابزار و روش آن اقتضای اتخاذ چنین شیوه ای را داشت. هم چنین، توانایی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برای تجهیز و تدارک جبهه های جنگ و اداره جامعه به درآمدهای حاصل از صدور نفتی که از راه پایانه های موجود در جزایر و بنادر خلیج فارس صادر می شد بستگی داشت. تداوم جریان نفت از خلیج فارس برای اقتصاد ایران به اندازه جریان خون در بدن انسان مهم بود. ایجاد وضعیت آرامی برای صدور نفت ایران و برقراری آرامش برای خطوط کشتیرانی یکی از اهداف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به شمار می آمد. هم چنین، از آن جا که جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ با عراق بود به این کشور اجازه نمی داد که برای تقویت توان نظامی خود از آب های خلیج فارس استفاده کند. بی شک، حفظ امنیت خلیج فارس یکی از اهداف راهبردی ایران بود و تهدید این

تأثیرات ناشی از تحولات سیاسی - نظامی در جنگ ایران و عراق خواستار تشکیل نیروهای سپر جزیره شدند. هم چنین، مقرر گردید که شورای همکاری خلیج فارس طی تماس با کشورهای عرب و سایر کشورها، برای خنثی کردن موقعیت برتر ایران که در اثر فتح فاو به دست آمده بود به موضع مشترکی دست یابد و اقداماتی را علیه ایران انجام دهد. کویت بندر الشعیبیه را برای تخلیه اسلحه و تجهیزات و مهمات وارداتی در اختیار عراق گذاشت و به هواپیماهای عراقی اجازه داد تا با عبور از فضای این کشور خود را به جنوب خلیج فارس نزدیک کنند و کشتی های ایرانی را هدف قرار دهند. هم چنین، ناوچه ها و کشتی های کوچک عراق از آب راه بین کویت و بوبیان و بالگردهای عراق از فضای کویت عبور کرده و علیه ایران دست به حملات نظامی می زدند.<sup>۳۱</sup>

### ۳) طرف های منازعه و استراتژی آنها

در سال پایانی جنگ، کویت با دعوت از قدرت های بزرگ جهان برای اسکورت نفتکش هایش نقش مهمی را در گسترش جنگ ایفا کرد. در این هنگام، جبهه گسترده و نامتقارنی در آب های خلیج فارس پدید آمد که یک طرف آن جمهوری اسلامی ایران و طرف دیگر آن مثلث عراق، حامیان منطقه ای آن، به ویژه کویت و عربستان و قدرت های فرامنطقه ای به ریاست امریکا بود. عراق آغازگر

### عراق آغازگر گسترش جنگ، کویت بستر ساز آن و قدرت ها و ابر قدرت ها مجریان آن محسوب می شدند

گسترش جنگ، کویت بستر ساز آن و قدرت ها و ابر قدرت ها مجریان آن محسوب می شدند. حوزه اصلی رویارویی نظامی، آب های خلیج فارس بود و بر این منازعه قواعد جنگ کم شدت حاکم بود. در این درگیری، هر یک از دو طرف برای رسیدن به اهداف سیاسی، نظامی با ملاحظاتی روبه رو بودند که از استفاده همه جانبه آنها از سلاح های خود جلوگیری می کرد. خشونت تا حدی کنترل می شد و اقدامات نظامی محدود و با هدف مشخص انجام می گرفت. البته، این موضوع درباره عراق به دلیل این که در حال یک جنگ تمام عیار با ایران بود صدق نمی کند. در این جنگ، عراق از تمام توان نظامی و تسلیحاتی خود برای رسیدن به هدف بهره جست. از

تحت الشعاع قراردادن میدان‌های نبرد جلوگیری کند. از نظر منابع و ابزار نیز، جمهوری اسلامی نمی‌توانست در فکر گسترش جنگ باشد؛ زیرا، توانایی نظامی ایران در خوش‌بینانه‌ترین حالت تنها می‌توانست بر توان نظامی عراق که در جبهه‌های جنگ بروز یافته بود غلبه کند.

## استراتژی نظامی عراق

اگر دو کشور آمریکا و کویت با گسترش جنگ آسیب می‌دیدند، عراق تنها با بین‌المللی شدن جنگ می‌توانست از شکست خود جلوگیری کند. شدت بیشتر جنگ برای عراق معادل حمایت بیشتر نظام بین‌المللی از بغداد و دخالت شدیدتر برای پایان جنگ بود. با گسترش جنگ، امنیت در خلیج فارس بیش از پیش به خطر افتاد و فرصت صدور نفت برای ایران کم‌تر شد. قطع درآمدهای نفتی و درگیری در خلیج فارس تضعیف توان نظامی ایران را در رویارویی با عراق در پی داشت. بین‌المللی شدن جنگ برای عراق به معنای دخالت قدرت‌های دیگر جنگ در حمایت از عراق بود. شوروی و فرانسه منابع و ابزار لازم را برای این استراتژی فراهم می‌آوردند. هم‌چنین، خود دولت‌های منطقه در اجرای این استراتژی نقش مهمی را بازی کردند. نقض کامل بی‌طرفی از سوی کویت و برخی از کشورهای منطقه با واکنش جمهوری اسلامی ایران

امنیت به معنای به خطر افتادن منافع حیاتی آن تلقی می‌شد، یعنی گسترش جنگ در منطقه خلیج فارس از سوی هر کشوری و به هر نحوی که بود مسلماً با اهداف و منافع حیاتی ایران در تعارض قرار داشت و برای جلوگیری از گسترش جنگ تلاش می‌کرد. تلاش برای تأمین و حفظ امنیت در خلیج فارس تا زمانی پذیرفته می‌شد که مستلزم رعایت بی‌طرفی از سوی دیگر کشورها، حفظ جو تفاهم‌آمیز در منطقه و تداوم جریان نفت ایران بود. این استراتژی به سیاست امنیت برای همه یا هیچ که به شکل سیاست مقابله به مثل اجرا می‌شد معطوف بود. در این راه، جمهوری اسلامی بیشترین خویش‌داری را برای جلوگیری از ناامنی از خود نشان می‌داد. رئیس‌جمهور وقت با اشاره به حضور آمریکا در خلیج فارس ابراز کرد: «سیاست مقابله به مثل ما در برخورد با رژیم عراق و حامیانش بدون توجه به حضور نیروهای آمریکا ادامه خواهد یافت اگر آمریکا ناوهای خود را وارد جریان‌ات نکند، ما به آنها متعرض نخواهیم شد، ولی اگر قصد آشوب و انجام تحریکاتی داشته باشند با آنها مقابله به مثل خواهیم کرد».<sup>۳۳</sup> استراتژی جنگ محدود و کم‌شدت برای ایران یک گزینه مناسب بود که در صورت ایجاد ناامنی در خلیج فارس از سوی کشورهای دیگر، به شکل محدود به آن پاسخ می‌داد و تلاش می‌کرد که از گسترش آن و



کمک‌های اطلاعاتی به عراق و فروش تسلیحات به متحدان منطقه‌ای عراق محدود بود، اما بعد از تلاش عراق برای بین‌المللی کردن جنگ و دعوت کویت از قدرت‌های بزرگ برای حفاظت از نفتکش‌های کویتی، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس افزایش یافت و کمک‌های نظامی این کشور به عراق به صورت آشکار جلوه گر شد. آمریکا عملاً به یک جنگ محدود با ایران وارد شد و در سال ۱۳۶۶، نیروی خود را در اقیانوس هند به یک گروه ناوگان کامل افزایش داد. این گروه ناوگان ۸۵ هزار تنی کیتی هاوک\* و یازده فروند کشتی اسکورت را شامل می‌شد. نیروی ضربتی این ناوگان در خارج از خلیج فارس در ساحل عمان مستقر بود. به تدریج، تعداد شناورهای آمریکایی به ۳۸ فروند رسید و حدوداً به همان میزان نیز متحدان غربی آمریکا شناور به خلیج فارس آوردند. از نظر ابزار و منابع، آمریکا از توان کافی برای اجرای عملیات نظامی گسترده‌تر برخوردار بود، ولی آسیب‌پذیری این کشور، مشکلات داخلی درباره تقسیم قدرت بین نهادها و سابقه و ذهنیت منفی تاریخی مردم آمریکا نسبت به جنگ‌های منطقه‌ای که تا آن موقع دخالت زیان‌بار ویتنام و لبنان را تجربه کرده بودند، موجب وحشت آمریکا از آغاز یک جنگ فرسایشی دیگر در منطقه شد. به هر حال، با توجه به موارد یادشده آمریکا گزینه جنگ محدود و کم‌شدت را بر جنگ همه جانبه و فراگیر ترجیح می‌داد و می‌کوشید تا به هر نحو ممکن، از ایجاد یک جنگ فرسایشی جلوگیری کند. با این حال، این کشور با گشودن یک جبهه جدید علیه جمهوری اسلامی ایران و آغاز یک جنگ کم‌شدت در منطقه نقش مهمی را در بین‌المللی شدن جنگ بازی کرد.

#### استراتژی کویت و عربستان

طرف دیگر بین‌المللی شدن جنگ، کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس بودند. این کشورها استراتژی واحدی نداشتند، اما در آن زمان، همگی نگران گسترش انقلاب اسلامی و فروپاشی حکومت‌های پادشاهی سنتی خود بودند. این نگرانی با اقدامات و تبلیغات عراق و واکنش‌های ایران افزایش یافت. حملات عراق به کشتی‌ها و اعمال سیاست مقابله به مثل ایران نمونه عالی این زنجیره اقدامات عراق و ایران و نگرانی و واکنش عرب‌ها بود. البته، با این بیان نباید نقش کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس را در کمک به عراق و آمریکا نادیده گرفت. آمریکا در طول عملیات نظامی خود در منطقه از نظر

روبه‌رو شد و منطقه را در وضعیتی قرار داد که در آن، روند درگیری رو به افزایش بود. عراق در پی تصاعد درگیری و ایران، کویت و آمریکا به نسبت‌های متفاوت خواستار کنترل آن بودند.<sup>۲۴</sup> عراق امیدوار بود که با تشدید و بین‌المللی کردن جنگ به صلح دست یابد و از درگیری بیشتر در یک جنگ فرسایشی که ایران به سبب جمعیت بیشتر و پایگاه صنعتی گسترده‌تر در آن طرف برتر بود احتراز کند. در نتیجه، برای اجرای این امر تشدید جنگ شهرها از طریق به کارگیری موشک‌های دوربرد، استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان، تهدید به حمله شیمیایی علیه شهرهای بزرگ و بهره‌گیری از توان بالای نیروی هوایی خود در حمله به کشتی‌ها و مراکز نفتی ایران در خلیج فارس را در برنامه کاری خود قرار داد و در سال پایانی جنگ، از همه آنها برای جلب توجه افکار عمومی جهان، سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ برای اقدام در پایان دادن به جنگ بهره برد.

#### استراتژی آمریکا

آمریکا ضلع سوم مثلث متحدان عراق در خلیج فارس از استراتژی جنگ کم‌شدت پیروی می‌کرد. اهداف کلی این کشور در منطقه حمایت از کشورهای منطقه در مقابل موج انقلاب اسلامی، جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ و تسلط بر منطقه، اعاده اعتبار مخدوش شده آمریکا در ماجرای مک‌فارلین میان کشورهای منطقه، جلوگیری از نفوذ شوروی و تداوم جریان نفت بود. این کشور در درجه نخست به شدت از پیروزی ایران نگران بود. در نتیجه، اولویت نخست آمریکا جلوگیری از تحقق این هدف بود. در سال ۱۳۶۶، کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در گزارشی نوشت: «شکست عراق برای منافع غرب فاجعه‌آمیز است. پیروزی ایران بر عراق به عنوان یک پیروزی برای بنیادگرایی اسلامی به شمار می‌رود. این تصور که ایران آمریکا را در جریان معامله جزئی سلاح در مقابل آزادی گروگان‌ها تحقیر کرده است بر جاذبه بنیادگرایی می‌افزاید، پیروزی ایران بر عراق این جاذبه را با عواقب بی‌ثبات‌کننده و مخربی برای رژیم‌های عرب محافظه‌کار از تونس و مصر گرفته تا عمان افزایش می‌دهد».<sup>۲۵</sup>

سیاست آمریکا در ابعاد گوناگون نظامی، سیاسی و اقتصادی در راستای جلوگیری از پیروزی ایران بود. بعد نظامی سیاست بیشتر در سال پایانی جنگ بروز یافت. تا قبل از این سال، بعد نظامی سیاست آمریکا بیشتر به ارائه

سوخت، استفاده از تاسیسات هوایی و دریایی، امکانات استقرار هواپیما، نیروهای زمینی و تفنگ‌داران دریایی به کویت و عربستان وابسته بود. آنتونی کزدمن در کتاب درس‌هایی از جنگ‌های نوین: جنگ ایران و عراق در این باره می‌نویسد: «کویت هزینه اجاره شناورهایی را که آمریکا در خلیج فارس از آنها استفاده می‌کرد پرداخت می‌نمود و ماهانه، حدود نه میلیون گالن سوخت به آن کشور تحویل می‌داد». کویت همکاری‌هایی را در زمینه استفاده از تاسیسات بندری و غیره نیز انجام می‌داد. عربستان سعودی به آمریکا اجازه داد تا هواپیماهای P-3C را در خاک کشورش مستقر سازد و مین‌روب‌های آمریکایی گهگاهی از منطقه جیبیل استفاده می‌کردند. ریاض هم چنین، حمایت آواکس‌های E-3A و پشتیبانی تدارکاتی از حضور آمریکا در منطقه را فراهم آورد. در بخش نهایی، خلیج فارس آواکس‌های عربستان با خدمه آمریکا و در بخش جنوبی آواکس‌های E-SA عربستان سعودی پوشش هوایی لازم را فراهم می‌آوردند. عربستان به شناورها و ناوگان هواپیماهای آمریکا اجازه می‌داد برای سوخت‌گیری مجدد در آب‌های آن کشور پهلو بگیرند. بحرین خدمات پزشکی و آتش‌نشانی را در زمان حمله به ناوچه آمریکایی استارک و تعمیر آن پس از اصابت را تأمین کرد. بالگردهای

### کویت هزینه اجاره شناورهایی را که آمریکا در خلیج فارس از آنها استفاده می‌کرد، پرداخت می‌نمود و ماهانه، حدود نه میلیون گالن سوخت به آن کشور تحویل می‌داد

آمریکایی به طور معمول از خاک بحرین برای تمرین و بارگیری استفاده می‌کردند. هم‌چنین، بحرین به ناوگان‌های آمریکایی اجازه داده بود که به طور مستمر بارگیری کنند. در اوج استقرار نیروهای آمریکایی در منطقه، در هر هفته، یک کشتی تدارکاتی و در هر روز، پنج هواپیمای C-141 و DC-8 و DC-10 نیروی هوایی آمریکا در بحرین تخلیه بار می‌کردند. بحرین به صورت دوافکتو استقرار نیروهای آمریکایی را در خاک خود پذیرفته و چندین سکوی بزرگ را برای استقرار نیروهای آمریکایی به آنها اجاره داده بود. امارات متحده عربی نیز به ناوهای E-2 آمریکا اجازه سوخت‌گیری مجدد و پهلوگیری در بنادر و به هواپیماهای E-3A آن اجازه پرواز بر فراز خاک آن کشور را داده بود. دومی خدمات بسیار مهم تعمیراتی را برای ناوهای

آمریکایی تأمین می‌کرد. عمان نیز به آمریکا اجازه داده بود تا هواپیماهای P-3 را در میصره مستقر سازد و به این ترتیب، برای گروه ناوگان جنگی آمریکا نقش پایگاه اصلی را بازی می‌کرد. هر چند میزان دقیق همکاری کشورهای منطقه با آمریکا هنوز محرمانه است، فرماندهان نظامی آمریکا این همکاری را برای موفقیت عملیاتشان فوق‌العاده حیاتی عنوان می‌کنند.<sup>۳۷</sup>

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از سال ۱۳۶۵، عراق به دلیل شکست‌های سنگین در فاو و شرق بصره و ناکامی آن در استراتژی دفاع متحرک، بین‌المللی کردن جنگ را جایگزین استراتژی جنگ فرسایشی کرد و آن را با تمام توان به اجرا گذاشت، سلاح‌های پیشرفته فرانسوی و روسی ابزارهای لازم را برای آن فراهم آورد و حمایت‌های همه‌جانبه کویت و عربستان سعودی اجرای آن را تسهیل کرد. جنگ نفتکش‌ها، جنگ شهرها و استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان جلوه‌های بیرونی سیاست عراق در اجرای استراتژی خود بود. زمامداران عراق دریافته بودند تا زمانی که جنگ و پیامدهای آن متوجه کشورهای دیگر نشود، جامعه جهانی گام نهایی را برای پایان جنگ برنمی‌دارد. اختلال در جریان نفت از خلیج فارس به کشورهای صنعتی جهان حساس‌ترین موضوع و سهل‌ترین هدف بود. صدور نفت از منطقه جزء منافع حیاتی قدرت‌های بزرگ و مؤثر جهان و کشورهای صادرکننده نفت در منطقه از جمله خود ایران محسوب می‌شد و هرگونه اختلال در آن واکنش تند آنها را در پی داشت.

قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه گسترش جنگ به کشورهای دیگر حوزه خلیج فارس را با حساسیت پیگیری می‌کردند و افکار عمومی جهان تحت تأثیر آثار و پیامدهای ضدبشری استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، گسترش حملات علیه مناطق مسکونی و موشک‌باران شهرها بود و به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ فشار می‌آورد. ناوگان دریایی آمریکا که به صورت محدود پس از پیروزی انقلاب در منطقه حضور داشت به شدت افزایش یافت و زمامداران کاخ سفید ضمن اسکورت نفتکش‌های کویتی، از متحدان غربی خود درخواست کردند تا برای تأمین امنیت جریان صدور نفت از خلیج فارس تعدادی ناوگان نظامی و کشتی‌های

برای تصویب قطع نامه تحریم تسلیحاتی ایران برآمد، امریکا با فشارهای مداوم خود بر چین خواستار پایان دادن به ارسال سلاح، به ویژه موشک های H۲۲ به ایران شد؛ زیرا، مدعی بود که ایران با این موشک ها به نفتکش های امریکایی در بندر الاحمدی حمله کرده و سرزمین کویت را هدف قرار داده است. هر چند قطع نامه تحریم تسلیحاتی هرگز به تصویب نرسید، حساسیت دولت ها و افکار عمومی کشورها نسبت به تداوم جنگ به مرحله ای رسیده بود که ارسال سلاح و تجهیزات را به ایران به شدت محدود و هزینه آن را افزایش داده بود. جدا از عوامل دیگری که در آغاز بحث مطرح شد، موضع به ظاهر صلح طلبانه عراق در سال پایانی موقعیت بین المللی این کشور را بهبود بخشیده بود و با وجود این که اقدامات ضدبشری و انجام جنایات جنگی در استفاده از سلاح های شیمیایی علیه مردم حلبچه، گسترش جنگ در خلیج فارس و حمله علیه خطوط کشتیرانی، مناطق مسکونی، غیرنظامیان و آثار تاریخی مورد پذیرش افکار عمومی نبود، پیامدها و فشارهای بین المللی ناشی از این وقایع به این دلیل که ایران بر ادامه جنگ پافشاری می کرد، عمدتاً به طرف جمهوری اسلامی ایران سوق داده می شد. در نتیجه، محدودیت هایی علیه ایران اعمال می شد. به این ترتیب، هر قدر اقدامات عراق در بین المللی کردن جنگ و تشدید آن بیشتر می شد فشارهای بین المللی بر جمهوری اسلامی ایران ابعاد جدیدتری می یافت و تشدید می شد.

### یادداشت ها

۱. ر.ک. به: کریس هیبلزگری؛ جنگ پست مدرن: سیاست نوین درگیری؛ ترجمه احمدرضا تقاء؛ تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ، ۱۳۸۱.

۲. برای مطالعه بیشتر درباره شاخص های قدرت در عراق ر.ک. به: سید حسین سیف زاده؛ عراق: ساختار و فرآیند گرایش های سیاسی؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.

۳. حسین یکتا؛ روز شمار جنگ ایران و عراق بحران در خوزستان؛ جلد ۲ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات، ۱۳۷۷، ص ۴۹۳.

4. Helms Christine Moss; *Iraq: Estern Flank of the Arab World*. Washington D.C.1984.P.204-208.

مین روب به منطقه اعزام کنند. در نتیجه، خلیج فارس شاهد بیش از هفتاد فروند شناور غربی در سال پایانی جنگ بود که عملکردشان در راستای حمایت از عراق و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی قرار داشت.

بین المللی شدن جنگ در حوزه سیاسی نیز تأثیر مستقیم داشت این تأثیر را می توان در سه سطح کشورهای منطقه، قدرت های بزرگ و سازمان ملل متحد بررسی کرد. حوادث خلیج فارس موجب تغییر در مواضع معدود کشورهای طرفدار ایران در منطقه شد.

متحدان عراق در جهان عرب تلاش گسترده ای را برای جدا کردن متحدان منطقه ای ایران آغاز کردند. برای نمونه، مصر روابط نزدیک تری با عراق برقرار کرد. معمر قذافی در یک چرخش ۱۸۰ درجه ای اعلام کرد: «عاقبت این جنگ نابودی دو کشور است و اگر ایران بخواهد به صورت یک قدرت استعماری در خلیج فارس درآید لیبی علیه او وارد جنگ خواهد شد». هم چنین، وزیر خارجه لیبی به بغداد سفر کرد و مجدداً روابط دیپلماتیک دو کشور از سر گرفته شد.<sup>۲۸</sup> به طوری که حتی پس از برگزاری اجلاس اتحادیه عرب در تونس، رهبر لیبی برخی از کمک های خود را به ایران یکی از اشتباهات بزرگ خواند.<sup>۲۹</sup> سوریه ضمن تأکید بر حمایت خود از جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که سوریه نمی تواند تصرف بصره را قبول کند و در صورت اقدام نظامی علیه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس در کنار اعراب باقی خواهد ماند و هرگونه تعرض به خاک آنها را تعرض به سوریه تلقی خواهد کرد.<sup>۳۰</sup> در مجموع، مواضع و عملکرد کشورهای سوریه و لیبی باعث شکست عراق در عربی کردن جنگ شد و عملکرد کشورهای عرب متحد عراق برای جدا کردن آنها از انقلاب اسلامی ناموفق بود، ولی گسترش جنگ در خلیج فارس موجب نزدیکی بیشتر آنها به کشورهای عرب شد. هم چنین، در اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران گام های مؤثری برداشته شد.

در سازمان ملل، جنگ ایران و عراق به صورت جدی مورد توجه قرار گرفت. شورای امنیت پس از مذاکرات گسترده و طولانی ای که پنج ماه به طول انجامید، قطع نامه ۵۹۸ را در قالب فصل هفت منشور ملل متحد تصویب کرد. با گسترش جنگ در عرصه دریا، استفاده عراق از سلاح های شیمیایی، تشدید جنگ شهرها و استفاده از موشک های دوربرد توجه افکار عمومی بیش از گذشته به جنگ معطوف شد و فشار برای پایان دادن به جنگ افزایش یافت. شورای امنیت در پی جلب نظر موافق تمام اعضا

۵. ر.ک.به: داود باوند: «نگرشی گذرا بر سیاست خارجی دولت خاتمی: نویدها و زندهاها» در مهدی ذاکریان. سیاست خارجی خاتمی از منظر صاحب نظران. تهران: همشهری، ۱۳۸۰، صص ۱۲۱-۱۳۶.
۶. محمدباقر حشمت زاده: «جنگ تحمیلی و نفت» جنگ تحمیلی (مجموعه مقالات)، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۷۳، صص ۲۷-۸۶.
۷. حسین اردستانی؛ تنبیه متجاوز. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، ص ۲۱۱.
۸. موسی کاظمی. «تحلیل آماری جنگ شهرها، نگاهی از آغاز تا پایان» در مجید مختاری (به اهتمام) تاملی در جنگ ایران و عراق: چند مسئله راهبردی؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷.
۹. محمود یزدان فام؛ نبرد با دریا و دشمنان دریایی، فصلنامه تاریخ جنگ؛ شماره ۱۷، تابستان ۱۳۷۷، ص ۶۳.
- 10- Anthony H.Cordesman and Abraham R. Wagner. *The Lessons of Modern War. Vol.II: the Iran - Iraq War*. London: Westview Press, 1990.P.229.
۱۱. یحیی فوزی و علیرضا لطف الله زادگان؛ روزشمار جنگ: در تدارک عملیات سرنوشت ساز؛ جلد ۴۳، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۲۸۸.
12. Cordesman. OP.Cit.P.242.
۱۳. ژوهانس ایسنر؛ «مسئله تجاوز و نقش دریافت جهانی از جنگ ایران و عراق» در بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع؛ جلد ۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز دفاع، ۱۳۶۸، صص ۲۹۵-۳۰۲.
۱۴. الیزابت گاملن و پال راجرز، «قرار گرفتن نفتکش های کویتی زیر پرچم ایالات متحده: دلایل و تأثیرات آن» در بازشناسی جنبه های تجاوز دفاع؛ جلد ۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸، صص ۱۵۳-۱۸۴.
- 15-Maxwell Orme Johnson. "The Role of U.S. Military Force in the Gulf War".in Christopher C.Joyner, *The Persian Gulf War: Lessons for Stratgy, Law and Diplomacy*. (New york: Green wood press, (1990).
- 16- Nadia EL-Sayed EL-Shazly. *The Gulf Tanker War: Iran and Iraqs Maritime Sword play*. London: Macmilian Prass LTD, 1998, p.282-292.
۱۷. محمدحسین جمشیدی و محمود یزدان فام؛ روزشمار جنگ ایران و عراق: عملیات کربلای ۱۰؛ در دست انتشار؛ جلد ۴۸، روز ۱۳۶۶/۲/۲۹.
۱۸. محمود یزدان فام؛ «سیمای خلیج فارس در واپسین سال جنگ ایران و
- عراق» ماهنامه نگاه ویژه جنگ ایران و عراق؛ شماره ۱۵ و ۱۶، شهریور و مهر ۱۳۸۰، صص ۸۹-۱۰۲.
۱۹. علی اکبر علی خانی؛ «مواضع و عملکرد نظام بین الملل در قبال جنگ ایران و عراق» در دفتر بررسی های سیاسی. انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین الملل؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۱۴۱-۱۸۸.
۲۰. محمد درودیان؛ فاو تا شلمچه؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ سوم، ۱۳۷۹، ص ۳۰.
۲۱. عبدالحکیم ابوغزاله؛ جنگ عراق و ایران؛ ترجمه نادر نوروزشاد؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، ص ۶۲۹.
۲۲. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۶/۴، ص ۳.
۲۳. روزنامه رسالت، ۱۳۶۶/۵/۲۴، ص ۵.
24. El-Sayed; Op.Cit.p.190-193.
۲۵. روزنامه کیهان، ۱۳۶۶/۸/۶، ص آخر.
26. Orme Johnson. Op.Cit.p.127-138.
27. Cordesman.Op.Cit.p.571.
۲۸. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۱۰/۹، ص آخر.
۲۹. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۳/۳۰، ص آخر.
۳۰. روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۷/۹، ص آخر.



# دلایل و ریشه‌های موضع‌گیری ترکیه در جنگ ایران و عراق

رحمان قهرمان پور

## مقدمه

تحولاتی که در اواسط دهه ۷۰، در نظام بین‌الملل رخ داد، اهمیت نفت و به تبع آن منطقه خاورمیانه، به ویژه خلیج فارس را افزایش داد. از همین رو، حفظ امنیت جریان نفت برای غرب و نظام سرمایه‌داری اهمیتی حیاتی داشت. سیاست دو ستونی نیکسون در خلیج فارس نیز در راستای سپردن امنیت منطقه به قدرت‌های منطقه‌ای بود. ظهور و موفقیت پدیده‌ای به نام انقلاب اسلامی در ایران هم معادلات امنیتی منطقه را بر هم زد و هم به طور جدی، منافع غرب را در خاورمیانه، به ویژه خلیج فارس تهدید کرد. طرح مسئله صدور انقلاب، غرب و کشورهای منطقه را بیش از پیش نگران نمود. عدم تحقق اهداف عراق و تداوم جنگ با برتری جمهوری اسلامی ایران کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا و نیز ابرقدرت بلوک شرق، یعنی شوروی را به دخالت مستقیم در فرآیند جنگ وادار کرد. ترکیه به دلیل موقعیت خاص ژئوپلیتیک، منافع امنیتی و اقتصادی متأثر از جنگ، به خودی خود درگیر مسائل جنگ بود و با این حال تلاش کرد موضع بی‌طرفی خود را تا پایان جنگ حفظ کند.

هرچند موقعیت ممتاز ژئوپولیتیک ترکیه که به منزله پلی میان جهان شرق و غرب در دوران جنگ سرد عمل می‌کرد، دربردارنده منافع برای این کشور بود، گاهی نیز در راستای تهدید منافع ملی این کشور عمل می‌کرد. افزون بر اینها، ساختار نظام سیاسی این کشور لائیک و بر جدایی

دین از سیاست مبتنی بود و نخبگان ترک می‌کوشیدند با نزدیکی به غرب ترکیه را به یک کشور غربی و صنعتی تبدیل کنند. در همین راستا، توسعه اقتصادی و انباشت سرمایه، اصلی‌ترین دغدغه نخبگان ترک بود. ترکیه به دلیل نداشتن منابع زیرزمینی مانند نفت و گاز برای صادرات، از نظر انرژی به شدت به جهان خارج و در رأس آنها منطقه خاورمیانه وابسته بود. در کنار اینها، حضور قدرتمند این کشور در منطقه تابعی از روابط آن با بلوک غرب، به ویژه آمریکا بود.

به این دلیل که اولویت نخست سیاست خارجی ترکیه از زمان تأسیس جمهوری ترکیه در ۱۹۲۳، غربی و صنعتی شدن بود؛ بنابراین، نخبگان نظامی و سکولار این کشور همواره روابط خود را با دیگر کشورها و مناطق براساس رابطه خود با غرب تنظیم کرده‌اند. به عبارت دیگر، غرب در سیاست خارجی ترکیه همواره یک متغیر مستقل محسوب می‌شود. از طرف دیگر، به دلیل مشکلات متعدد در منطقه خاورمیانه، نخبگان ترک، به ویژه نظامیان کوشیده‌اند با اجتناب از نزدیکی بیشتر به این منطقه، از گسترش ناامنی‌های منطقه‌ای به داخل کشور و در نتیجه، تهدید نظام سکولار مبتنی بر آرمان‌های آتاتورک جلوگیری کنند، اما در عین حال، هر وقت نزدیکی موقتی به خاورمیانه موجب می‌شد تا ترکیه به غرب نزدیک تر شود نخبگان این کشور درنگ نکرده و روابط خود را با کشورهای عرب و حتی ایران تقویت نموده‌اند، اما این امر نه یک قاعده، بلکه

یک استثنا محسوب می‌شود. افزون بر اینها عضویت ترکیه در ناتو محدودیت‌هایی را برای دخالت این کشور در مسائل خاورمیانه ایجاد می‌کرد؛ زیرا، مقامات ناتو در اروپا با بلوک شرق درگیر بودند و به گسترش حوزه‌های مأموریت خود تمایلی نداشتند.

بنابراین، برای درک چرایی موضعگیری بی‌طرفانه فعال ترکیه در قبال جنگ ایران و عراق، باید وضعیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور را در آستانه آغاز جنگ و نیز سال‌های بعد از آن بررسی کرد؛ زیرا، این موضعگیری تابعی از شرایط کلی حاکم بر جامعه و حکومت و نیز بازیگران مهم در عرصه تصمیم‌گیری بود. ده روز پس از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ در ترکیه، عراق به ایران حمله کرد. این کودتا نتیجه افزایش خشونت‌های بی‌سابقه سیاسی در این کشور طی دهه ۷۰ بود. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران موجی از اسلام‌گرایی در خاورمیانه به راه انداخته بود و بی‌شک، نظام سکولار ترکیه

گسترش خصوصی‌سازی، مهم‌ترین عامل در روی آوردن ترکیه به موضع بی‌طرفی در قبال جنگ ایران و عراق بود. مفروضات مورد نظر در این مورد عبارت‌اند از:

(۱) غربی و صنعتی شدن یکی از محورهای اساسی سیاست خارجی ترکیه است؛

(۲) توسعه اقتصادی یکی از پیش شرط‌های لازم برای غربی شدن است؛ و

(۳) موقعیت برتر ژئوپولیتیک ترکیه یکی از عوامل ثابت در رویکرد این کشور به جهان خارج محسوب می‌شود.

برای آزمون فرضیه، عوامل مؤثر بر موضعگیری ترکیه را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و نظام بین‌الملل بررسی می‌کنیم و نشان می‌دهیم که تصمیم‌نخبگان ترک برای پیگیری سیاست‌های توسعه اقتصادی و خصوصی‌سازی واکنش آنان به مسائل داخلی و خارجی این کشور بود و در پی همین تصمیم نیز، لزوم انباشت سرمایه به صورت جدی برای ترکیه مطرح شد.

#### ۱) جنگ ایران و عراق و مسائل داخلی ترکیه در دهه ۸۰

نگاهی به تحولات جامعه ترکیه گویای آن است که در دهه ۸۰ و طی جنگ ایران و عراق، چهار مسئله عمده در رابطه با جنگ مزبور در ترکیه وجود داشت. هرچند عوامل مزبور الزاماً نتیجه جنگ نبودند، در هر حال، هم بر آن تأثیر گذاشتند و هم از آن تأثیر پذیرفتند. این عوامل که در زیر آنها را بررسی خواهیم کرد، عبارتند از: الف) اسلام‌گرایی؛ ب) ناسیونالیسم کردی؛ ج) توسعه اقتصادی؛ و د) مهاجرت ایرانیان به ترکیه.

##### الف) اسلام‌گرایی

هرچند ظهور احزاب اسلامی در ترکیه به دهه ۶۰ برمی‌گردد، اما انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن جنگ تحمیلی تأثیر به‌سزایی در گرایش به اسلام در میان مردم ترکیه داشت. این گرایش برای نظام سکولار ترکیه تهدیدی جدی محسوب می‌شد. از همین رو، نخبگان این کشور درصدد کنترل این گرایش برآمدند. آنها به خوبی می‌دانستند که پیروزی ایران در جنگ، یعنی موفقیت کامل سیاست صدور انقلاب. ترکیه در نوک پیکان این سیاست در خاورمیانه قرار داشت؛ زیرا، نظام این کشور یک نظام لائیک بود و حتی از نظر انقلابیون، ضد‌مذهب محسوب می‌شد. انقلابیون ایران آتانورک را دوست و راهنمای رضا شاه در مقابله با اسلام، به ویژه روحانیت می‌دانستند. از

#### نخبگان نظامی و سکولار ترکیه همواره روابط خود را با دیگر کشورها و مناطق براساس رابطه خود با غرب تنظیم کرده‌اند. به عبارت دیگر، غرب در سیاست خارجی ترکیه همواره یک متغیر مستقل محسوب می‌شود

یکی از اهداف اصلی این موج بود. در چنین اوضاع ناآرامی، ثبات در داخل و مناطق اطراف ترکیه اصلی‌ترین اولویت منافع ملی این کشور محسوب می‌شد، اما طبیعی است که ثبات و امنیت برای کشورهای که می‌خواهند توسعه یابند به خودی خود هدف و غایت نیست. ثبات زمانی معنا پیدا می‌کند که به قدرتمند شدن یک کشور منجر شود.

با توجه به آنچه گفته شد پرسش اصلی مقاله حاضر این است که مهم‌ترین دلیل موضعگیری بی‌طرفانه ترکیه در قبال جنگ ایران و عراق چه بود؟ در این راستا، پرسش‌های فرعی دیگری نیز مطرح می‌شوند. مثلاً آیا تحولات منطقه خاورمیانه و نیز نفوذ امریکا تأثیر به‌سزایی در این موضعگیری داشت یا نه؟ تحولات نظام بین‌الملل، به ویژه گسترش سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال در بلوک غرب و کشورهای وابسته به آن تا چه حد در روی آوردن ترکیه به موضع بی‌طرفی مؤثر بود؟ فرضیه اصلی عبارت است از این که نیاز ترکیه به انباشت سرمایه در دهه ۸۰، آن هم به دلیل در پیش گرفتن سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال و

یا همان اسلام سنتی غیر ایدئولوژیک در برابر اسلام گرایی رادیکال شیعه دانست و هدف از آن را جلوگیری از گسترش حرکت های بنیادگرایانه در این کشور تلقی کرد. از نظر رشد اسلام گرایی، آغاز جنگ میان عراق و ایران چند نتیجه عمده را برای ترکیه در پی داشت. نخست، این که، مسئله صدور انقلاب در ایران تحت الشعاع جنگ قرار گرفت و به اولویت دوم تبدیل شد. دوم آن که توانایی ایران برای صدور انقلاب به دلیل درگیر شدن در جنگ کاهش یافت و ادامه جنگ به این وضعیت شدت بخشید. سوم این که، مقامات ترک به دلیل نیاز ایران به ترکیه، طی جنگ از کنترل صدور اسلام گرایی از سوی ایران تا حد زیادی اطمینان یافتند. به این ترتیب، این فرصت برای ترک ها فراهم شد تا نوعی اسلام گرایی کنترل شده از بالا را رواج دهند. البته، اعلام بی طرفی ترکیه در جنگ، این وضعیت را تقویت کرد، هر چند سرانجام این اسلام کنترل شده به افول سکولاریسم در ترکیه منجر شد؛ همان چیزی که انقلاب اسلامی در دهه ۸۰ به دنبال آن بود، ولی اقدامات مقامات

طرف دیگر، شکست ایران نیز می توانست ناسیونالیسم کردی را با تجزیه شدن کردستان ایران فراهم آورد. از یک دیدگاه، استفاده از نمادهای اسلامی در جنگ و مقاومت بی نظیر مردم در مقابل حمله عراق، نشان دهنده پتانسیل نهفته در اسلام بود که می توانست حتی بدون وجود اقدام عملی برای صدور انقلاب اسلامی، اسلام گرایان ترکیه را به ادامه مبارزه خود در داخل نظام سیاسی ترکیه تشویق کند و در نتیجه همین امر بود که بعد از انقلاب اسلامی، برای نخستین بار نمازگزاران مسجد فاتح استانبول، علیه آتاتورک شعار دادند و او را به باد تمسخر گرفتند. زمانی که رسانه ها این حرکت را منعکس کردند، اربکان در مقام نماینده اسلام گرایی از این حرکت غیراسلامی اظهار تأسف نمود، ولی از آتاتورک دفاع نکرد. در ۱۵ شهریور ۱۳۵۹ نیز، طرفداران حزب سلامت ملی طی یک راهپیمایی در قونیه، از خواندن سرود ملی اجتناب کردند و بازگشت به شریعت را خواستار شدند.<sup>۱</sup> همین طور، در مهرماه سال ۱۳۶۳ در شهر باش قلعه، بین

### عضویت ترکیه در ناتو محدودیت هایی را برای دخالت این کشور در مسائل خاورمیانه ایجاد می کرد؛ زیرا، مقامات ناتو در اروپا با بلوک شرق درگیر بودند و به گسترش حوزه های مأموریت خود تمایلی نداشتند

ترک باعث شد تا این جریان یک دهه بعد از درون خود جامعه ترکیه سر برآورد. فیلیپ رابینز بر این باور است که افول سکولاریسم در ترکیه سه دلیل عمده دارد: ۱) جست و جوی قدرت از سوی احزاب و ائتلاف احزاب سکولار با احزاب اسلامی برای ماندن در قدرت که به نوبه خود تقویت احزاب اسلام گرا را موجب می شود؛ ۲) ظهور کشورهای نفت خیز خاورمیانه و قدرت یافتن آنها در دهه ۸۰، به ویژه بعد از بحران نفتی. تلاش آنکارا برای جذب سرمایه و توریست از کشورهای خلیج فارس و نیز انعقاد قراردادهای ساخت و ساز، توجه بیشتر ترکیه را به این کشورها باعث شد، اما رژیم های سیاسی این منطقه از لائیسزم آتاتورک هراسان بودند؛ بنابراین، ترکیه با ورود به سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۷۶ کوشید از شدت این تهدید بکاهد. از سوی دیگر، عربستان با استفاده از این فرصت توانست بازگشت مجدد اسلام را به ترکیه تسریع کند. به این ترتیب، تلاش برای جذب منافع اقتصادی به تضعیف ایدئولوژی آتاتورک در ترکیه منجر شد؛ و ۳) دلیل سوم ترس مقامات ترکیه از سلطه جناح چپ بر کشور بود. در دهه ۷۰، اسلام گرایان راست در خشونت های شهری

نیروهای دولتی و طرفداران نجم الدین اربکان درگیری صورت گرفت. در نتیجه، یک ماشین دولتی به آتش کشیده شد.<sup>۲</sup>

ادامه جنگ میان عراق و ایران و پیروز نشدن یکی از دو طرف تضمینی برای عدم صدور انقلاب ایران به ترکیه بود. این موضعگیری آنکارا با موضع واشنگتن که می کوشید بنا به سیاست کلی جلوگیری از ظهور هژمون های منطقه ای، هر دو کشور قدرتمند مخالف اسرائیل، یعنی ایران و عراق را هم زمان تضعیف کند، همسو بود. به همین دلیل، نخبگان ترک اسلام گرایی را تهدیدی برای منافع ملی خود محسوب نمی کردند. به دلیل همین گرایش بود که تورگوت اوزال، نخست وزیر وقت ترکیه، درصدد مدیریت مسئله اسلام گرایی برآمد. سیاست محوری او نزدیکی به کشورهای اسلامی سنی مذهب (نظیر عربستان) برای جلوگیری از نفوذ تشیع ایرانی بود. بعدها، فاش شد که در این راستا، اوزال کمک های زیادی را از عربستان دریافت کرده و به این کشور اجازه داده است مساجد و مراکز مذهبی متعددی را در ترکیه احداث کند. از این نظر، سیاست ترکیه را می توان ترویج اسلام گرایی سنی میانه رو

چندان شرکت نداشتند. به همین دلیل، نظامیان به این نتیجه رسیدند که تهدید چپ‌ها به مراتب بیشتر است؛ بنابراین، اسلام راست محافظه‌کار را بر چپ مارکسیستی ترجیح دادند.<sup>۲</sup>

### ب) ناسیونالیسم کردی

حفظ تمامیت ارضی آناتولی به منزله سرزمین ترک‌ها یکی از اصول اساسی تفکرات آتاتورک بود. در همین راستا، کمالیست‌ها همواره نسبت به توطئه تجزیه ترکیه نگران بوده‌اند و این نگرانی را حتی به نزدیک‌ترین دوستان خود نظیر آمریکا نیز تسری داده‌اند. حرکت‌های استقلال طلبانه

ناسیونالیسم کردی نبود. البته، نمی‌توان این امر را به معنای بی‌اهمیت بودن مسئله مزبور تلقی کرد. هنگامی که مقامات ترک مقاومت دلیرانه ایرانی‌ها را برای پس گرفتن خرمشهری که صدام آن را عربستان می‌نامید، مشاهده کردند، اطمینان یافتند که نظام سیاسی ایران به همین راحتی اجازه نمی‌دهد یک دولت خودمختار در منطقه کردستان تشکیل شود. نگرانی دیگر نخبگان ترک احتمال ائتلاف میان اسلام‌گرایان و کردها علیه ترکیه بود. البته، از آن جایی که ناسیونالیسم کردی در ترکیه متأثر از عملکرد نخبگان کرد و نه عامه مردم بود و این نخبگان نیز بیشتر گرایش‌های مارکسیستی داشتند، ائتلاف مزبور نمی‌توانست



## هرچند ظهور احزاب اسلامی در ترکیه به دهه ۶۰ برمی‌گردد، اما انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن جنگ تحمیلی علیه ایران تأثیر به‌سزایی در گرایش به اسلام در میان مردم ترکیه داشت

کردهای ترکیه مهم‌ترین نگرانی این کشور در این باره بوده است. انقلاب اسلامی و به دنبال آن جنگ عراق علیه ایران و بروز ناامنی در این کشور، ترس ترکیه از احتمال تجزیه و در نتیجه گسترش ناسیونالیسم کردی به ترکیه را افزایش داد. اولسون معتقد است که از زمان قاجار، مسئله کردها یکی از عناصر ثابت در روابط دو کشور بوده و حتی در برخی از مواقع، به تنش بین دو کشور نیز منجر شده است. وی این نکته بسیار مهم را یادآور می‌شود که منافع ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک دو کشور ایران و ترکیه مانع از آن شده است که مسئله کردها به قطع روابط دو کشور منجر شود.<sup>۲</sup>

به دلیل این منافع درازمدت میان دو کشور، می‌توان گفت در جنگ ایران و عراق، دغدغه اصلی ترکیه،

چندان جدی باشد. بعدها، نفوذ اسلام‌گرایی در میان مردم عادی گُرد، حتی خود مبارزان آنها را نیز نگران کرد. قبل از دهه ۸۰، مبارزان کرد مقدسات دینی مردم را باروزه‌خواری و کشیدن سیگار در ماه رمضان در ملاً عام تحقیر می‌کردند، اما بعد از انقلاب اسلامی ایران، کوشیدند حساسیت‌های دینی مردم را فراموش نکنند.

نگرانی دیگر ترکیه احتمال ائتلاف کردها با ارمنی‌ها بود که بنا به اعتقادات تاریخی معتقدند امپراتوری عثمانی ارمنی‌ها را قتل عام کرده است. جنگ ایران و عراق و نیز نابسامانی‌های ناشی از انقلاب اسلامی نگرانی ترکیه را تشدید می‌کرد. اوج این نگرانی در خبری بود که در ۹ مهرماه ۱۳۶۳، روزنامه ملیت چاپ استانبول آن را فاش کرد. در نامه تهدیدآمیزی که با امضای کمیته همکاری گُرد،

شد که هر گونه تخطی از مواضع فعلی ترکیه در جنگ مزبور، کل منطقه را در آینده متضرر خواهد کرد. وی در ادامه افزود ترکیه همواره از اعتماد دو طرف برخوردار بوده است و با اجرای سیاست‌های بی طرفانه، از اتخاذ مواضعی که این اعتماد را خدشه دار کند، اجتناب کرده است. خلف اوغلو، وزیر امور خارجه وقت ترکیه، در گفت و گو با روزنامه ملیت با اشاره به درک درست این کشور از مواضع ایران، عملکرد این کشور را در خلیج فارس دفاعی خواند و افزود اظهارات مقامات ایرانی از آن حکایت دارد که این کشور خواهان گسترش جنگ در منطقه نیست. تلاش آنکارا این است که سوء تفاهم‌های ناشی از اظهارات مسئولان کشورهای منطقه را از بین ببرد و در حکم یک کشور بی طرف در نزدیک کردن دو طرف اختلاف به یکدیگر بکوشد.<sup>۶</sup>

### ج) توسعه اقتصادی

هر چند ترکیه روند مدرنیزاسیون را از دهه ۳۰ آغاز کرده و در دوران جنگ سرد نیز، از کمک‌های بلوک غرب در این راستا بهره برده بود، در دهه ۸۰ و در زمان نخست‌وزیری تورگوت اوزال، حرکت جدی و منسجمی برای توسعه اقتصادی آغاز شد. اقدامات گسترده و چشمگیر اوزال در این دوران باعث شد تا ترکیه شکوفایی و رشد اقتصادی درخور توجهی را شاهد باشد. عملکرد وی به حدی مؤثر بود که برخی از تحلیلگران به تبعیت از تاجریسم و ریگانیسم از گفتمان اوزالیسم در ترکیه سخن می‌گویند. اریک کورنل اظهار می‌کند اوزال شخصیت مرموزی داشت، هم به اسلام‌گرایان و طریقت‌ها نزدیک بود هم با نظامیان رابطه خوبی داشت، هم از ارزش‌های سکولار دفاع می‌کرد و هم اهانت‌کنندگان به مظاهر و شعائر اسلامی را در اداره‌های دولتی تنبیه و مجازات می‌نمود. همین‌طور به گفته برخی اوزال کُرد بود، ولی با ناسیونالیسم کردی مخالفت می‌کرد.<sup>۷</sup>

نظریه پردازان توسعه اقتصادی عامل اصلی توسعه را خروج از چرخه باطل در کشورهای در حال توسعه می‌دانند. متغیر اصلی این چرخه باطل، نبود سرمایه است. اگر کشورها بتوانند به انباشت سرمایه اقدام کنند، از این دور باطل خلاص خواهند شد. روش‌های متعددی برای این کار وجود دارد که استفاده از کمک‌های خارجی یا بهره‌گیری از شرایط ویژه در تجارت از جمله آنهاست. مورد ترکیه نشان می‌دهد که در کنار وجود محرک‌های داخلی، محیط بین‌المللی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه

ارمنی و مجاهدین خلق (منافقین)، در این روز به سفارت ترکیه در تهران ارسال شد از کلیه کارکنان سفارت خانه و خانواده‌های آنان خواسته شد تا هر چه زودتر ایران را ترک کنند در غیر این صورت، هدف عملیات تروریستی قرار خواهند گرفت. این کمیته هدف خود را مبارزه و آزادسازی ارمنستان از اشغال ترکیه اعلام کرد و نوشت، تشکیلاتی برای همکاری میان ارمنه و کردها به وجود آمده که سازمان مجاهدین خلق (منافقین) نیز حمایت خود را از آن اعلام کرده است. روزنامه ملیت در ادامه افزود که در طول یک سال گذشته، ارمنه ایران بیش از پانزده عملیات تروریستی را علیه دیپلمات‌ها و بازرگانان ترکیه انجام داده و حتی به هنگام دیدار رسمی اوزال از ایران در ماه مارس گذشته یک تاجر ترک به نام بولدر را ترور کرده‌اند.<sup>۸</sup>

این تهدیدات در حالی بود که سه روز قبل از آن بمبی در مقابل هتل آزادی تهران که گفته می‌شد، محل اقامت بازرگانان ترک است کار گذاشته شده بود، اما تورگوت اوزال برای جلوگیری از ایجاد تنش در روابط دو کشور اعلام کرد که بازرگانان ترک هدف این انفجار نیستند. با افزایش امنیت داخلی در ایران و طرد گروه‌های مبارز کرد و

### منافع ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک دو کشور ایران و ترکیه مانع از آن شده است که مسئله کردها به قطع روابط دو کشور منجر شود

نیز مجاهدین خلق (منافقین) از این کشور، نگرانی ترکیه نیز تا حد درخور توجهی برطرف شد.

نکته دیگری که باید به آن توجه شود، این است که شمال عراق از نظر گسترش ناسیونالیسم کردی به ترکیه، همواره نسبت به کردستان ایران تهدید جدی تری محسوب شده است. به همین دلیل نیز، ترک‌ها کوشیده‌اند از گسترش جنگ به مناطق کردنشین عراق به شدت جلوگیری کنند. حتی زمانی که احتمال گسترش منطقه‌ای جنگ افزایش یافت، ترک‌ها فعالیت‌های دیپلماتیک خود را برای برقراری صلح یا دست‌کم جلوگیری از گسترش جنگ تشدید کردند. در ۳۱ مرداد ماه ۱۳۶۶، تورگوت اوزال با تکرار ادعای سیاست بی‌طرفی کشورش در برابر جنگ ایران و عراق، شدت گرفتن بحران در منطقه کردنشین ترکیه را ناشی از این امر دانست و تأکید کرد کشورهای دیگر منطقه نیز از رعایت اصول بی‌طرفی از جانب ترکیه در قبال جنگ ایران و عراق حمایت می‌کنند. هم‌چنین، یادآور

یک کشور دارد. حرکت کشورهای آسیای جنوب شرقی در راستای توسعه، با تحولات اقتصاد سیاسی بین‌الملل در دهه ۷۰ و ظهور شرکت‌های چند ملیتی که برای افزایش سود خود به سوی نیروی کار ارزان در کشورهای در حال توسعه روی آوردند همراه شد. ترکیه نیز زمانی این حرکت را به طور جدی آغاز کرد که سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال در حال شکل گرفتن بود. در این سیاست، سیاست اقتصادی جایگزینی واردات جای خود را به افزایش صادرات داده بود و هدف از این اقدام همانا انباشت سرمایه بود.

آغاز جنگ ایران و عراق یکی از بهترین موقعیت‌ها برای انباشت سرمایه در ترکیه محسوب می‌شد. هزینه‌های سرسام‌آور جنگ در کنار تحریم تسلیحاتی، نیاز به فروش نفت را افزایش داد و امن‌ترین مسیر برای انتقال نفت نیز مسیر ترکیه بود. افزون بر این، ترس از پیروزی ایران در جنگ نیز نزدیکی اعراب به ترکیه را به منزله یک وزنه متقابل موجب شد. وضعیت مزبور به ترکیه این امکان را داد

و خیم تر کرد. تحت چنین شرایطی، توسعه اقتصادی و جذب سرمایه برای ترکیه نوعی بازی مرگ و زندگی به‌شمار می‌رفت؛ زیرا، این کشور با داشتن جمعیت زیاد، فاقد منابع انرژی کافی بود.

نداشتن منابع سرشار نفتی و برخوردار نبودن از رانت‌های ناشی از صادرات بر موضعگیری‌های ترکیه سایه افکنده است. برای نمونه، در دهه ۸۰، این کشور برای جلب رضایت اعراب روابط دیرینه خود را با اسرائیل رسماً به سطح دبیر دوم تنزل داد. سخنگوی وزارت امور خارجه دلیل اتخاذ این تصمیم را عقب‌نشینی نکردن اسرائیل از سیاست‌های سازش‌ناپذیر خود در منازعه خاورمیانه و ایجاد بن‌بست در وضعیت حقوقی بیت‌المقدس اعلام کرد، اما در واقع، از اتخاذ این تصمیم دو هدف عمده داشت: تلاش برای کسب اعتبار اسلامی در داخل و خارج کشور از سوی نظامیان حاکم و تلاش برای جذب سرمایه برای تأمین بودجه. در سال ۱۹۸۰، کل ارزش صادرات ترکیه ۲/۲ میلیارد دلار آمریکا بود، در حالی که هزینه واردات نفت در همان

### استفاده از نمادهای اسلامی در جنگ و مقاومت بی‌نظیر مردم در مقابل حمله عراق، نشان‌دهنده پتانسیل نهفته در اسلام بود که می‌توانست حتی بدون وجود اقدام عملی برای صدور انقلاب اسلامی، اسلام‌گرایان ترکیه را به ادامه مبارزه خود در داخل نظام سیاسی ترکیه تشویق کند

تا بتواند در راستای توسعه اقتصادی، سرمایه لازم را انباشت کند. طبق آمارها، روابط تجاری ترکیه با ایران طی جنگ به شدت افزایش پیدا کرد. در حالی که میزان صادرات ترکیه به ایران در سال ۱۹۷۸، ۴۴ میلیون دلار و در سال ۱۹۷۹ ۱۲ میلیون دلار بود، در سال ۱۹۸۵، به ۷۱ میلیارد دلار رسید. همین‌طور، ترکیه از راه ترانزیت نفت در سال ۱۹۸۴، دویست میلیون دلار و در سال ۱۹۸۵، ۱۶۲ میلیون دلار درآمد کسب کرد.<sup>۸</sup> در ضمن، به دلیل شرایط خاص پیش‌آمده کالاهای غربی را با سود بیشتری به ایران و عراق صادر می‌کرد.

برای درک چرایی روی آوردن نخبگان ترک به خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی باید به شرایط بد اقتصادی این کشور در اوایل دهه ۸۰ اشاره کرد. از سال ۱۹۷۵ به بعد، ذخایر ارزی ترکیه به شدت کاهش یافت و به نابودی اقتصادی ترکیه منجر شد. بحران اقتصادی ۱۹۷۸-۱۹۷۹ سخت‌ترین بحرانی بود که این کشور تجربه نمود.<sup>۹</sup> از طرف دیگر، آشوب‌های سیاسی به وجود آمده در این کشور قبل از کودتای ۱۹۸۰، وضعیت اقتصادی را

سال به ۲/۶ میلیارد دلار می‌رسید. مقامات ترکیه به دلیل بحران شدید اقتصادی و در راستای تأمین نفت لازم برای زمستان آینده، مجبور شدند حمایت کشورهای تولیدکننده نفت را جلب کنند. در همان روزی که ترکیه کاهش سطح روابط خود را با اسرائیل اعلام کرد، عربستان چکی را به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار به مقامات ترک تحویل داد.<sup>۱۰</sup>

با کاهش قیمت نفت در اواسط دهه ۸۰، ترکیه بار دیگر به اسرائیل نزدیک شد. در این جا بود که اوزال در برابر انتقاد اعراب از این حرکت، نیت واقعی خود را آشکار و اعلام کرد ترکیه همیشه بر اساس اصل سود و زیان عمل می‌کند و اعراب باید از این امر آگاه باشند.<sup>۱۱</sup> بر همین اساس، هنگامی که ترکیه در اواخر جنگ دریافت که نمی‌تواند چون گذشته از ایران، عراق و کشورهای عرب سرمایه جذب کند، در صدد برآمد همراه با کشورهای دیگر طرح صلحی را به دو کشور پیشنهاد دهد. این امر، به ویژه بعد از آزادسازی خرمشهر و ترس شدید اعراب از پیروزی ایران مشهود بود. در مهرماه ۱۳۶۳، یک روزنامه پاکستانی گزارش داد که عربستان سعودی و ترکیه طرحی برای پایان جنگ در برابر



این اساس برنامه ریزی شده بود. ترکیه می‌کوشید ضمن حفظ بی‌طرفی، برای اصلاح و ترمیم نظام اقتصادی خود بیشترین بهره‌برداری اقتصادی را از دو طرف جنگ بنماید. این درحالی بود که دولت حاکم ضمن اعلام سیاست بازار آزاد آشکارا ترجیح اصل سود و منفعت را اعلام کرده و محور قرارگرفتن امور اقتصادی با آغاز زمامداری اوزال روند صعودی به خود گرفته بود، تا حدی که سیاست خارجی بر پایه اقتصاد و منافع آن بنیان نهاده شد. اوزال پس از پیروزی در انتخابات ۱۹۸۳ گفت در سیاست، همه چیز بر ثروت و دارایی استوار است. او اعتقاد داشت که افزایش تجارت خارجی ترکیه یک معجزه تلقی می‌شود و تنها راه توسعه اقتصادی کشور است.<sup>۱۳</sup>

#### د) مهاجرت ایرانیان به ترکیه

در اوایل جنگ، بسیاری از گروه‌های اپوزیسیون ایرانی به دلایل مختلف ایران را به مقصد اروپا یا آمریکا ترک کردند. در این میان، ترکیه به منزله پل ارتباطی میان ایران و غرب محسوب می‌شد. بسیاری از گروه‌های طرفدار نظام سلطنتی در ایران که تصور می‌کردند عمر نظام سیاسی جدید زیاد نخواهد بود، راهی ترکیه شدند تا دوباره بعد از مدت کوتاهی، به ایران بازگردند. در کنار اینها، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که اصلی‌ترین گروه اپوزیسیون نظامی بود نیز، بعد از اختلافات و درگیری‌های داخلی، راه خارج از کشور را در پیش گرفت و در مسیر خود، مدتی را نیز در ترکیه مستقر شد. جمهوری اسلامی ایران همواره به وجود این نوع گروه‌ها اعتراض می‌کرد؛ زیرا، مهاجران از این راه می‌توانستند به خرابکاری در ایران اقدام کنند. به گفته رابرت اولسون، در سال ۱۹۸۹، بین ۱ تا ۱/۵ میلیون ایرانی ساکن ترکیه بودند. فعالیت‌های این افراد ناراحتی ایران را موجب شده بود.<sup>۱۴</sup>

ایران نگران همکاری میان سازمان‌های امنیتی اطلاعاتی ترکیه (از سوی دولت ترکیه)، گروه‌های محارب کردستان و نیز گروه‌های سلطنت طلب فراری بود. پخش برنامه‌هایی علیه ایران از یک رادیوی سلطنت طلبان موسوم به رادیو آزاد از ترکیه نگرانی ایران را تشدید کرده بود.<sup>۱۵</sup> این گروه‌ها بیشتر در هیئت‌های مختلف به ایران وارد می‌شدند و اقداماتی را در داخل کشور انجام می‌دادند. دولت ترکیه به این گروه‌ها به مثابه اهرم فشاری علیه ایران می‌نگریست و معتقد بود از این راه می‌تواند ایران را به قطع حمایت از گروه‌های اپوزیسیون ترکیه و مشخصاً P.K.K وادار کند؛

سرنوشتی رئیس‌جمهور عراق به ایران عرضه کرده‌اند. بعدها، مقامات ایران وجود چنین طرحی را رد کردند.

از طرف دیگر، قدرت‌های غربی و آمریکا این موضعگیری ترکیه و روی آوردن آن به روابط تجاری را به طور ضمنی تأیید کردند. حتی ترکیه بعد از گروگانگیری آمریکاییان در ایران و تحریم علیه این کشور، از این تحریم‌ها پیروی نکرد و روابط تجاری خود را با ایران گسترش داد. در واقع، ترکیه همواره تأکید کرده است که آمریکا باید خاص بودن روابط ترکیه با ایران و عراق را درک کند. از نظر بلوک غرب، روابط ترکیه و ایران از گرویدن ایران به سمت بلوک شرق و شوروی جلوگیری می‌کرد و همین امر امتیازی بزرگ برای آنها محسوب می‌شد. می‌توان ادعا کرد ترکیه نیز همانند آمریکا از تضعیف دو قدرت منطقه‌ای چندان ناراضی نبود، به ویژه از تضعیف ایران که به دلیل پتانسیل‌های بالای اقتصادی و دارا بودن عوامل سنتی قدرت می‌توانست در آینده، به یک رقیب جدی منطقه‌ای برای ترکیه تبدیل شود. در عین حال، نباید فراموش کرد که تضعیف بیش از حد این دو کشور نیز می‌توانست تهدیدات جدی را علیه امنیت ترکیه ایجاد کند؛ زیرا، نگاه ترکیه به خاورمیانه (به اعتقاد بسیاری از

#### موضعگیری آنکارا با موضع واشنگتن که می‌کوشید بنا به سیاست کلی جلوگیری از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای، هر دو کشور قدرتمند مخالف اسرائیل، یعنی ایران و عراق را هم‌زمان تضعیف کند، همسو بود

تحلیلگران) متأثر از مسائل امنیتی است و در بُعد سیاست خارجی نیز، سیاست خاورمیانه‌ای این کشور در راستای پیروی سیاست اروپایی این کشور تعریف می‌شود. برای نمونه، تصمیم کشورهای اروپایی برای نپذیرفتن کارگران خارجی، اقتصاد ترکیه را تحت تأثیر قرار داد و این کشور را وادار کرد تا توجه خود را به جهان عرب، به ویژه کشورهای نفت خیز خلیج فارس معطوف کند.

بنابراین، می‌توان گفت که در کنار عوامل دیگر و از جمله بی‌طرفی سنتی ترکیه در بسیاری از تحولات منطقه‌ای و جهانی آن هم بر اساس اصول بنیادین کمالیسم، تجارت و اقتصاد مهم‌ترین عامل در اتخاذ سیاست بی‌طرفانه ترکیه بود، چرا که زیربنای روابط این کشور بر

تداوم جریان نفت مهم ترین دغدغه بلوک غرب درباره جنگ ایران و عراق محسوب می شد. در این باره، ترکیه منافع غرب را از نظر انتقال امن انرژی تأمین می نمود و از این راه، به انباشت سرمایه در داخل کمک می کرد. البته، ترکیه تمایل نداشت که خود غرب مستقیماً انتقال دهنده نفت و تأمین کننده امنیت باشد؛ زیرا در این صورت، اهمیت ژئوپلیتیکی این کشور کاهش می یافت. ترکیه نگران آن بود که دخالت مستقیم قدرت های خارجی در جنگ موسوم به نفتکش ها که عراق در خلیج فارس به راه انداخته بود، تغییر موازنه را به نفع یکی از دو طرف و در نتیجه کم رنگ شدن نقش متوازن کننده ترکیه تغییر دهد. در همین راستا بود که کان دمیر، قائم مقام وزارت خارجه ترکیه، در پیامی که از طرف تورگوت اوزال به مهندس موسوی تقدیم کرد، خطاب به معاون سیاسی نخست وزیر ایران اظهار داشت: «مسئله خلیج فارس مربوط به کشورهای منطقه است و باید توسط خود آنان و به دور از اعمال فشار حل شود. قدرت های بزرگ خارجی نباید در خلیج فارس دخالت کنند و کشتی های جنگی نیز باید منطقه را ترک کنند».<sup>۱۶</sup> در شهریورماه سال ۱۳۶۶ نیز، وحیدخلف اوغلو طی دیداری که با معیری، معاون سیاسی نخست وزیر ایران، در آنکارا داشت، اظهار کرد: «ما (ترکیه) به عنوان کشور همسایه ایران، معتقدیم که جنگ نباید گسترش پیدا کند و از سوی دیگر با مداخله نیروهای خارجی در منطقه خلیج فارس نیز موافق نیستیم». نزهت خان، قائم مقام وزیر خارجه ترکیه نیز، در این دیدار با اشاره به این که تحولات منطقه به سود عراق است گفت: «بغداد می کوشد جنگ را بین المللی نماید. به اعتقاد ترکیه قدرت های خارجی باید از خلیج فارس بیرون

چیزی که ایران همواره آن را انکار می کرد. امضای معاهده امنیتی میان دو کشور در سال ۱۹۸۹ اندکی به این نگرانی ها پایان داد و اخراج شمار زیادی از گروه های اپوزیسیون ایرانی را از ترکیه موجب شد.

مسئله گروه های اپوزیسیون در روابط ایران و ترکیه همواره با افت و خیزهایی وجود داشته، ولی به دلیل منافع ژئوپلیتیکی، هیچ گاه درگیری میان دو کشور را باعث نشده است. در کنار اینها، گروه های مزبور در داخل جامعه مشروعیت درخور توجهی ندارند؛ بنابراین، نمی توانند علیه امنیت تهدیدی جدی محسوب شوند. افزون بر اینها، هنگامی که بسیاری از گروه های اپوزیسیون ایرانی مقیم ترکیه به این واقعیت پی بردند که نظام سیاسی جدید ایران در حال تثبیت است یا از فعالیت سیاسی دست برداشتند یا راهی دیگر کشورهای اروپایی و امریکا شدند.

## ۲) جنگ ایران و عراق و مسائل منطقه ای

در بین تحلیلگران مسائل ترکیه، این اجماع نظر نسبی وجود دارد که سیاست خارجی این کشور در دوران جنگ سرد از قرار گرفتن این کشور در بلوک غرب متأثر بود. از همین رو، نقش ترکیه در خاورمیانه نیز تا حد زیادی تحت تأثیر عملکرد غرب قرار داشت. در اواسط سال ۱۹۷۰، هنگامی که کشورهای اروپایی ورود کارگران خارجی را ممنوع کردند، ترکیه برای نشان دادن نارضایتی خود، متوجه کشورهای عربی شد و به طور موقت، روابط خود را با این کشورها تقویت کرد. از این نظر، می توان گفت سیاست خاورمیانه ای ترکیه همواره ابزاری برای پیوستن این کشور به جمع کشورهای اروپایی بوده است.



شود و در نتیجه، درباره مسئله آب و استان هاتای (اسکندرون) بر ترکیه فشار وارد آید. از طرف دیگر، تقویت حزب بعث عراق می‌توانست نقش ایران را به منزله یک کشور با نفوذ در سوریه تضعیف کند. البته، این امر نیز به ضرر ترکیه بود؛ زیرا، این کشور دیگر نمی‌توانست از طریق ایران از اقدامات عملی سوریه جلوگیری کند.

سرانجام می‌توان سه دغدغه اصلی ترکیه در خاورمیانه، یعنی اسلام‌گرایی، ناسیونالیسم‌گردد و مناقشه آب را زیر مفهوم حفظ امنیت در منطقه برای انباشت بیشتر سرمایه خلاصه کرد. در این راستا، ترکیه به اقداماتی در جنگ عراق علیه ایران واکنش نشان می‌داد که می‌توانست معادله مزبور را مختل کند. در صورتی که حوادث جنگ تهدیدی جدی برای انباشت سرمایه نبود. ترکیه می‌کوشید از هرگونه موضعگیری صریح و علنی اجتناب کند. در عین حال، مقامات این کشور در محافل و نشست‌های خصوصی واقع‌بینی خود را به مسئولان ایرانی انتقال می‌دادند. برای نمونه، یکی از مقام‌های ترکیه در دیدار خصوصی با یکی از مسئولان ایرانی گفته بود شورای امنیت هیچ‌گاه دادگاهی که عراق را متجاوز اعلام کند، تشکیل نخواهد داد.<sup>۸</sup> این اظهارات را می‌توان به نوعی بازتاب بی‌اعتمادی موجود در فرهنگ سیاسی ایرانی‌ها و ترک‌ها نسبت به قدرت‌های خارجی دانست؛ زیرا، در طول چند سال گذشته، هر دو کشور به دلیل مداخله قدرت‌های بزرگ به تدریج، موقعیت بین‌المللی برتر خود را از دست داده‌اند.

### ۳) جنگ ایران و عراق و مسائل بین‌المللی

هرچند پیش از انقلاب، ایران و ترکیه در معادلات جهانی دوران جنگ سرد در بلوک غرب قرار داشتند و سوریه و عراق نیز از حمایت‌های بلوک شرق برخوردار بودند، اما با وقوع انقلاب اسلامی و محور قرار گرفتن شعار نه شرقی نه غربی، ایران در عمل هر دو بلوک را به چالش طلبید. عمده‌ترین محور چالش همانا اسلام‌گرایی بود که در مقابل کمونیسم و لیبرالیسم به منزله ایدئولوژی‌های مادی برآمده از دل عصر روشنگری، ایدئولوژی دیگری را مطرح می‌کرد که با مادی‌گرایی مدرنیته مخالفت می‌کرد. از این نظر، هر دو بلوک در رفع تهدیدات ناشی از انقلاب اسلامی منافع مشترکی داشتند و جنگ بهترین موقعیت برای عملی کردن این خواسته بود. در صورتی که ایران می‌توانست در جنگ پیروز شود، این امکان وجود داشت که قطب سومی نیز در نظام بین‌الملل شکل گیرد و معادلات مورد پذیرش هر دو

بروند و اجازه دهند کشورهای منطقه خود در این مورد تصمیم بگیرند و ترکیه با این نظر ایران موافق است که تمام نیروهای خارجی اعم از نیروهای آمریکا، شوروی، فرانسه و انگلیس باید از منطقه خارج شوند.<sup>۹</sup>

به این ترتیب، رویکرد منطقه‌ای ترکیه به جنگ ایران و عراق را می‌توان در دو مقوله بررسی کرد، نخست این که ترکیه می‌کوشید تا به غرب نشان دهد که حافظ منافع آنها در منطقه خاورمیانه است؛ بنابراین، غرب باید ترکیه را جدی بگیرد. دوم این که می‌کوشید از بروز هرگونه تحول عمده‌ای که انباشت سرمایه از راه بهره‌برداری از منطقه ثروتمند خاورمیانه را مختل نماید، جلوگیری کند. در این راستا، ترکیه حتی گاهی با متحدان غربی خود نیز مخالفت می‌کرد. نمونه این امر، مخالفت این کشور با دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در جنگ نفتکش‌ها بود.

در توجیه چرایی این موضعگیری باید به این نکته مهم توجه کرد که در دوران جنگ سرد، به دلیل شرایط دو قطبی حاکم بر نظام بین‌الملل، این امکان برای برخی از کشورهای متوسط و ضعیف وجود داشت که برای افزایش قدرت مانور خود از این شرایط بهره‌گیرند. از نظر رابطه میان اعمال قدرت و فضا-زمان، می‌توان گفت که در دوران جنگ سرد، میان کسب قدرت در فضای بین‌المللی و اعمال آن در فضای منطقه‌ای شکافی زمانی وجود داشت و این شکاف که نتیجه رقابت دو ابرقدرت بود به کشورهای متوسط (از نظر قدرت) این امکان را می‌داد که از این تأخیر زمانی به نفع خود بهره‌برداری کنند. قرار گرفتن ترکیه در خط گسل بلوک غرب و شرق این وضعیت را تقویت می‌کرد. از این دیدگاه، بهترین وضعیت برای ترکیه حفظ توازن میان ایران و عراق و جلوگیری از برتری یکی از آنها بود. تنها تحت چنین شرایطی، منافع منطقه‌ای ترکیه، یعنی انباشت سرمایه و حفظ امنیت مرزهای این کشور تأمین می‌شد.

ترکیه از برهم خوردن توازن در جنگ ایران و عراق که به دلیل دخالت قدرت‌های خارجی پدید آمده بود نیز، اظهار نگرانی می‌کرد؛ زیرا، چنین وضعی می‌توانست برتری نسبی ترکیه بر سوریه را تحت تأثیر قرار دهد. در طول جنگ، سوریه به منزله اصلی‌ترین تهدید امنیتی ترکیه در خاورمیانه با ایران روابط نزدیکی داشت و می‌کوشید از این راه، رقیب ایدئولوژیک خود، یعنی حزب بعث عراق را تضعیف کند. در صورتی که حزب بعث عراق تضعیف می‌شد، ممکن بود موقعیت سوریه در جهان عرب تقویت

ابرقدرت را بر هم زند. در این راستا، ترکیه نیز با غرب هم‌نوا بود، اما از آن‌جا که نمی‌توانست در سطح نظام بین‌الملل این خواسته را به صورت مستقل دنبال کند؛ بنابراین از خط مشی قدرت‌های بزرگ در این باره پیروی می‌کرد.

قرار داشتن ترکیه در حاشیه اقتصاد جهانی، به این کشور فرصت نداد تا در پایان جنگ ایران و عراق نقشی بین‌المللی را ایفا کند. البته، ترکیه این توانایی را نداشت؛ زیرا، تنها در دوران امپراتوری عثمانی، در عرصه سیاست اروپا به منزله یک بازیگر محسوب می‌شد و بعد از تجزیه این امپراتوری، هرگز نقش یک بازی‌ساز و بازیگر را در روابط بین‌الملل ایفا نکرده است. اگر این کشور جزء بازیگران صحنه سیاست بین‌الملل بود، به احتمال زیاد می‌توانست اقدامات بیشتری را برای پایان دادن به جنگ انجام دهد. به عبارت دیگر، ترکیه این قدرت را نداشت که در عرصه نظام بین‌الملل، در مقابل خواست بلوک غرب مقاومت کند، درحالی‌که در مسائل منطقه‌ای این مقاومت وجود داشت. نمونه آن نیز تبعیت نکردن ترکیه از تحریم‌های تجاری امریکا علیه ایران بود.

### آغاز جنگ ایران و عراق یکی از بهترین موقعیت‌ها برای انباشت سرمایه در ترکیه محسوب می‌شد

سرد شدن روابط سیاسی میان ترکیه و غرب که بعد از اشغال قبرس شمالی رخ داد از دیگر عواملی بود که در دوران جنگ ایران و عراق، حس بی‌اعتمادی ترکیه به غرب را تشدید کرد. تحریم تسلیحاتی این کشور از سوی امریکا بعد از این جریان، ترکیه را وادار کرد تا برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود در برابر غرب و کاهش وابستگی به آن، پایه‌های اقتصادی خود را تقویت کند. رشد جریان نئولیبرالیسم اقتصادی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، به ترکیه این امکان را داد تا با پیوستن به این جریان از تأثیرات منفی ناشی از سردی روابط سیاسی میان این کشور و بلوک غرب بکاهد. از دیدگاه غرب نیز، تقویت پایه‌های اقتصادی ترکیه می‌توانست از نظر کمک‌های مالی، بار سنگینی را از دوش غرب بردارد. همین‌طور، بلوک غرب نگران آن بود که تضعیف شدید موقعیت ایران در جنگ گرایش این کشور را به شوروی و بلوک شرق موجب شود؛ بنابراین، ترجیح می‌داد ترکیه به عنوان حامی غرب با حفظ روابط تجاری

خود با ایران از بروز چنین گرایشی جلوگیری کند. نپیوستن جمهوری اسلامی به دو بلوک شرق و غرب در دوران جنگ ایران و عراق باعث شد تا این کشور در قبال دفاع از خود در برابر تهاجم عراق، از کمک‌های مالی هیچ‌یک از دو بلوک برخوردار نشود. این درحالی بود که عراق از کمک‌های تسلیحاتی و مالی هر دو بلوک بهره‌مند می‌شد، اما واقعیت آن است که دلیل این کمک‌ها نه مهم بودن عراق، بلکه اهمیت تهدید انقلاب اسلامی برای دو بلوک بود. شکی نیست که اگر به جای عراق یکی دیگر از همسایگان به ایران تجاوز می‌کرد باز هم قدرت‌های بزرگ به دلیل تهدید مزبور از این کشور حمایت می‌کردند؛ بنابراین، عراق نقشی در جذب کمک‌ها نداشت. دلیل این کمک‌ها همانا تهدید انقلاب اسلامی بود. بعد از پایان جنگ و کاهش این تهدید، غرب در تهاجم عراق به کویت نه تنها به این کشور کمک نکرد، بلکه موجودیت نظام سیاسی آن را تا لبه پرتگاه فروپاشی نیز پیش برد. در چنین موقعیتی، وجود ترکیه‌ای که کاملاً سرسپرده قدرت‌های بزرگ نبود، برای ایران موقعیت مناسبی به شمار می‌رفت. حتی در دوران جنگ هم، واقع‌بینی در روابط ایران - ترکیه بر ایده آلیسم غالب بود. ایرانی‌ها واقف بودند که ترکیه متجاوز بودن عراق را در محافل خصوصی و غیررسمی تأیید می‌کند، ولی قدرت آن را ندارد که آشکارا، به این واقعیت اشاره کند؛ زیرا، در این صورت، منافع این کشور به شدت تهدید می‌شود. با توجه به جو بدبینی حاکم در ترکیه نسبت به اعراب، این موضعگیری غیرعلنی و تأیید متجاوز بودن عراق امری غیر عادی نبود؛ زیرا، ترک‌ها بر این باورند که اعراب در دوران امپراتوری عثمانی فریب قدرت‌های بزرگ را خورده و فروپاشی این امپراتوری اسلامی را موجب شده‌اند. ناسیونالیسم ترکی، اعراب را مسئول بسیاری از مشکلات کنونی ترکیه و نیز ضعف موقعیت این کشور در نظام بین‌الملل می‌داند. این درحالی است که ایران و ترکیه به رغم رقابت‌هایی که با هم داشته‌اند، هیچ‌گاه به صورت جدی با یکدیگر درگیر نشده‌اند. به تعبیر دیگر، ایران کم‌دردسرت‌ترین همسایه ترکیه در خاورمیانه است به طوری که ترکیه در دوران جنگ عراق علیه ایران کوشید تا این وضعیت را تداوم بخشد.

به طور خلاصه، می‌توان گفت در جنگ ایران و عراق، موضعگیری ترکیه در نظام بین‌الملل (در مقایسه با سطح منطقه‌ای و داخلی) از محدودیت برخوردار بود. این کشور توانایی آن را نداشت که در نظام بین‌الملل نیز، همانند سطح

4. See Robert Olson. *The Kurdish Question and Turkish-Iranian Relations*, California: Mazda Publishers, 1998.

جلد ۵۰، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، صص ۴۰۵-۴۰۶.

7. See Erik cornell, *Turkey in the 21st Century: Opportunities Challenges and Threats*. surrey: curzon press, 2001.

8- Atila Erlap, "Facing the Challenge. Post-Revolutionary Relations with Iran", in *Reluctant Neighbor, Turkey's Role in the Middle East*. Washington: United State in Stitute of Peace, 1996, P.98.

۹. محمد کردزاده کرمانی؛ «ورود سرمایه‌های کوتاه‌مدت و تأثیر آن بر ساختار اقتصادی کلان ترکیه» فصلنامه مطالعات خاورمیانه؛ سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰، ص ۲۷۰.

10. Dietrich Jung with Wolfango Piccoli, *Turkey at the Crossroads, Ottoman Legacies and a Greater Middle East*, London: Zed books, 2001, P.160.

11-I bid, P.161.

۱۲. هادی نخعی؛ پیشین. ص ۲۴۴.

۱۳. حسن لاسجودی؛ «بررسی نقش و مواضع ترکیه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران» فصلنامه مطالعات خاورمیانه؛ سال هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۰، ص ۲۴۰.

14. Robert Olson, OP.Cit, P.31.

۱۵. هادی نخعی؛ پیشین. ص ۳۵۰.

۱۶. محمود یزدان‌فام؛ پیشین. ص ۱۴۳.

۱۷- همان، ص ۴۳۹.

۱۸. محمد درودیان؛ سیری در جنگ ایران و عراق: پایان جنگ؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم ۱۳۸۰، ص ۱۵۰.

منطقه‌ای و داخلی، ابتکار عمل‌هایی را در جنگ عراق و ایران از خود نشان دهد.

### نتیجه‌گیری

برای درک ریشه‌ها و دلایل موضعگیری بی‌طرفانه فعال ترکیه در جنگ عراق علیه ایران باید هم‌زمان به مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی توجه کنیم. هرچند از سطح داخلی به سطح بین‌المللی نزدیک‌تر می‌شویم به همان اندازه استقلال عمل ترکیه در قبال جنگ ایران و عراق کاهش می‌یابد. مستقل‌ترین موضعگیری این کشور در سطح ملی بود که طی آن، کوشید از موقعیت پیش‌آمده برای انباشت سرمایه و توسعه اقتصادی به منزله تنها راه حل مشکلات این کشور بهره‌گیری کند. هرچند برای ترکیه اسلام‌گرایی و ناسیونالیسم کردی دو تهدید عمده خاورمیانه‌ای محسوب می‌شد، اما با طولانی شدن جنگ از شدت این تهدیدات کاسته شد و این امکان برای ترکیه فراهم آمد تا منافع خود را برای انباشت سرمایه با آسودگی بیشتری دنبال کند. در یک نگاه کلی، می‌توان موضعگیری ترکیه در قبال جنگ عراق علیه ایران را بازتابی از تمایل تاریخی جمهوری ترکیه برای نزدیکی بیشتر به غرب دانست؛ زیرا، این موضعگیری رشد اقتصادی ترکیه و در نتیجه، افزایش احتمال همگرایی بیشتر این کشور با کشورهای اروپایی و مجموعه غرب را موجب می‌شد.

### یادداشت‌ها

۱. رحمان قهرمان پور؛ «تأثیر انقلاب اسلامی بر ترکیه» فصلنامه مطالعات خاورمیانه؛ سال هفتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹، ص ۹۰.

۲. هادی نخعی؛ روزشمار جنگ ایران و عراق: تجدید رابطه امریکا و عراق؛ جلد ۳۳، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ، بهار ۱۳۷۹، ص ۱۹۹.

3. Philip Rabins. *Turkey and the Middle East* NewYork: The Royal Institute of International Affairs, 1991, PP.42-43.

اخیراً، ابراهیم یونسی این کتاب را با افزودن یک ضمیمه به فارسی ترجمه و نشر پاییز نیز آن را چاپ کرده است.

۵. هادی نخعی. پیشین. صص ۲۴۹-۲۵۰.

۶. محمود یزدان‌فام روزشمار جنگ ایران و عراق: اسکورت نفتکش‌ها؛



## نقش مصر در جنگ ایران و عراق

مختار حسینی

### مقدمه

هر جنگی که میان دو طرف متخاصم روی می‌دهد، یک سلسله تهدیدها و فرصت‌ها را متوجه کشورهای ثالث می‌کند و آنها را وامی‌دارد تا برای دفع تهدیدات و استفاده از فرصت‌ها در قبال جنگ و کشورهای درگیر در آن موضع‌گیری نمایند. جنگ تحمیلی نیز که با حمله همه جانبه نیروهای عراقی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به ایران آغاز شد، از این قاعده مستثنی نیست. با آغاز این جنگ کشورهای ثالث مطابق تصویری که از منافع ملی‌شان و تهدیدها و فرصت‌های پدید آمده داشتند، موضع خود را در قبال آن تعریف کردند. اگر از سوریه، لیبی و یمن جنوبی که با وقوع جنگ به طرف ایران نزدیک شدند بگذریم مابقی کشورهای عرب به نوعی از عراق حمایت کردند. حتی سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) به رهبری عرفات، که رهبران انقلابی ایران از هیچ‌گونه کمکی به آن در مبارزه با اسرائیل دریغ نورزیده بودند، به محض آغاز جنگ جانب طرف عراقی را گرفت.

در میان کشورهایی که از عراق حمایت می‌کردند، مصر به دلیل اهمیتش در جهان عرب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این کشور در آستانه آغاز جنگ، با ایران و عراق رابطه دیپلماتیک نداشت. در واقع، حکومت مصر تقریباً به یک اندازه در میان مقامات کشورهای مزبور منفور و مطرود بود. هم عراق و هم ایران، رئیس‌جمهور مصر، انور سادات را به دلیل سفر به اسرائیل در ۱۹۷۷ و امضای قرارداد

کمپ‌دیوید در ۱۹۷۸ و پیمان صلح در ۱۹۷۹ خائن به آرمان‌های اعراب و اسلام می‌دانستند. با این توضیح، این پرسش مطرح می‌شود که چه عواملی باعث شد تا مصر به عنوان یک کشور میانه روی عرب با وقوع جنگ تحمیلی، به عراق رادیکال نزدیک شود و با حمایت از عراق نقش فعالی را در جنگ ایفا کند؟ در پاسخ به این پرسش به نظر می‌رسد فرضیه زیر قابلیت آزمون را داشته باشد:

«مواضع و نقش مصر در جنگ تحمیلی در چارچوب ملاحظات این کشور در دفع تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از جنگ در سه سطح ملی، عربی و منطقه‌ای قابل ارزیابی است. از جمله این ملاحظات می‌توان به تسریع فرآیند تجدید رابطه با جهان عرب که به واسطه سیاست‌های سازش کارانه سادات در قبال اسرائیل آسیب دیده بود، احساس خطر از گسترش دامنه مبارزات و فعالیت‌های بنیادگرایان اسلامی که ایران انقلابی حمایت از آن را جزو اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده بود و دستیابی به منافع اقتصادی اشاره کرد».<sup>۱</sup> برای آزمون این فرضیه نیز ملاحظات سیاسی - اقتصادی مصر در ارتباط با جنگ در سه سطح ملی، عربی و منطقه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، اما پیش از آن لازم است برای درک شرایطی که چنین ملاحظاتی را ایجاب کرده بود به طور جداگانه به بررسی رابطه مصر با ایران و عراق پرداخته شود.



## رابطه مصر و ایران

روابط ایران و مصر را باید در چارچوب تحولاتی ارزیابی کرد که در دهه ۷۰، نخست در مصر و سپس در ایران اتفاق افتاد. لازم است یادآوری شود که مصر در فاصله سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۳ سیاست هایش را در چارچوب اصول پان عربیسم، سوسیالیسم و عدم تعهد تنظیم می‌کرد، اما در اواخر ۱۹۷۳ با تمایل سادات (که در ۱۹۷۰ جانشین جمال عبدالناصر شده بود) به غرب چرخش آشکاری در سیاست‌های این کشور پدید آمد. نقطه آغاز این چرخش پایان دادن به حدود سه دهه منازعه با اسرائیل بود که انعقاد قرارداد کمپ‌دیوید در ۱۹۷۸ و پیمان صلح ۱۹۷۹ را در پی داشت. با امضای این قراردادها مصر به یکی از متحدان نزدیک ایالات متحده در منطقه خاورمیانه تبدیل شد و استحقاق دریافت کمک‌های نظامی این کشور را پیدا کرد. این کمک‌ها سالانه به ۷۳ میلیارد دلار می‌رسد که از این لحاظ پس از اسرائیل در رده دوم کشورهای کمک‌گیرنده از امریکا قرار می‌گیرد. هم‌چنین، این کشور عربی در قبال سیاست چرخش به سوی غرب این‌امکان را یافته است تا

سیاست‌ها، ایران و مصر را که در طول دهه ۷۰ روابط حسنه‌ای با یکدیگر داشتند هر چه بیشتر از هم دور کرد. به طوری که چند ماه پس از تغییرات انقلابی در ایران و استقرار نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی، امام خمینی (ره) در نامه‌ای به دکتر ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت، دستور قطع رابطه با مصر را به دلیل امضای پیمان خائنه با اسرائیل و اطاعت بی‌چون و چرا از امریکا و صهیونیست صادر کرد.<sup>۳</sup> قطع این رابطه نمودار اختلافات و تضادهای عمیق فکری-ایدئولوژیکی میان روحانیون حاکم بر ایران و نظامیان حاکم بر مصر بود. اختلافاتی که لاینحل به نظر می‌رسید و هر چه که زمان سپری می‌شد به واسطه مسائل فرعی مانند تصمیم دولت مصر به اعطای اجازه اقامت به شاه بی‌تاج و تخت ایران، حمایت ایران از جنبش‌های مبارزه جوی اسلامی و اظهارات تند مقامات رسمی دو کشور نسبت به یکدیگر بر دامنه آن افزوده می‌شد. به گونه‌ای که با حمله عراق به ایران، سادات علی‌رغم اختلافاتش با رهبران عراق از این کشور حمایت کرد و به آن تسلیحات فروخت. تحلیلگران سیاسی این اقدام

## مواضع و نقش مصر در جنگ تحمیلی در چارچوب ملاحظات این کشور در دفع تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از جنگ در سه سطح ملی، عربی و منطقه‌ای قابل ارزیابی است

به طور مشترک با ایالات متحده در تمرین‌های نظامی موسوم به ستاره درخشان که هر دو سال یکبار برگزار می‌شود، شرکت کند. نخستین این تمرین‌ها در ۱۹۸۱ برگزار شد. سادات سیاست عادی‌سازی روابط با اسرائیل و نزدیکی به غرب، به ویژه ایالات متحده را با این اعتقاد در پیش گرفته بود که «منافع مردم مصر بر هر چیز دیگری حتی منافع جمعی اعراب برتری و اولویت دارد». همین اعتقاد باعث شد تا هنگامی که مصر به دلیل سیاست‌هایش از اتحادیه عرب اخراج شد، به راهی که در پیش گرفته بود هم‌چنان ادامه دهد.

نقطه مقابل تحولاتی که در دهه ۷۰ در مواضع مصر نسبت به غرب روی داد، در اواخر این دهه با یک تغییر انقلابی در ایران اتفاق افتاد و ایران را از کشوری واقع در مدار منافع غرب به خارج از آن سوق داد. در نتیجه این تغییر، کشور مزبور سیاست‌هایی مانند صدور انقلاب، مخالفت با فرآیند صلح خاورمیانه و حمایت از مبارزات جنبش‌های اسلامی مبارزه‌جو را در پیش گرفت که آشکارا با منافع غرب و متحدان نزدیکش در منطقه در تضاد بود. این

را نشانه نفرت بیش از حد سادات از انقلاب ایران ارزیابی می‌کنند.<sup>۴</sup> با این حال حمایت سادات از عراق با هر انگیزه‌ای که صورت گرفته باشد، آینده روابط دو کشور ایران و مصر را تیره‌تر کرد و انگیزه لازم را برای رهبران ایران فراهم آورد تا پس از ترور سادات از سوی خالد اسلامبولی در اکتبر ۱۹۸۱ از قاتل وی تقدیر کنند و خیابانی را در تهران به نام او نام‌گذاری کنند. این مسئله باعث شد تا حتی با روی کار آمدن حسنی مبارک در مصر که نسبت به سلفش مواضع متعادل‌تر و منطقی‌تری را در قبال اسرائیل و امریکا در پیش گرفت، در روابط ایران و مصر بهبودی حاصل نشود.

## روابط مصر و عراق

روابط مصر و عراق به عنوان دو کشور عرب منطقه خاورمیانه همواره بر رقابت برای کسب موقعیت برتر در جهان عرب مبتنی بوده و از این رو از ثبات و استحکام چندانی برخوردار نبوده است. از نظر تاریخی، بغداد و قاهره همیشه نماینده دو قطب مخالف یکدیگر بوده‌اند. از کودتای ۱۹۵۲ افسران آزاد در مصر (که منجر به سقوط نظام

داشت که مانع از همگرایی آنها می‌شد. «قدرت افسران آزاد مصری، به خصوص بعد از زمامدار شدن ناصر بیش از قدرت بغداد یکپارچه بود. ارتش عراق براساس اقوم موجود در عراق بین کردها و عرب‌ها و بر مبنای مسلک سیاسی بین طرفداران اتحاد با جمهوری متحد عربی که تحت تأثیر حزب بعث قرار داشتند از یک طرف و رقبای آنان از طرف دیگر تقسیم شده بود. شخصیت‌های کمونیست و اعضای حزب دموکرات کردستان حتی قبل از این که به احزابشان در ابتدای سال ۱۹۶۰ رسماً اجازه فعالیت داده شود در حکومت شرکت کرده بودند. تغییر رژیم در مردم تجهیز و جنبشی را به وجود آورده بود که در آن طرفداران صلح که نزدیک به کمونیست‌ها بودند نقش اول را ایفا می‌کردند. از این رو قاسم که می‌خواست بین این نیروهای گوناگون یک موضع حد وسط و میانه‌رو اتخاذ کند مخالف اتحاد با جمهوری متحد عربی بود. زیرا برای عراق که از مصر و سوریه ثروتمند بود، تقسیم منابع با آن دو

سلطنتی و برچیده شدن نفوذ و سلطه بریتانیا در مصر گردید) تا کودتای ۱۹۵۸ ژنرال عبدالکریم قاسم (که باعث سرنگونی نظام سلطنتی عراق گردید). روابط دو کشور در چالش میان سوسیالیسم عربی و پان‌عربیسم که مصر نماینده آن بود و سلطنت و استعمار که عراق نماینده آن بود، درگیر بود. حضور نیروهای بریتانیایی در عراق برای افسران آزاد که سال‌ها علیه سلطه بریتانیا بر مصر مبارزه کرده بودند، آزار دهنده و تحریک‌آمیز بود. به ویژه این که عراق در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ یک معاهده اتحاد نظامی با ترکیه امضا کرده بود که سپس بریتانیا، پاکستان و ایران نیز به آن پیوسته بودند. «این معاهده به پیمان بغداد مشهور شده است. امضای پیمان بغداد تعادل سیاست بین اعراب را به کلی برهم زد. کمک نظامی غرب به عراق زیر عنوان متحد که قاعدتاً برای دفاع در مقابل شوروی بود، رقبای دیرینش (سوریه، مصر و عربستان) را نگران می‌کرد. رهبران مصر در اصل مخالف با وجود اتحاد منطقه‌ای نبودند بلکه

### امضای پیمان بغداد تعادل سیاست بین اعراب را به کلی برهم زد. کمک نظامی غرب به عراق زیر عنوان متحد که قاعدتاً برای دفاع در مقابل شوروی بود، رقبای دیرینش (سوریه، مصر و عربستان) را نگران می‌کرد

کشور به خاطر پیوستن به جمهوری متحد عربی نه تنها منفعتی دربرنداشت بلکه این کشور را در یک موضع سیاسی تابع قرار می‌داد». این رقابت‌ها و ملاحظات باعث شد تا روابط دو کشور پس از یک دوره روابط گرم و صمیمانه کوتاه، در سال ۱۹۵۸ تنش آلود و سپس قطع شود. در دسامبر همین سال عارف و رشید عالی گیلانی به اتهام توطئه به نفع جمهوری متحد عربی بازداشت و محاکمه شدند. در مارس سال بعد، یک شورش نظامی به طرفداری از ناصر در موصل برپا گردید که به سرعت توسط مبارزان کمونیست و کردهای موصل سرکوب گردید. این رویدادها نشان داد که هنوز اختلاف بزرگ موجود در جهان عرب اختلاف میان بغداد و قاهره است. به طوری که حتی مشارکت عراق در فرماندهی نظامی مشترک با مصر در ۱۹۶۴ و سپس در پیمان دفاعی دوجانبه با مصر و اردن در ۱۹۶۷ نیز بر بی‌اعتمادی دوجانبه و رقابتی که وجه مشخصه روابط دو کشور بود، فایق نیامد. با روی کار آمدن سادات در سپتامبر ۱۹۷۰ فضای نسبتاً مناسبی برای گسترش روابط مصر و عراق به وجود آمد؛ زیرا، سادات در سیاست‌هایش، ادعاهای پان‌عربیستی را که مشخصه دوران ناصر بود،

می‌خواستند نقش اول آن را خود برعهده داشته باشند و هم‌چنین مخالف شرکت مستقیم بریتانیا در این اتحاد بودند. تجربه‌ای که از معاهده سال ۱۹۳۶ داشتند، حساسیت آنها را نسبت به تهدیدی که یک اتحاد نظامی نابرابر برای استقلال کشورشان داشت برمی‌انگیخت.<sup>۵</sup> گذشته از حضور بریتانیای استعمارگر، غیر عرب بودن بیشتر اعضای پیمان بغداد، مانعی جدی برای پیوستن مصر به این پیمان بود؛ زیرا، این اقدام می‌توانست ضربه‌ای جدی بر سیاست‌های پان‌عربیستی ناصر وارد آورد. با کودتای ژنرال عبدالکریم قاسم در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ و سرنگونی نظام سلطنتی در عراق انتظار می‌رفت که از این به بعد دو کشور مصر و عراق بیشتر به یکدیگر نزدیک شوند و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی خود را گسترش دهند. با توجه به این که کودتای ۱۹۵۸ عراق شش ماه بعد از تأسیس جمهوری متحد عربی متشکل از سوریه و مصر روی داده بود و این جمهوری نخستین کشوری بود که رژیم کودتا را در بغداد به رسمیت شناخته بود، تصور می‌شد که عراق نیز به آن خواهد پیوست. اما با وجود شباهت‌های سطحی، تفاوت‌های عمیقی میان دو رژیم نظامی عراق و مصر وجود

حکومت بغداد جلب خواهد کرد و عراق را مورد قدردانی و حق شناسی کشورهای خلیج فارس که از سرایت احتمالی انقلاب ایران نگرانند قرار خواهد داد. یک پیروزی، عراق را به صورت قدرت مسلط منطقه در خواهد آورد، چه بسا خواهد توانست خوزستان را از ایران جدا سازد، خواه برای این که یک حکومت جداگانه در آن جا به وجود آورد یا آن را به عراق ملحق سازد که در این صورت منابع نفتی عراق به سطح عربستان سعودی خواهد رسید. مسلماً در برآوردهای مزبور این فرض مستتر بوده است که جنگ، کوتاه مدت و پیروزی بر یک دشمن از هم پاشیده و منزوی [در منطقه و جهان] آسان خواهد بود.<sup>۷</sup> البته، هر چند عراق توانست با تحمیل جنگ به ایران انقلابی، حمایت شیخ نشین های ثروتمند حوزه خلیج فارس را به دست آورد، اما این فرض نادرست که جنگ با ایران کوتاه مدت خواهد بود، تمام برنامه های این کشور را برهم زد و آن را مجبور کرد تا اختلافاتش را با رقیب دیرینه اش در جهان عرب کنار بگذارد. مصر نیز این فرصت را که حاوی منافع فراوان سیاسی و اقتصادی برایش بود، غنیمت شمرد و نقش فعالی در جنگ به حمایت از طرف عراقی برعهده گرفت.

### نقش مصر در جنگ ایران و عراق

از آغاز جنگ تا آزادسازی خرمشهر در ۳ خرداد ۱۳۶۱ به دست رزمندگان ایران، شرایطی که مستلزم ایفای نقش فعال مصر در جنگ باشد، وجود نداشت. این امر سه دلیل عمده داشت: نخستین و مهم ترین دلیل موضع برتر نیروهای عراقی در جبهه های جنگ بود. دومین دلیل، عدم تمایل سادات به ایفای چنین نقشی بود؛ زیرا، او به طور یکسان از رهبران دو کشور درگیر در جنگ که مخالف سرسخت سیاست هایش در قبال اسرائیل بودند، نفرت داشت. سومین دلیل عدم تمایل شیخ نشین های ثروتمند حوزه خلیج فارس به پشتیبانی از ایفای چنین نقشی توسط مصر بود. این دلایل باعث شد تا مصر در این دوران تنها به فروش تسلیحات به طرف عراقی اکتفا کند، اما با ترور سادات در اکتبر ۱۹۸۱ و چند ماه بعد فتح خرمشهر و پیروزی هایی که رزمندگان ایران در جبهه های جنگ به دست آوردند، شرایط برای مداخله گسترده تر مصر فراهم شد. در مصر، حسنی مبارک به قدرت رسیده بود، در جبهه های جنگ، ایران از حریف برتر بود و در میان شیوخ عرب حوزه خلیج فارس، نیاز به یک پشتیبان منطقه ای، به ویژه پشتیبانی که فاصله اش از صحنه نبرد به آنان اطمینان

تعدیل کرد. البته، در پدید آمدن این فضا ثبات روبه رشد نظام دولت - ملت در خاورمیانه و سرخوردگی از سیاست های آرمانی دوره پیش از ۱۹۶۷ که پیروزی اسرائیل را در جنگ شش روزه (جنگ ژوئن) به همراه آورده بود نیز تأثیر داشته است. واقعیات فوق باعث نزدیکی دو کشور مصر و عراق در نیمه نخست دهه ۷۰ گردید. نقطه اوج این نزدیکی در ۱۹۷۵ بود. در این سال صدام حسین در مقام نایب رئیس شورای فرماندهی عراق به قاهره سفر کرد. او در این سفر از نقش پرزیدنت سادات در مذاکرات مربوط به حل اختلافات مرزی ایران و عراق که منجر به امضای قرارداد ۱۹۷۵ در الجزایر گردیده بود، تقدیر کرد و رسماً از وی برای دیدار از بغداد دعوت به عمل آورد. سادات این دعوت را پذیرفت و در سفر به بغداد تمایل خود را برای

### از دیدگاه مصر جنگ ایران و عراق یک بازی با حاصل جمع صفر نبود که در آن بُرد یکی لزوماً با باخت دیگری مساوی باشد

میانجیگری در اختلافات عراق با سوریه و کویت اعلام نمود، اما این بار نیز بهبود روابط مصر و عراق چندان دوام نیاورد و با آغاز نیمه دوم دهه ۷۰ روابط دو کشور دچار تنش و نهایتاً قطع شد؛ زیرا، عراق با سیاست های سازش کارانه ای که سادات در قبال اسرائیل در پیش گرفته بود، به شدت مخالف بود. عراقی ها سادات را به خاطر سفر به بیت المقدس در نوامبر ۱۹۷۷ و امضای قرارداد کمپ دیوید در ۱۹۷۸ و پیمان صلح ۱۹۷۹ با اسرائیل مقصر می دانستند و می کوشیدند تا با توجه به موج اعتراضات شدید جهان عرب نسبت به سیاست های سازشکارانه سادات با اسرائیل از آن به نفع خود بهره برداری کنند. از این رو، در کنفرانس اتحادیه عرب که در ۱۹۷۹ میزبانی آن را در بغداد برعهده داشتند از همه امکانات خود برای تحریم عربی مصر استفاده کردند. با این تحریم عراق امکان می یافت تا با منزوی کردن مصر در جهان عرب، برای کسب رهبری و گسترش نفوذش در آن با خیالی آسوده تر و هزینه هایی کم تر تلاش کند. دستیابی به این هدف می توانست منافع سیاسی و اقتصادی فراوانی برای این کشور به همراه داشته باشد. با این حال، اشتباه محاسبه عراق در حمله به ایران، مصر را از بحرانی که در روابطش با اعراب پدید آمده بود، رهانید. تصور عراق این بود که «جنگ با یک حریف غیرعرب، هم بستگی اعراب را به نفع

دو کشورهایی اسلامی اند و میان آنها رابطه دوستی برقرار بوده، حمایت نکرده است. من امیدوارم که ما نقش میانجی را میان ایران و عراق ایفا کنیم. من علت آنچه را که باعث شده تا ایران موضع تندی در برابر ما اتخاذ کند نمی دانم اگر چه ما به عراق آن قدر کمک نمی کنیم که عملیات های نظامی تهاجمی [این کشور] را علیه ایران ممکن سازد. ما از مذاکرات و میانجیگری برای حل مسائل حمایت می کنیم. ما هرگز به عراق سلاح تهاجمی که با آن به ایران ضربه بزند ارائه نکرده ایم. این هرگز اتفاق نیفتاده است ما آن گونه که برخی تصور می کنند هیچ نیروی نظامی در عراق نداریم. ما در جنگ تخصص داریم. ما در جنگ نمی توانیم یک نیروی ناکامل اعزام کنیم. اگر ما می خواستیم که به عراق نیرو بفرستیم می بایست یک نیروی کامل می فرستادیم.<sup>۹</sup> البته،

بدهد که در را به آسانی به روی قدرت منطقه ای حریص دیگری نمی گشایند؛ به خوبی احساس می شد. ضمن این که در سال ۱۹۸۲، عراق با اعزام یک هیئت نظامی به قاهره خواستار افزایش سطح همکاری نظامی مصر شده بود. مصر در واکنش به تقاضای عراقی و شرایط به وجود آمده با احتیاط عمل کرد. مصریان ضمن این که پذیرفتند سطح کمک و همکاری های نظامی خود را با عراق افزایش دهند، اما از پذیرش این که همکاری هایشان از چارچوب های تعریف شده فراتر رود و به مداخله مستقیم در جنگ منجر شود، خودداری کردند. فیلیپ استودارد\* برای خودداری مصر از مداخله مستقیم، سه دلیل زیر را ارائه کرده است:

(۱) آگاهی مصریان از ارزش استراتژیک ایران و خطرات احتمالی بیگانگی ایران از همسایگان عربش در بلندمدت؛

### روابط مصر و عراق به عنوان دو کشور عرب منطقه خاورمیانه همواره مبتنی بر رقابت برای کسب موقعیت برتر در جهان عرب بوده و از این رو، از ثبات و استحکام چندانی برخوردار نبوده است

مبارک نه تنها در طول جنگ، بلکه پس از جنگ نیز نظرات خود را درباره ایجاد موازنه در برابر ایران تکرار کرده است. او بعد از جنگ آمریکا با عراق و ضعیف شدن موقعیت منطقه ای این کشور با تأکید بر ضرورت عراق نیرومند که بتواند با تهدیدات و تحرکات آرمان گرایانه ایران در ورای مرزهایش مقابله کند، گفت: «اگر عراق به جای حمله به کویت به حرف های او گوش کرده بود، ایران وزن واقعی و جایگاهش را در جهان درک می کرد زیرا تنها عراقی ها می توانند موازنه قدرت را در برابر تهران برقرار و تضمین کنند».<sup>۱۰</sup> با توجه به این که در طول جنگ تحمیلی، سوریه و لیبی طرفدار ایران بودند، مصر نیز از این که برای ایجاد موازنه به طرفداری از عراق ایفای نقش کند، ابایی نداشت. در واقع، همان گونه که سوریه و لیبی خود را موظف به تأمین تسلیحات ایران می دانستند، مصر نیز تدارک تسلیحات، مشاوره نظامی و همکاری در پروژه های نظامی عراق را وظیفه خود می دانست. جدول شماره ۱ نوع تسلیحاتی را که مصر در جنگ به عراق فروخته است، نشان می دهد:

مصر افزون بر سلاح های مندرج در جدول مزبور، به واسطه خودکفایی اش در زمینه تولید مهمات، بخش

(۲) اعتقاد به این که سرانجام دستیابی به توافق امکان پذیر است و از این رو سودمندترین نقش برای سایر کشورهای عربی در این زمینه، تأمین بقای عراق و تقویت توانایی هایش برای مذاکرات صلح با ایران است؛ و

(۳) خاطره تلخ مصریان از ماجراجویی مصیبت بار ناصر در دهه ۱۹۶۰ در یمن.<sup>۱۱</sup>

به نظر می رسد که برای فهم نقش و موضع مصر در طول جنگ، باید به بررسی شیوه نگرش این کشور در قبال منازعه پدید آمده پرداخت. از دیدگاه مصر جنگ ایران و عراق یک بازی با حاصل جمع صفر نبود که در آن بُرد یکی لزوماً با باخت دیگری مساوی باشد؛ زیرا، آنها پیروزی کامل هیچ یک از دو طرف (حتی عراق) را در راستای منافع خود ارزیابی نمی کردند، چرا که این امر می توانست تهدیدی جدی برای نقش منطقه ای مصر باشد. برپایه همین نگرش، این کشور کوشید تا نقش یک موازنه گر را ایفا کند. نقشی که بر مبنای آن رابطه و همکاری نظامی با عراق از حدود قدرت ایستادگی این کشور در برابر ایران فراتر نمی رفت. مبارک در مصاحبه اش با مجله لبنانی السفیر با تأکید بر سیاست موازنه درباره نقش مصر در جنگ ایران و عراق ادعا کرد: «مصر هیچ گاه از جنگ میان عراق و ایران که هر

\*Philip Stoddard

جدول شماره ۱: آمار فروش تسلیحات مصری به عراق در طول جنگ

توضیحات	تعداد تحویل	سال تحویل	تعداد سفارش شده	سال سفارش	مدل	نوع تسلیحات
این هواپیما با همکاری برزیل در مصر مونتاژ می‌شود و قابلیت انجام مأموریت‌های نظامی را نیز دارد.	۸۰	۱۹۸۵ - ۸۷	۸۰	۱۹۸۳	EMB-312	هواپیمای آموزشی تاکابو
این هواپیماها مدل چینی میگ ۲۱ هستند که با کمک چین در مصر مونتاژ می‌شوند.	۷۰	۱۹۸۳ - ۸۷	۷۰	۱۹۸۳	اف - ۷	هواپیمای جنگنده
این هواپیما مدل چینی میگ ۲۹ هست که در مصر مونتاژ می‌شود.	۱۰	۱۹۸۳	—	۱۹۸۳	اف - ۶	هواپیمای جنگنده
این تانک‌ها ساخت شوروی سابق هستند.	۲۵۰	۱۹۸۱ - ۸۳	۲۵۰	۱۹۸۱	تی - ۵۵	تانک رزمی
این تانک، مدل رومانیایی تانک تی - ۵۵ شوروی است.	۱۴۰ - ۶۰	۱۹۸۳ - ۸۴	—	۱۹۸۳	تی - ۵۵	تانک رزمی
این راکت‌انداز ساخت شوروی سابق است.	۱۵۰	۱۹۸۵ - ۸۷	—	۱۹۸۵	BM-21	راکت‌انداز چند لول
این راکت‌انداز از نوع مصری راکت‌انداز BM-21 ساخت شوروی است.	۱۰۰	۱۹۸۷	۱۰۰	۱۹۸۷	صفر - ۳۰	راکت‌انداز چند لول
مدل این موشک ممکن است سوینگفایر باشد.	۱۰۰	۱۹۸۱	—	۱۹۸۱	AT-3	موشک ضد تانک
این بالگرد در مصر مونتاژ می‌شود.	—	—	۱۰	۱۹۸۷	غازیل	بالگرد
این محموله تصدیق نشده است.	—	—	—	۱۹۸۷	عبین‌الصقر	موشک زمین به هوا
این محموله تصدیق نشده است.	—	—	۴۰	۱۹۸۷	SA-6	موشک زمین به هوا

\* SIPRI Year book , Various Years, Oxford university Press

درخور توجهی از نیازهای عراق را تأمین کرده است و در زمینه تأمین قطعات یدکی مورد نیاز ماشین جنگی عراق نیز نقش مهمی داشته است؛ زیرا، هر دو کشور در دهه های ۶۰ و ۷۰ توسط اتحاد شوروی سابق تأمین تسلیحاتی شده بودند. این وضعیت به مصر امکان می داد تا در طول جنگ کمبودهای عراق را در زمینه قطعات یدکی جبران کند.

یکی دیگر از حوزه های همکاری مصر و عراق در طول جنگ، همکاری در پروژه های موشکی بوده است. روی هم رفته مصریان در سه پروژه موشکی عراق به نام های العباس، الحسین و بدر ۲۰۰۰ همکاری کرده اند. البته، تمرکز این

### بر پایه گزارش های معتبر منابع بی طرف، تعداد نامعلومی از افسران نظامی مصر طبق برنامه، مهاجرت اختیاری مصر با ارتش عراق در طی جنگ تحمیلی همکاری کرده اند

همکاری ها روی پروژه بدر ۲۰۰۰ بوده است. هدف از این پروژه تولید موشک های بالستیک با بُرد ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر بود. گذشته از مصر، آرژانتین و گروه CONSEN نیز در پروژه مزبور با عراق همکاری کردند. در پایان سال ۱۹۸۴، مصر، آرژانتین و عراق قراردادهایی را امضاء کردند که سرمایه گذاری عراقی ها را در پروژه بدر ۲۰۰۰ تثبیت می کرد. بر پایه طرح های اولیه، آرژانتین موظف بود که ده فروند از این نوع موشک ها را تولید و آزمایش کند و سپس پنج فروند را به وزارت دفاع و تولیدات نظامی مصر و پنج فروند دیگر را نیز به عراق تحویل دهد. منابع آگاه تخمین می زدند که در پایان کار هر یک از این سه کشور به دویست فروند از این نوع موشک ها دست می یافتند.<sup>۱۱</sup>

یکی دیگر از عرصه های همکاری مصر و عراق، در زمینه تسلیحات شیمیایی بوده است. مصر یکی از محدود کشورهای جهان است که خیلی زود به تسلیحات شیمیایی دست یافته است. شواهد متقنی نیز وجود دارد که از چنین تسلیحاتی در جنگ یمن (۱۹۶۳-۱۹۶۷) استفاده کرده است. این کشور دارای بیش از سیصد واحد صنعتی فعال در زمینه صنایع شیمیایی است که در هنگام ضرورت قابلیت تولید تسلیحات شیمیایی را دارند.<sup>۱۲</sup>

این سابقه و توانایی ها، ادعاهایی را درباره همکاری مصر و عراق در طول جنگ هشت ساله با ایران در زمینه تولید تسلیحات شیمیایی مطرح کرده است. به طوری که روزنامه جروسالم پست\* در ۱۹۸۹ به نقل از منابع قابل

اعتماد نوشت: «مصریان سال ها با عراق در زمینه تولید و ذخیره سازی تسلیحات شیمیایی همکاری کرده اند».<sup>۱۳</sup> روزنامه نیویورک تایمز نیز با درج گزارشی در این زمینه نوشت: «مصر در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق در کنار تسلیحات متعارف در خصوص تسلیحات شیمیایی نیز با عراق همکاری کرده است».<sup>۱۴</sup> البته، دولت مصر چنین ادعاهایی را رد کرده و مدعی است که همکاریشان با عراق در صنایع شیمیایی جنبه تدافعی داشته است. وزیر مشاور در تولیدات نظامی مصر در این باره می گوید: «همکاری های مصر و عراق در زمینه صنایع شیمیایی جنبه تدافعی داشته است. مصر تنها در زمینه تولید وسایل و تجهیزات حمایتی و حفاظتی در برابر تسلیحات شیمیایی و راه اندازی کارخانه های دفاعی - صنعتی با عراق همکاری کرده است».<sup>۱۵</sup> مصر گذشته از زمینه های سخت افزاری که در بالا به آن اشاره شد، در زمینه های نرم افزاری نیز در طول جنگ به عراق کمک کرده است. هر چند سطح این نوع همکاری ها دقیقاً روشن نیست، اما بر پایه گزارش های معتبر منابع بی طرف، تعداد نامعلومی از افسران نظامی مصر طبق برنامه «مهاجرت اختیاری» مصر با ارتش عراق در جنگ همکاری کردند. برنامه مهاجرت اختیاری به افسران مصری اجازه می داد تا با تقاضای بازنشستگی پیش از موعد برای مشاورت، رایزنی و حتی ایفای نقش های رزمی تخصصی نظامی به ارتش عراق بپیوندند. این عده با تشکیل گروه های ارزیاب ضمن بررسی وضعیت جبهه های جنگ، پیشنهادهای لازم را برای اتخاذ تاکتیک های جنگی در عملیات ها به هم تیان عراقی شان ارائه می کردند.<sup>۱۶</sup>

### ملاحظات و انگیزه های مصر برای ایفای نقش فعال

#### در جنگ

ملاحظات و انگیزه هایی که مصر را به سوی ایفای نقش فعال در جنگ ایران و عراق سوق داد، می تواند در دو سطح ملی و منطقه ای که در تیررس بُرد منافع ملی مصر قرار دارند مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

#### سطح ملی

ملاحظات مربوط به سطح ملی حول دو محور اساسی متمرکز است: امنیت داخلی و وضعیت اقتصادی.

\*Jerusalem Post



## ۱) امنیت داخلی

مصر از جمله کشورهایی است که در نیم قرن گذشته، به دلیل فعالیت بنیادگرایان اسلامی با مشکلات فراوانی در زمینه تأمین امنیت داخلی خود روبه‌رو بوده است و این مشکل حتی اکنون که در سال‌های آغازین سده ۲۱ به سر می‌بریم نیز، در سطح محدودتری وجود دارد. هدف اصلی بنیادگرایان اسلامی تأسیس حکومت اسلامی است. گروه جهاد اسلامی و طلایه‌داران فتح از این جمله‌اند. خالد اسلامبولی که در اکتبر ۱۹۸۱ سادات را ترور کرد، عضو گروه جهاد بود. اخوان المسلمین از جمله گروه‌های اسلامی است که از دهه ۷۰، شیوه‌های مسالمت‌آمیز را برای رسیدن به هدف در پیش گرفته است. این گروه که در سال ۱۹۲۸ توسط حسن البنا تأسیس شد، خیلی زود در مصر

رویکرد حکومت اسلامی ایران نسبت به غرب و اسرائیل شباهت‌های نسبتاً زیادی با دیدگاه‌های اسلام‌گرایان مصری داشت. سوم این‌که، ایران آشکار از مبارزات جنبش‌های اسلامی در سایر کشورها از جمله مصر که کانون حرکت‌های اسلامی است، حمایت می‌کرد. چهارم این‌که، حکومت اسلامی ایران تضادهای عمیقی با حکومت مصر به دلیل قرارداد کمپ دیوید، عادی سازی روابط با اسرائیل و رابطه نزدیک سیاسی - نظامی با امریکا، داشت.

حکومت مصر مسائل مزبور را تهدیدی جدی علیه امنیت خود می‌دانست. و از این‌رو، در پی فرصتی مناسب برای مقابله با آن بود. حمله عراق به ایران این فرصت را پدید آورد. مصر نیز از این فرصت استفاده کرد تا با تقویت

## بیشتر تسلیحات مهم و استراتژیک مصر و عراق در آغاز دهه ۸۰ ساخت اتحاد شوروی بود که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خریداری شده بودند. این تشابه به مصر امکان می‌داد تا قطعات یدکی مورد نیاز ماشین جنگی عراق را از محل ذخایر تسلیحاتی خود فراهم کند

عراق در برابر ایران، بتواند تمایلات آرمان‌گرایانه و فرامرزی این کشور را مهار تبدیل کند.

## ۲) منافع اقتصادی

کسب منافع اقتصادی یکی از ملاحظات و انگیزه‌هایی بود که مصر را به سمت حمایت از عراق سوق داد. در طول جنگ، مصریان به عراق به عنوان بازار مطلوبی برای فروش تسلیحات می‌نگریستند. این مطلوبیت یک علت بسیار مهم داشت و آن هم تشابه نوع تسلیحات موجود در انبارهای مصر با تسلیحاتی بود که عراق در جنگ مورد استفاده قرار می‌داد. بیشتر تسلیحات مهم و استراتژیک مصر و عراق در آغاز دهه ۸۰ ساخت اتحاد شوروی بود که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خریداری شده بودند.<sup>۱۷</sup> این تشابه به مصر امکان می‌داد تا قطعات یدکی مورد نیاز ماشین جنگی عراق را از محل ذخایر تسلیحاتی خود فراهم کند. گذشته از این با توجه به محدودیت‌هایی که به واسطه سیاست‌های بین‌المللی کنترل تسلیحات برای کشورهای درگیر در جنگ وجود داشت، مصر از یکطرف ذخایر تسلیحاتی خود را به‌روی عراق گشود؛ اقدامی که دقیقاً در راستای سیاستی بود که این کشور از میانه دهه ۷۰ برای جایگزینی تسلیحات ساخت شوروی با تسلیحات غربی در پیش گرفته بود و از طرف دیگر، نقش واسطه را میان عراق و تولیدکنندگان تسلیحات

و سایر کشورهای اسلامی هواداران زیادی به دست آورد. اخوان تا دهه ۷۰ از روش‌های خشونت‌آمیز نیز استفاده می‌کرد اما از آن به بعد این روش‌ها را به خاطر فضای نسبتاً باز سیاسی دوران سادات و تغییراتی که در کادر رهبریش صورت گرفته بود کنار گذاشت. این تغییر خط مشی باعث جدا شدن اعضای رادیکال از آن شد و هرچند اعضای انشعاب کرده اخوان، مجدداً خود را در قالب گروه‌های رادیکال نوظهور دیگر سازماندهی کردند، اما از دیدگاه حکومت وقوع انشعاب در بزرگ‌ترین گروه مخالفش موفقیتی بزرگ به شمار می‌آمد؛ زیرا، دولت می‌توانست با فراهم آوردن فضای مناسب برای فعالیت گروه‌های متعهد به قواعد بازی سیاسی مانند اخوان المسلمین از یکسو چهره دموکراتیکی از خود به نمایش بگذارد و از سوی دیگر، گروه‌هایی را که حاضر به پذیرش قواعد بازی سیاسی نبودند در افکار عمومی منزوی و سپس سرکوب کند، اما وقوع انقلاب اسلامی در ایران حکومت مصر را بسیار نگران کرد. این نگرانی چند علت عمده داشت: نخست این‌که پیروزی انقلاب و برقراری حکومت اسلامی در ایران، اسلام‌گرایان مصری را بیش از گذشته نسبت به امکان ایجاد حکومت اسلامی در مصر امیدوار کرده بود. این امیدواری می‌توانست باعث تحریک و تشویق آنها به تشدید فعالیت‌هایشان علیه حکومت گردد. دوم این‌که،

تسلیحات به ملاحظات اقتصادی دیگری نیز در همکاری با عراق توجه داشته‌اند. این ملاحظات به طور مستقیم با یکی از منابع عمده درآمد مصر ارتباط دارد. به طور کلی، مصر پنج منبع درآمد دارد. این منابع عبارت‌اند از: فروش نفت، عوارض و حق ترانزیت ناشی از کانال سوئز، صنعت گردشگری، فروش پنبه و درآمدهای ناشی از خیل عظیم مصریانی که در خارج مشغول به کار هستند. از میان این پنج منبع درآمد، آخرین منبع در ملاحظات مربوط به همکاری با عراق مورد توجه بوده است؛ زیرا، در آستانه جنگ ایران

ایفا کرد و با این اقدام منافع مضاعفی به دست آورد. طبق اطلاعات و آمارهای مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، مصر در فاصله سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۷ (۱۳۶۲-۱۳۶۶) رتبه چهاردهم را در میان کشورهای صادرکننده تسلیحات در جهان داشته است که در این میان، فروش‌های تسلیحاتی به عراق سهم عمده‌ای را در احراز این رتبه داشته است.<sup>۸</sup> جدول زیر ارزش صادرات تسلیحات مصر را در سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷ به دلار آمریکا و برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۹۸۵ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲\* : درآمد مصر از فروش تسلیحات طی سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۷

۱۹۸۳-۱۹۸۷	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳
۸۶۲	۱۵۸	۱۲۶	۱۱۳	۱۴۱	۳۲۵

و عراق تعداد درخور توجهی از مصریان در عراق مشغول به کار بودند. تعداد مصریان در عراق از حداقل چهارصد هزار نفر (که به وسیله برخی عراقی‌ها تخمین زده می‌شد) تا حداکثر دو میلیون نفر (که خود مصریان تخمین می‌زدند) اعلام شده است. اما منابع بی‌طرف تعداد آنها را تا قبل از آغاز جنگ در حدود ۷۲ تا ۷۳ میلیون نفر تخمین زده‌اند که با آغاز جنگ میان ایران و عراق به یک میلیون نفر کاهش

ارزش صادرات تسلیحات مندرج در جدول مزبور برای مصر یک رکورد به‌شمار می‌آید؛ زیرا، ارزش صادرات تسلیحات این کشور پس از پایان جنگ ایران و عراق به تدریج کاهش یافت. این کاهش علی‌رغم پیشرفت‌های نسبی مصر در صنایع دفاعی‌اش به دلیل ناتوانی در بازاریابی و از دست دادن بازار مطلوبش در عراق است. مصریان افزون بر منافع و ملاحظات مربوط به فروش



\*SIPRI Yearbook 1998, 176-177

سطح منطقه‌ای

۱) سطح منطقه‌ای عربی

در سطح منطقه‌ای، حوزه عربی و کشورهای غیرعرب از هم قابل تفکیک است. در سطح عربی آنچه که مصر را به سمت حمایت از عراق در برابر ایران سوق داد تلاش این کشور برای بهبود روابطش با کشورهای عربی بود که به واسطه سیاست‌های سازشکارانه سادات در قبال اسرائیل به شدت آسیب دیده بود. چنانکه پیشتر اشاره شد، سفر سادات به اسرائیل، قرارداد کمپ دیوید و پیمان صلح با اسرائیل، مصر را در اواخر دهه ۱۹۷۰ از جهان عرب منزوی نموده بود. این انزوا موقعیت این کشور را به عنوان مرکز ثقل جهان عرب در معرض تهدیدی جدی قرار داده بود. مصر همیشه به واسطه سابقه تاریخی، وسعت و جمعیت نسبتاً زیاد و موقعیت ژئواستراتژیکی اش، برجسته‌ترین کشور جهان عرب بوده است. این برجستگی منافع فراوان سیاسی و اقتصادی برایش به همراه داشته است؛ بنابراین، مسلماً قطع رابطه اجباری با جهان عرب به هیچ وجه در راستای منافع مصر نبود، اما تا زمانی که سادات زنده بود (اکتبر ۱۹۸۱)، به دلیل اتکا و اعتماد بیش از اندازه‌اش به ایالات متحده و نیز تأکیدش بر این که «سیاست خارجی مصر تنها بر منافع مصر و ارزش‌هایی که تنها ماردان مصر احساس می‌کنیم مبتنی است»<sup>۱۱</sup>، تلاش در خور توجهی برای احیای روابط با کشورهای عربی انجام نشد. با روی کار آمدن مبارک، این وضعیت به دلیل اعتماد کم‌تر وی به ایالات متحده و اسرائیل و توجه خاصش به جهان عرب تغییر کرد؛ زیرا، او پایان دادن به انزوای اجباری مصر از جهان عرب را اولویت اصلی سیاست خارجی‌اش اعلام کرده بود. مبارک در آغاز نخستین دوره ریاست جمهوری‌اش گفت: «مصر بخشی از امت عرب است و از این رو نه از امت عرب جدا می‌شود و نه آرزوها و آمال این امت را کنار می‌گذارد»<sup>۱۲</sup>. این سخنان برای غالب مصریانی که کشورشان را بخشی جدایی‌ناپذیر از امت عرب می‌دانستند، نویدبخش بازگشت مصر به آغوش وطن عربی بود. با این حال، بازگشت به اتحادیه عرب در آن شرایط به تغییر آشکاری در سیاست مصر در قبال اسرائیل (برای نمونه لغو قرارداد کمپ دیوید و پیمان صلح) نیازمند بود؛ چیزی که مبارک حاضر به انجام آن نبود؛ زیرا، اعتقاد داشت «فرآیند تجدید رابطه با جهان عرب باید شأن مصر را حفظ کند و نباید کشور را در جان‌فشانی‌های پرهزینه به خاطر کشورهای دیگر درگیر کند»<sup>۱۳</sup>. البته، مبارک تا

یافته است. با این حال، تعداد مصریان در عراق به اندازه‌ای زیاد بود که در تمام سطوح و بخش‌های مختلف اقتصادی به چشم می‌خوردند. بیشتر مصریان که عمدتاً مهاجر قدیمی به شمار می‌آمدند در بخش کشاورزی، فعالیت می‌کردند. پس از این بخش، صنعت نفت بیشترین تعداد مصریان را به خود جذب کرده بود. طبق تخمین‌های اتحادیه کارگران عراق، ۶۰ درصد نیروی کار در بخش صنعت نفت را مصریان تشکیل می‌دادند. دولت مصر هر ساله از قبل وجوه ارسالی این کارگران سود فراوانی به دست می‌آورد، بانک‌های عراقی محدودیت‌های شدیدی برای انتقال سرمایه کارگران مصری وضع کردند. این محدودیت‌ها دولت مصر را از بخشی از درآمدهایش

در آستانه جنگ ایران و عراق، تعداد درخور توجهی از مصریان در عراق مشغول به کار بودند. تعداد مصریان در عراق از حداقل چهارصد هزار نفر تا حداکثر دو میلیون نفر اعلام شده است

محروم کرد، اما وقوع جنگ ایران و عراق این فرصت را در اختیار دولت مصر قرار داد تا با نزدیک شدن به عراق، به ویژه از ۱۹۸۲ که این کشور به واسطه چند عملیات پیروزمند رزمندگان ایرانی شدیداً به همکاری کشورهایمانند مصر نیازمند بود، محدودیت‌های وضع شده را برطرف کند و البته مصر به هدف خود رسید؛ زیرا در اگوست ۱۹۸۳، قرارداد اقتصادی با عراق امضا کرد که بر مبنای آن محدودیت‌های وضع شده برای انتقال سرمایه از عراق به مصر برطرف گردید. این توافق باعث شد تا انتقال سرمایه به مصر در سال ۱۹۸۳ نسبت به سال قبل تقریباً به دو برابر بالغ شود<sup>۱۴</sup> (از ۵۸۰ میلیون دلار به حدود ۱ میلیارد دلار). واقعیات فوق به خوبی نشان می‌دهد که برای حکومت مصر ملاحظات و منافع اقتصادی تا چه اندازه در تصمیم این کشور به حمایت از عراق در طول جنگ تحمیلی نقش داشته است و البته همین ملاحظات در جریان بحران کویت نیز در تصمیم مصر برای پیوستن به ائتلاف بین‌المللی تحت رهبری آمریکا و انگلیس علیه عراق نقش مهمی ایفا کرد. مهم‌ترین دستاورد شرکت مصر در ائتلاف مزبور بخشش چهارده میلیارد دلار از بدهی‌های خارجی‌اش بود.<sup>۱۵</sup>

اندازه‌ای موضع کشورش را در قبال اسرائیل تعدیل کرد، ولی این تعدیل به صورتی نبود که به قربانی کردن دستاوردهای سیاست سلفش منجر شود. جنگ ایران و عراق راهگشای این بن‌بست شد. این جنگ بهترین فرصت را برای مصر فراهم کرد تا برای بهبود روابطش با کشورهای عربی تلاش کند. ضمن این که اعراب نیز دریافتند که نمی‌توانند به سادگی موقعیت ممتاز مصر و توانایی هایش را نادیده بگیرند. به همین دلیل بود که با آغاز جنگ، موضع عراق در قبال مصر صددرصد درجه تغییر کرد. به گونه‌ای که از یک کشور برجسته عرب مخالف قرارداد کمپ دیوید و پیمان صلح مصر - اسرائیل به یک کشور هدایت‌کننده حرکت همگرایی مجدد مصر در مجامع اسلامی و عربی تبدیل شد. در جلسه اواسط ژانویه ۱۹۸۴، فرماندهی انقلاب عراق نه تنها با قاطعیت به بازگشت بی‌قید و شرط مصر به سازمان کنفرانس اسلامی رأی داد، بلکه با حرارت تمام به نفع چنین بازگشتی سخن راند. در مارس همان سال، معاون اول نخست‌وزیر عراق، طاهایاسین رمضان، در پایان دیدار چهار روزه معاون نخست‌وزیر مصر از بغداد، فرمول آشتی جویانه‌ای را پیشنهاد کرد که بر اساس آن مصر می‌توانست دوباره به اتحادیه عرب بازگردد.<sup>۳</sup>

نقشی که مصر در طول جنگ ایران و عراق ایفا کرد، عملاً سودمندی خود را برای بهبود روابط مصر و جهان عرب در سال ۱۹۸۴ نشان داد. در این سال، اردن روابط دیپلماتیک خود را با مصر از سر گرفت. تحلیلگران سیاسی این رویداد را نقطه آغازی بر پایان انزوای مصر در جهان عرب می‌دانند؛ زیرا، پس از اقدام اردن در برقراری روابطش با مصر به تدریج سایر کشورهای عربی نیز روابط خود را با این کشور مجدداً برقرار کردند. اجلاس سران اتحادیه عرب در امان از تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۶۶ طی قطع‌نامه‌ای راه را برای از سرگیری رسمی روابط کشورهای عربی با مصر هموار کرد و عراق بلافاصله بعد از این اجلاس روابط دیپلماتیک خود را با مصر آغاز کرد.

## ۲) سطح منطقه‌ای غیرعربی

همان ویژگی‌هایی که به مصر موقعیت ممتازی در سطح جهان عرب می‌بخشد، در سطح منطقه‌ای غیرعربی نیز چنین موقعیتی را برای این کشور فراهم می‌کند البته، با این تفاوت که در این سطح، کشورهایمانند ایران قرار دارند که به واسطه پتانسیل‌های بالقوه‌شان می‌توانند موقعیت و نقش منطقه‌ای این کشور را به چالش بکشاند. پیروزی

انقلاب در ایران صرف‌نظر از جنبه‌ها و داعیه‌های اسلامی چنین چالشی را به وجود آورده بود؛ زیرا، نظام سیاسی که پس از انقلاب در ایران روی کار آمد، هیچ نقشی را برای مصر در سطح منطقه قائل نبود. ضمن این که توانایی‌های مصر برای تأثیرگذاری بر روندها و فرآیندهای منطقه‌ای به واسطه تحریم اعراب و اخراج از اتحادیه عرب به مخاطره افتاده بود. در این شرایط، منافع مصر ایجاب می‌کرد تا برای بازیابی نقش منطقه‌ای خود به انزوایش در جهان عرب خاتمه دهد. جنگ ایران و عراق، به ویژه هنگامی که طرف ایرانی در موقعیت تهاجمی قرار گرفت و جنگ را به درون خاک عراق کشاند، فرصت لازم را برای مصر پدید آورد. برتری‌ها و پیروزی‌های ایران پس از فتح خرمشهر هم عراقی‌ها و هم شیخ‌نشین‌ها را به یک حد نگران کرد و آنها را مجبور نمود تا از همه توانایی‌هایشان برای مهار ایران استفاده کنند. توسل به مصر برای ایفای نقش فعال‌تر در جنگ یکی از راه‌هایی بود که به نظر آنها می‌رسید و این همان چیزی بود که مصریان در ملاحظات منطقه‌ای خود به آن توجه داشتند؛ زیرا از دیدگاه آنها، حمایت از عراق در برابر ایران در راستای منافع‌شان در سطح منطقه بود. حمایت از عراق به منزله یک کشور عربی در برابر ایران به عنوان یک کشور غیر عرب و انقلابی به تسریع فرآیند تجدید رابطه مصر با کشورهای عربی کمک می‌کرد و این حمایت باید تا آن جا ادامه می‌یافت که به ایستادگی عراق در برابر ایران کمک کند نه این که به پیروزی کامل آن بر ایران منجر شود، چرا که در این صورت، عراق با در اختیار گرفتن منابع غنی انرژی ایران می‌توانست ارزش استراتژیک خود را در منطقه افزایش دهد و به این‌گونه چالشی - حتی سخت‌تر از ایران - را در برابر موقعیت و نقش مصر در منطقه و جهان عرب ایجاد کند.

## نتیجه‌گیری

در این مقاله، نقش مصر در طول هشت سال جنگ ایران و عراق و انگیزه‌ها و ملاحظات این کشور برای ایفای چنین نقشی در سه سطح ملی، عربی و منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه‌ای که از این بررسی حاصل می‌شود این است که مصر در طول این جنگ نقش فعالی به حمایت از طرف عراقی ایفا کرده است. انگیزه‌ها و ملاحظات این کشور در سطح ملی دو بعد داشته است، یکی بعد مربوط به امنیت داخلی و دیگری بعد اقتصادی. در بعد امنیتی، این کشور به دنبال دفع تهدید ناشی از انقلاب اسلامی در ایران و

Magazine in 2. April 1984, Quoted in Philip Stoddard, opcit, pp.42-43.

10. Gopal A.Nauawad, Egypt Regional Role After Desert Storm.

11. *Jane's Intelligence Review*, october 1992, pp.456-457.

12. *The Middle East Military Balance*.

13. Gordon M.Burch & Charles C.Flouerrec, *International Handbook on Chemical Weapons Prolifration*; New York: Greenwood Press, 1991, p.229.

14. Ibid.

15. Ibid.

16. Philip H Stoddard, Op. Cit, p.50.

17. *Military Balance 1980*.

18. *SIPRI Yearbook 1988*, pp.176-177.

19. Philip Stoddard, Op.Cit.pp.49-50.

20. Gopal A.Nauawod.Op.Cit.

21. Sadat Speech to the Egyptian Student's Federation in Alexandria, 3 April 1974, Quoted in Mci aurin Op.Cit,p.69.

22. *Egyptian State Information Service Web Site*.

23. Ibid.

24. John Devlin, *Iraqi Military Policy: From Assertiveness to Defense, in Gulf security & the Iran-Iraq War*, Edited by Thomas Naff, National Defense university Press, 1985.p.148.

برنامه‌های آن برای حمایت از مبارزات جنبش‌های اسلامی بوده است؛ زیرا، فعالیت بنیادگرایان اسلامی در نیم قرن گذشته مهم‌ترین تهدید برای امنیت داخلی مصر بوده است. در بعد اقتصادی ملاحظاتی و منافع ناشی از فروش تسلیحات و هم‌خوانی آن با برنامه‌ها و سیاست‌های دفاعی این کشور برای تغییر سخت‌افزار جنگی ساخت شوروی به سخت‌افزار غربی، به‌ویژه آمریکا و ملاحظات مربوط به شمار زیادی از مصریانی که در دهه ۸۰ در عراق مشغول به کار بوده‌اند، مورد توجه تصمیم‌گیران مصری بوده است؛ زیرا، این کارگران سالانه برای کشورشان مقادیر زیادی ارز آوری داشتند. در سطح عربی توجه مقامات مسئول به استفاده از جنگ به عنوان فرصتی برای بازگشت به آغوش جهان عرب بود که به واسطه سیاست‌های سازشکارانه سادات در قبال اسرائیل به شدت آسیب دیده بود. در سطح منطقه‌ای نیز، رقابت با ایران برای ایفای نقش برتر در خلیج فارس و به‌طور کلی خاورمیانه مورد توجه بوده است.

## یادداشت‌ها

1. *Jane's Defence Weekly* 28 February 1996, pp.22-24.

2. Sadat Speech to the Egyptian Student's Federation in Alexandria, 3 April 1974, Quoted in R.D. McLaurin et al., *Foreign Policy Making in the Middle East* (New York: Praeger, 1977), p.69.

۳. امام خمینی (ره)؛ صحیفه نور؛ جلد ۶ تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۰۸.

4. Philip H. Stoddard, *Egypt and Iran-Iraq war, in Gulf Security And The Iran-Iraq War*, Edited by Thomas Naff, National Defense University Press, 1985, p.44.

۵. ژان پی یر درنیک، خاورمیانه در قرن بیستم، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۸، صص ۲۵۴-۲۵۳.

۶. همان، صص ۲۷۳-۲۷۴.

۷. همان، ص ۴۶۱.

8. Philip H. Stoddard, opcit, p.42.

9. Mubarah's Interview with As-Sayyid Lebnanese

## ایران، عراق و مذاکرات آتش بس\*

نویسنده: چارلز مک دونالد  
ترجمه: پریسا کریمی نیا

### اشاره:

مذاکرات ایران و عراق بعد از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ یکی از پیچیده‌ترین گفت‌وگوهای صلح میان دولت‌ها محسوب می‌شود. ایران و عراق با تجربه یک جنگ تمام عیار هشت ساله در مسیری گام نهادند که می‌خواستند از راه گفت‌وگو به تفاهم برسند و مشکلات و اختلافات خود را حل کنند چنین راهی پیچیده و ناهموار، اما کم‌هزینه و آموزنده بود. شناخت مواضع و منافع و سیاست‌ها و برنامه‌های دو کشور می‌تواند زمینه‌ای برای حل مشکلات و برداشتن گام‌های آگاهانه و حساب شده برای آینده باشد. به ویژه اگر توجه شود که با وجود تأثیر عمده تحولات منطقه‌ای خارج از اراده جمهوری اسلامی ایران بر گفت‌وگوهای دو کشور و گذشت نزدیک به پانزده سال از پایان جنگ ایران و عراق هنوز قرارداد صلحی بین تهران و بغداد به امضا نرسیده و بیشتر مواد قطع‌نامه ۱۵۹۸ اجرا نشده است.

در ضمن لازم است یادآوری شود که تحولات و پیشرفت‌های بعدی مذاکرات صلح در مقاله نیامده است، با وجود این مسائل و مشکلات دوره پایانی جنگ و گفت‌وگوهای ایران و عراق در سه سال بعد از آن به تفصیل بیان شده است.

در ۲۰ اوت ۱۹۸۸، زمانی که بین دو دولت ایران و عراق آتش بس واقعی برقرار گردید، نقش حقوق بین‌الملل در منازعه این دو کشور به مرحله جدیدی وارد شد، آتش بس بر پایه قطع‌نامه ۵۹۸، ۲۰ جولای ۱۹۸۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار داشت. هرچند در آغاز، عراق از این

قطع‌نامه حمایت کرد، در اواسط تابستان ۱۹۸۸، هنگامی که ایران به دنبال پیروزی‌های عراق در صحنه نبرد آن را پذیرفت، چنین نظری نداشت. در ۱۵ اوت ۱۹۸۸، یعنی پنج روز بعد از برقراری آتش بس مؤثر، مذاکرات بین ایران و عراق بر پایه قطع‌نامه ۵۹۸ آغاز شد. این امر فرصتی را فراهم آورد تا دو کشور اختلافات خود را از راه شیوه‌های صلح‌آمیز دیپلماتیک در چارچوب قانونی قطع‌نامه ۵۹۸ دنبال کنند. در پی این امر، آنها توانستند توان خود را برای بازسازی ویرانی‌های جنگ هشت ساله صرف کنند.

در این مقاله، ادعاهای حقوقی بین‌المللی ایران و عراق و منافع سیاسی آنها که از موضع حقوقی، در مذاکرات طرح می‌شد، ارزیابی می‌شود. با این امید که چگونگی تسهیل تنظیم روابط دو دولت جهان سومی و ماهیت اختلاف حقوقی بین آنها روشن شود و بتوان در رویکرد ایران و عراق نسبت به حقوق بین‌الملل، به برخی از آگاهی‌ها نیز دست یافت.

این مقاله بر مباحث حقوقی انتخابی در چارچوب صلح پذیرفته شده بین دو طرف قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت که به اتفاق آراء در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ به تصویب رسید می‌پردازد. ملاحظه نخست این است که سیاست‌های هر دو کشور ایران و عراق بر پذیرش نهایی قطع‌نامه آتش بس مقدم است. بعد از این که به طور خلاصه شرایط قطع‌نامه ۵۹۸ مشخص شد، در آوریل ۱۹۸۹، در مذاکرات تحت نظر

\*Charls G.Macdonald . Iran, Iraq , and The Cease Fire Negotiations in Christopher C.Joyner, The Persian Gulf War: Lessons for Strategy , law and Diplomacy (New York: Green Wood Press,1990, pp.209-222.



عراق در بخش‌های عمده‌ای از خاک این کشور هم چنان بر خواسته‌های خود مبنی بر پایان دادن به رژیم صدام حسین و جبران خسارت‌های وارده پافشاری می‌نمود.

هرچند در آغاز جنگ، ایران نشان داد که تنها، برای دفاع از خود می‌جنگد، اما به زودی در صدد برآمد تا با تنبیه متجاوز، حقوق حقه خویش را بدست آورد؛ بنابراین، در اواسط جولای ۱۹۸۲، از مرزها گذشت و به خاک عراق وارد شد. از این به بعد، ایران سیاستی را دنبال کرد که هدف آن تسلیم بدون قید و شرط عراق بدون معامله با رژیم صدام حسین بود.<sup>۱</sup> با این حال، ایران در بعضی از مواقع می‌خواست مذاکراتی را از موضع قدرت انجام دهد، به ویژه پس از فتح فاو در فوریه ۱۹۸۶ (تا این که آن را در آوریل ۱۹۸۸ مجدداً از دست داد)، که رژیم [امام] خمینی (ره) در صدد بود متجاوز را تنبیه کند.

از سوی دیگر، عراق بعد از این که ناگزیر شد تا موضع دفاعی را اتخاذ کند، در صدد گسترش جنگ برآمد و برای تحمیل آتش بس به ابرقدرت‌ها فشار آورد. در اوایل سال ۱۹۸۴، عراق نفتکش‌های ایران را هدف حملات هوایی قرار داد و در مقابل، ایران نیز با حمله به نفتکش‌های کشورهای عربی ساحل خلیج فارس به عراق پاسخ داد. به همان اندازه که پای ابرقدرت‌ها برای حمایت از کشتیرانی بی طرف به خلیج فارس کشیده می‌شد، فشار بین‌المللی برای یافتن راه‌حلی دیپلماتیک نیز تشدید می‌گردید. در ۲۰ جولای ۱۹۸۷، درست قبل از حرکت آمریکا برای اسکورت نفتکش‌های مجدداً پرچم‌گذاری شده کویت، شورای امنیت قطع‌نامه ۵۹۸ را تصویب کرد. بلافاصله بعد از تصویب قرارداد، عراق اعلام کرد، در صورتی که ایران قطع‌نامه آتش بس را قبول کند، عراق نیز آن را خواهد پذیرفت. به هر حال، ایران اعلام کرد تا زمانی که کمیسیون برای تعیین متجاوز تشکیل نشود، از قبول قطع‌نامه خودداری خواهد کرد. جنگ خلیج فارس با تعهد فزاینده بین‌المللی برای عملیات پرچم‌گذاری و مین‌روبی پیچیده‌تر شد. بعد از نیمه سال ۱۹۸۷، حضور بین‌المللی گسترده در خلیج فارس کم‌کم به برخورد نظامی میان نیروی ایران و نیروی دریایی آمریکا انجامید.

در فوریه ۱۹۸۸، جنگ شهرها شاهد اصابت ۱۹۰ فروند موشک عراقی به تهران بود، در حالی که ایران به دلیل فقدان موشک کافی نمی‌توانست در این سطح، با عراق مقابله به مثل کند. در مارس ۱۹۸۸، موشک‌باران تهران و حمله

سازمان ملل، مورد سنجش قرار گرفت و باتوجه به سه مبحث زیر ادعاهای حقوقی ایران و عراق ارزیابی شد:  
 ۱) توقف تمامی اقدامات نظامی یا آتش بس و عقب‌نشینی نیروهای نظامی به مرزهای شناخته شده بین‌المللی؛  
 ۲) آزاد کردن و بازگرداندن همه اسیران جنگی به وطنشان؛  
 ۳) حل و فصل جامع، عادلانه و شرافتمندانه دیگر مسائل باقیمانده،<sup>۲</sup> به ویژه، مشکل شط‌العرب با مرز ارون‌درود.

مباحث دیگری مانند اقداماتی برای تأمین امنیت و ثبات در منطقه،<sup>۳</sup> مسئولیت منازعه<sup>۴</sup> و تعمیر خرابی‌ها و مشکل بازسازی که در قطع‌نامه مشخص شده بودند،<sup>۵</sup> اغلب در مذاکرات به فراموشی سپرده شدند و بعید به نظر می‌رسید که در فضای سیاسی حاکم بر روابط بین ایران و عراق، به آنها به طور جدی توجه شود. در این جا، ادعاهای حقوقی ایران و عراق در متن گسترده‌تر منافع سیاسی زیربنائیشان تحلیل خواهد شد و در نهایت نیز، شیوه‌ای که ایران و عراق در حقوق بین‌الملل به کار می‌گیرند، با مروری

### هرچند در آغاز جنگ، ایران نشان داد که تنها، برای دفاع از خود می‌جنگد، اما به زودی در صدد برآمد تا با تنبیه متجاوز، حقوق حقه خویش را بدست آورد؛ بنابراین، در اواسط جولای ۱۹۸۲، از مرزها گذشت و به خاک عراق وارد شد

بر توضیح دلایل حقوقی دو دولت بر مواضع سیاسی مدنظر آنها، بررسی خواهد شد.

#### پیش‌درآمد آتش بس

جنگ خلیج فارس (ایران و عراق)، طولانی‌ترین جنگ تاریخ معاصر از زمان نبرد واترلو\*<sup>۶</sup> به شمار می‌رود. این جنگ از ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، یعنی زمانی که نیروهای عراق به سرزمین ایران تجاوز کردند، آغاز شد و تا ۲۰ اوت ۱۹۸۸، یعنی زمان اجرای آتش بس مؤثر رسمی بین ایران و عراق ادامه داشت. فرصت‌های جنگی عراق زمانی به پایان رسید که در سپتامبر ۱۹۸۱، ایران با حملات متقابل به موفقیت‌های اولیه این کشور پایان داد و محاصره آبادان را درهم شکست. پیشروی‌های ایران، عراق را وادار کرد تا در ژوئن ۱۹۸۲، از قلمروی ایران عقب‌نشینی کند. در این هنگام، عراق تقاضای آتش بس کرد، اما ایران به دلیل حضور ارتش

\* BATTLE OF WATERLOO

شیمیایی عراق به حلبچه که به طور مستقیم از تلویزیون ایران پخش شد، روحیه مردم را تضعیف کرد. هنگامی که در ۱۷ آوریل ۱۹۸۸، عراق فاو را پس گرفت و ماشین نظامی هجومی خود را به سلاح های شیمیایی تجهیز کرد، معلوم شد که ایران در موضع ضعف قرار داد.

در ۱۸ جولای ۱۹۸۸، ایران با پی گیری همه جانبه اقدامات دیپلماتیک قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت. این امر در ۸ اوت به پذیرش آتش بس از سوی دو طرف انجامید و در ۲۰ اوت ۱۹۸۸، لازم الاجرا شد. هنگامی که در ۲۵ اوت، مذاکرات مستقیم آغاز گردید، عراق طرف برتر میدان نبرد بود و بعد از اعلام تاریخ برقراری آتش بس نیز به پیشروی خود علیه ایران ادامه داد و تلاش کرد تا با به اسارت گرفتن تعداد بیشتری از نیروهای ایرانی تا حدامکان موقعیت خود را در مذاکرات مربوط به مبادله اسیران، تقویت کند. هم چنین، علی رغم این که به روشنی لزوم عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده، پیش بینی شده بود، قسمت های زیادی از ایران را تصرف کرد. بنابر گزارش، یک روز قبل از این که مذاکرات مستقیم آغاز شود، عراق در حمله به شورشیان شمال به طور مؤثر، از سلاح های شیمیایی استفاده کرد و به موازات مرز، جایی که آن را منطقه آزاد شده می نامند حرکت و طبق گزارشی، حدود هزار روستا را ویران کرد. در نتیجه، بیش از صد هزار نفر آواره به سوی ترکیه و ایران سرازیر شدند.<sup>۱۱</sup>

**قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت، چارچوبی برای صلح**  
هنگامی که در ۲۵ اوت ۱۹۸۸، مذاکرات آغاز شد، هر دو طرف متوجه شدند که گفت و گوها طولانی خواهد بود و به آسانی نمی توان به دنبال چنین جنگ طولانی و پرهزینه ای با یکدیگر به توافق رسید. عراق پیروز بی چون و چرای میدان نبرد بود، اما ایران به منزله یک دشمن قوی، تلخ و بالقوه قدرتمند باقی ماند. هر چند هیچ یک از دو طرف به دیگری اطمینان نداشت، اما هر دو برای پایان منازعه می جنگیدند.

قطع نامه ۵۹۸ چارچوب حقوقی مذاکرات تحت نظر سازمان ملل را فراهم آورد. مقدمه قطع نامه «از آغاز و ادامه منازعه و بمباران مراکز مسکونی غیرنظامی، حمله به کشتیرانی بی طرف یا هواپیمای کشوری، نقض قوانین بین المللی بشردوستانه و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه، به ویژه کاربرد سلاح های شیمیایی برخلاف

الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو»، ابراز تأسف می کند.<sup>۱۲</sup> ماده ۱ خواستار آن است که «ایران و عراق فوراً آتش بس را رعایت کنند، به تمام اقدامات نظامی در زمین، دریا و هوا خاتمه دهند و تمامی نیروهای خود را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده بین المللی، بازگردانند». ماده ۲ تأسیس نیروی حافظ صلح، گروه ناظر نظامی سازمان ملل در ایران و عراق\* را برای نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروها ارائه می کند. مقرر شد تقریباً ۳۵۰ نفر از کارکنان سازمان ملل با آغاز آتش بس در طول مرز مستقر شوند. ماده ۳ مصرا نه خواستار آزادی و برگرداندن اسیران جنگی به وطن خود است. ماده ۴ خواستار حل و فصل جامع، عادلانه و شرافتمندانه تمام موضوعات موجود براساس اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد (شامل دخالت نکردن در امور داخلی دولت های دیگر) است. ماده ۵ مصرا نه از سایر دولت ها می خواهد از هرگونه اقدامی که به گسترش

### مسائل عمده ای که ایران و عراق با آن روبه رو بودند عبارت بود از: عقب نشینی به مرزهای شناخته شده بین المللی و خاتمه همه اقدامات نظامی در زمین، دریا و هوا؛ آزادی اسیران جنگی؛ و کنترل آبراه اروندرود

منازعه منجر شود، اجتناب کنند. ماده ۶ از دبیرکل سازمان ملل می خواهد تا با مشورت ایران و عراق، تأسیس مجموعه بی طرفی را برای تعیین مسئولیت دولت ها در منازعه بررسی کند. ماده ۷ خواستار ایجاد گروه متخصصی برای ارزیابی هزینه های جنگ و مشکلات بازسازی است. ماده ۸ از دبیرکل سازمان ملل می خواهد تا اقدامات منطقه ای را برای تأمین و تقویت امنیت و ثبات بررسی کند. ماده ۹ از دبیرکل می خواهد شورای امنیت را از اجرای قطع نامه مطلع نماید. ماده ۱۰ برگزاری جلسات بیشتر را برای تضمین رعایت قطع نامه مطرح می کند.<sup>۱۳</sup>

مسائل عمده ای که ایران و عراق با آن روبه رو بودند عبارت بود از: عقب نشینی به مرزهای شناخته شده بین المللی و خاتمه همه اقدامات نظامی در زمین، دریا و هوا؛ آزادی اسیران جنگی؛ و کنترل آبراه شط العرب (اروندرود). گفت و گوها آغاز خوبی داشتند. در نخستین روز مذاکرات مستقیم، پرز دکوئیار، دبیرکل سازمان ملل، بعد از شش ساعت و نیم جلسه مذاکره بین طارق عزیز،

\*United Nations Iran -Iraq Military Closerven Group

الجزایر بی اعتبار است. در نتیجه، باید کنترل عراق بر شط العرب به رسمیت شناخته شود.

دور دوم گفت و گوها که در ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۸ در سازمان ملل متحد در نیویورک آغاز شد، پیشرفت اندکی داشت. این جلسه با ارائه طرح مصالحه خاویر پرز دکوئیار، دبیرکل سازمان ملل، برای شکستن بن بست موجود، آغاز شد. وی از ایران درخواست کرد تا حق عبور کشتی های عراقی در خلیج فارس را تضمین کند و اجازه دهد که آب راه شط العرب مجدداً باز شود. هم چنین از هر دو طرف خواست تا هم چنان به عقب کشیدن نیروهای اشغالگر خود ادامه دهند. در پایان نیز، بر مبادله همه اسیران جنگی تأکید و پیشنهاد کرد تا زمان رسیدن به قراردادی رسمی، مشکل حاکمیت بر شط العرب به تعویق انداخته شود.<sup>۱۴</sup> بنا به گفته علی اکبر ولایتی، دو کشور در اصل حل و فصل مصالحه جویانه به توافق رسیده بودند، اما طارق عزیز، همتای عراقی وی، از اختیارات کافی برای تصمیم گیری برخوردار نبود.<sup>۱۵</sup>

بن بست در مذاکرات سپتامبر به دور سوم گفت و گوها در ژنو انجامید. در جلسه سوم که در ۱ نوامبر ۱۹۸۸ آغاز شد، پیشرفت های آشکاری به دست آمد و درباره مبادله اسیران بیمار و مجروح توافق حاصل شد. به هر حال، این جلسه به دلیل پافشاری سختگیرانه بر بحث عقب نشینی نیروها و ادعای عراق مبنی بر حاکمیت کامل بر شط العرب، متوقف و به ۱۱ نوامبر موکول شد.

دور چهارم گفت و گوها در تاریخ ۲۰ تا ۲۳ آوریل ۱۹۸۹ در ژنو برگزار شد، اما این مذاکره نیز با پیشرفت مختصری

وزیر خارجه عراق و علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه ایران این مذاکره را شروعی جدی نامید. مباحث نخستین جلسه بر عقب نشینی نیروها، مبادله اسیران جنگی و برنامه جلسات آینده متمرکز بود. به هر حال روز بعد، گفت و گوها به مشکل عقب نشینی نیروها محدود شد. عراق ادعا می کرد که اعتبار موافقت نامه ۱۹۷۵ الجزایر برای مدت طولانی نبوده است؛ بنابراین، از ایران می خواست که کنترل کامل عراق بر آب راه شط العرب را به رسمیت بشناسد<sup>۱۶</sup> تا به دنبال آن، خط آتش بس در ساحل شرقی شط العرب ایجاد شود. ایران در پاسخ گفت که مسائل مربوط به حاکمیت بر اروندرود باید تنها پس از این که مراحل نخست قطع نامه ۵۹۸، یعنی عقب نشینی نیروها، تبادل اسیران جنگی و تأسیس یک دادگاه ویژه برای تعیین مسئولیت جنگ، اجرا شد، بررسی شود.

افزون بر عقب نشینی نیروها، مسئله جلوگیری ایران از کشتیرانی عراق در تنگه هرمز و خلیج فارس نیز مطرح شد. با آغاز آتش بس، عراق دو فروند کشتی را به خلیج فارس فرستاد. ایران کشتی نخست را که یک کشتی باری بود، متوقف و برای جلوگیری از قاچاق کالا، آن را بازرسی کرد، اما کشتی دوم را که یک نفتکش بود متوقف نکرد. این امر وضعیتی را فراهم آورد تا ادعای عراق مبنی بر آزادی کشتیرانی در مقابل ادعای ایران برای تأمین منافع امنیتی خود در دریای سرزمینی اش، ارزیابی شود. دور نخست گفت و گوها به علت عدم توافق بر سر موضوع عقب نشینی ها و آزادی کشتیرانی به بن بست رسید، در حالی که مانع اصلی اصرار عراق بر این امر بود که قرارداد



به شکست انجامید. در اکتبر ۱۹۸۸، دبیرکل سازمان ملل متحد پیشنهاد چهار ماده‌ای خود را به شرح زیر اعلام کرد:  
 (۱) عقب‌نشینی نیروها به مرزهای بین‌المللی براساس موافقت نامه ۱۹۷۵ الجزایر؛  
 (۲) خویشتن‌داری ایران در بازرسی کشتی‌ها؛  
 (۳) مبادله دوجانبه اسیران جنگی؛ و  
 (۴) بازگشایی شط العرب.

هم‌چنین، وی جدول زمانی جدیدی را نیز پیشنهاد کرد که بر اساس آن، عقب‌نشینی نیروها طی پانزده روز انجام می‌گرفت و طی شصت روز نیز اسیران جنگی مبادله می‌شدند.<sup>۱۶</sup> وزیر خارجه عراق در گزارشی اعلام کرد تا زمانی که لای‌روبی شط العرب به‌طور کامل انجام نشود، عقب‌نشینی نیروها امکان ندارد. او ایران را به دلیل رعایت نکردن قطع‌نامه ۵۹۸ و بی‌احترامی به متن و محتوای سند مقصر دانست.<sup>۱۷</sup> ایران عقیده داشت این بن‌بست از لجاجت دامنه‌دار عراق، یعنی ادعای غیرقابل قبول حاکمیت بر کل اروندرود (شط العرب)، ناشی شده است. هم‌چنین، از اکره عراق در اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ شکایت داشت و آن را نتیجه فقدان اراده لازم اعضای شورای امنیت برای اعمال فشار به عراق می‌دانست. ایران اظهار می‌کرد که اعضای شورای امنیت بیش از آن‌که نگران اجرای عدالت باشند، نگران منافع سیاسی خود هستند.<sup>۱۸</sup>

بن‌بست گفت‌وگوها تا تابستان ۱۹۸۹ ادامه داشت. هر دو طرف بر لزوم اجرای قطع‌نامه ۵۹۸ تأکید می‌کردند، اما نسبت به اجرایی بودن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر درباره مرز شط العرب (اروند رود) با یکدیگر اختلاف بنیادی داشتند. مرگ [امام] آیت‌الله خمینی (ره) در ۳ ژوئن هیچ تغییر فوری در مواضع دو طرف گفت‌وگوها پدید نیاورد. طبق گزارشی، حمایت شوروی از موضع ایران در اجرایی بودن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به‌طور بالقوه موجب پیشرفت مهم گفت‌وگوها در ژوئن ۱۹۸۹ شد، اما اعضای دیگر شورای امنیت نشان دادند که علاقه‌مند نیستند به دو طرف فشار وارد آورند.

## ادعاهای حقوقی

### آتش‌بس و عقب‌نشینی

رویکرد ایران در مذاکره با عراق بر ضرورت عقب‌نشینی این کشور به مرزهای شناخته شده بین‌المللی طبق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مبتنی بود.<sup>۱۹</sup> ایران اعتقاد داشت، تا زمانی که

نیروهای عراقی عقب‌نشینی نکرده‌اند، هیچ پیشرفتی در مذاکرات صلح پدید نمی‌آید. در ۱۰ مارس ۱۹۸۹، وزیر خارجه ایران طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل به دقت مشخص کرد که ۲/۶۶۳ کیلومتر مربع از خاک ایران هم‌چنان در اشغال عراق است.<sup>۲۰</sup> ولایتی با پیوست ۴۲ نقشه از ادعای خود دفاع کرد. پیشتر، او عراق را متهم کرده بود که ۱۲۵ کیلومتر مربع از سرزمین ایران را بعد از اعلان آتش‌بس اشغال کرده است.<sup>۲۱</sup> ایران قبلاً عراق را متهم کرده بود که بیش از دو هزار کیلومتر مربع از سرزمین ایران را در چهار استان تصرف کرده است.<sup>۲۲</sup>

ایران برخلاف دوران جنگ در این مقطع از گفت‌وگوها، ادعا می‌کند که به تصرف سرزمین عراق تمایلی ندارد و نیروهای ایران خاک این کشور را ترک کرده‌اند.<sup>۲۳</sup> در حال حاضر، اشغال قلمروی عراق از سوی ایران موضوعیت ندارد، از این رو، حکومت صدام حسین یادآور نمی‌شود که ایران قبل از آتش‌بس و پیش از اعمال فشار عراق به این کشور برای عقب‌نشینی، سرزمین عراق را اشغال کرده بود.

یکی از بحث‌های مطرح، بن‌بست در عقب‌نشینی نیروها بود که به مخالفت عراق با بازرسی کشتی‌ها از سوی ایران در تنگه هرمز و خلیج فارس مربوط می‌شد. عراق مصرانه می‌گفت چنین عملی ناقض آزادی کشتیرانی و نشان‌دهنده اقدامی نظامی در دریاست که باید طبق قید ماده ۱ قطع‌نامه ۵۹۸ متوقف شود. ولایتی، وزیر خارجه ایران، با تشریح این که «عراق نمی‌تواند تنها به آزادی کشتیرانی طبق حقوق بین‌الملل اکتفا کند»، به موضع عراق پاسخ داد.<sup>۲۴</sup> ولایتی مدعی بود که عراق تلاش می‌کند تا «عبور آزادانه از دریای سرزمینی جمهوری اسلامی ایران را به دست آورد و ایران را از اعمال حقوق شناخته شده اساسی و بین‌المللی خویش در حقوق بین‌الملل، محروم کند». <sup>۲۵</sup> هم‌چنین، وی تأکید کرد هر دولتی که بخواهد از تنگه هرمز عبور نماید، باید عبور بی‌ضرر\* را در این آبراه رعایت کند به طوری که این کشتیرانی به ضرر ایران نباشد.<sup>۲۶</sup>

در ۸ فوریه ۱۹۸۹، طارق عزیز طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد جزئیات موضع عراق را درباره مسئله عقب‌نشینی تشریح کرد.<sup>۲۷</sup> وی بر تمایلش برای حل و فصل اختلافات براساس قطع‌نامه ۵۹۸ و احترامی که عراق برای تمامیت ارضی ایران قائل است، تأکید کرد. طارق عزیز به دقت مناطق وسیعی از خاک عراق را که قبل از

\* Innocent Passage

نیروهای عراقی از تمامی این نقاط عقب نشینی خواهند کرد.

### آزادی و تبادل اسیران جنگی

در ۱ سپتامبر ۱۹۸۸، سازمان ملل متحد گزارشی را درباره اسیران جنگی منتشر کرد. طبق این گزارش، ایران نزدیک به هفتاد هزار عراقی و عراق حدود نصف این تعداد ایرانی را در اختیار داشت. هم چنین، سازمان ملل با اشاره به این که تلقین یا هدایت معنوی ایران اساساً از فشارهای روحی قابل تشخیص نیست اعلام کرد که حدود چهارده هزار اسیر عراقی به حامیان [امام] آیت الله خمینی (ره) تبدیل شده اند. با وجود این که سازمان ملل هیچ تلقین برنامه ریزی شده ای را برای اسیران عراقی به دست نیاورد، اما بر اساس برخی از مدارک روان شناسانه این تلقین وجود داشت. افزون بر این تعداد از اسیران جنگی که سازمان ملل متحد آنان را شناسایی کرده بود، عراق ادعا می کرد که، ایران بیش از سی هزار اسیر جنگی عراق را که کمیته بین المللی صلیب سرخ\* آنها را ثبت نام نکرده است، در اختیار دارد. <sup>۳۴</sup> البته، باید یادآور شد که ایران نیز ادعا می کرد که عراق هفتصد تن از ایرانیان را بعد از توافق درباره آتش بس ربوده است. <sup>۳۵</sup>

ایران و عراق به علت نقض حقوق بین الملل و رفتار ناشایست با اسیران جنگی از یکدیگر انتقاد می کردند. وزیر خارجه عراق بارها ادعا کرد که در طول جنگ و بعد از آن، ایران کنوانسیون ژنو\*\* را درباره اسیران جنگی رعایت نکرده و از شیوه های ددمنشانه ای نظیر قتل، شکنجه و تهدید روانی علیه اسیران عراق استفاده کرده است. <sup>۳۶</sup> در مقابل، ایران نیز به همین ترتیب رفتار عراق را با اسیران جنگی محکوم کرد و در گزارشی اختصاصی، به نام گزارشی در زمینه رفتار بد عراق با اسرای ایرانی <sup>۳۷</sup> آنها را به تصویر کشید. باید یادآور شد که ایرانیان برای اثبات ادعای خود علیه عراق از این گزارش به منزله یک سند استفاده می کنند. <sup>۳۸</sup> هم چنین، هر دو طرف علیه اتباع خود که با دشمن همکاری می کردند دست به اقدامات به شدت افراطی زدند، از این نظر، اقدامات عراق علیه کردهایی که با ایران همکاری می کردند، <sup>۳۹</sup> باید در کنار اقدامات ایران علیه به اصطلاح ارتش آزادی بخش ملی\*\*\* (منافقین) که پس از آتش بس به داخل ایران حمله کردند، ارزیابی شود.

بحث اسیران جنگی از زمان توافق آتش بس، بین ایران و عراق اختلاف ایجاد می کرد. ماده ۳ قطع نامه ۵۹۸ مصرانه

موقفیت های نظامی این کشور در آوریل ۱۹۸۸ در اشغال ایران قرار داشت، یک به یک مشخص کرد. این مناطق (به کیلومتر مربع) عبارت بودند از: فاو (۲۲۵)؛ شلمچه (۱۷۵)؛ جزایر مجنون (۱/۴۴۷)؛ زید (۵۶)؛ سیف سعد (۴۳)؛ زبیدات (۱۲۷)؛ مهران (۱۸۲)؛ مهران، پنجوین، و ماووت (۱۷۸۹۹)؛ و حاج عمران (۱۷۵). <sup>۳۸</sup> عزیز اعلام کرد که عراق حدود ۴/۴۳۴ کیلومتر مربع از میادین نبرد را در بین آوریل و جولای ۱۹۸۸ مجدداً به دست آورده بود. او توضیح داد که نیروهای عراقی برای عقب راندن ارتش ایران ناگزیر بودند به قلمروی ایران وارد شوند و مناطق خاصی را برای یک دوره زمانی که ضرورت نظامی اقتضا می کرد کنترل کنند. <sup>۳۹</sup> عزیز گفت نیروهای عراق متعاقباً از این مناطق که حدود ۹/۶۱۹ کیلومتر مربع برآورد شده اند، عقب نشینی کرده اند. <sup>۴۰</sup> وی تأکید کرد که عراق هیچ گونه انگیزه توسعه طلبانه ای ندارد و مشتاق است براساس مقررات حقوق بین الملل و مفاد قطع نامه ۵۹۸، به یک راه حل دست یابد. <sup>۴۱</sup>

عزیز از ایران به دلیل این که الحاق سرزمین آزاد شده عراق (البته، وی آن را به این نام می خواند) را خواستار شده بود، انتقاد کرد. دلیل ادعای عزیز سخنان [امام] آیت الله خمینی (ره) در ۲۱ ژوئن ۱۹۸۲، خطاب به روحانیون به این شرح بود: «اگر ایران عراق را شکست بدهد عراق به ایران ضمیمه خواهد شد ... مردم عراق رژیم صدام حسین را سرنگون خواهند کرد و خود با ملت ایران متحد خواهند شد.» <sup>۴۲</sup>

علی رغم ادعای عزیز مبنی بر این که نیروهای عراقی بعد از اقدامات نظامی ضروری از قلمروی ایران عقب نشینی کرده اند، در مارس ۱۹۸۹، صدام حسین، رئیس جمهور عراق، حضور دائمی نیروهای عراقی در قلمروی ایران را برای اهداف دفاعی تأیید کرد. وی در ادامه گفت برای آن که نیروها بتوانند حرکات دشمن را زیر نظر بگیرند، چنین حضوری برای استقرار افراد نظامی در پست های دیده بانی در نقاط مساعدی که چندین متر از مرزها دورتر باشد، ضروری است. به همان نسبت که جنگ، از طریق قرارداد صلح پایان نگیرد، وجود چنین پست های دیده بانی و تقویت استحکامات مواضع دفاعی، در مفهوم سنتی این واژه به منزله عملی اشغالگرایانه تلقی نمی شود. <sup>۴۳</sup> صدام حسین در ادامه، پیشنهاد می کند در صورتی که ایران به راه حل صلح آمیزی روی آورد،

\* International Committee of the Red Cross (ICRC)

\*\* Geneva Convention

\*\*\* National Liberation Army





از ایران نیز خواسته شد تا تبادل اسیران جنگی را قبول کند، اما در چارچوب قطع نامه ۵۹۸، تهران تا عقب نشینی عراق از تمام سرزمین ایران در مقابل مبادله کامل اسیران ایستادگی کرد.<sup>۲۳</sup>

در حالی که هنوز توافق برای مبادله اسیران جنگی مبهم بود، طی سومین دور گفت و گوها دو کشور درباره پیشنهاد کمیته بین المللی صلیب سرخ برای مبادله اسیران بیمار و معرّوج به صورت درصدی به توافق رسیدند. توافق نوامبر ۱۹۸۸ آزادی ۱۱۵۸ تن از اسیران عراقی و ۴۱۱ تن از اسیران ایرانی را خواستار بود. انتظار می رفت در صورت آزادی ۱۱۵ اسیر عراقی و ۴۱ اسیر ایرانی در هر روز، مبادله اسیران جمعاً ده روز به طول انجامد. ایران مبادله اسیران جنگی را که باید از ۲۴ نوامبر آغاز می شد، تا ۲۷ نوامبر به تعویق انداخت ؛ زیرا، مدعی بود که عراق از آزاد کردن اسیران به تعداد مورد توافق خودداری می کند.<sup>۲۴</sup> طی سه روز نخست، ایران گروه ۵۲، ۵۱ و ۵۲ نفری و عراق سه گروه ۱۹، ۱۸ و ۱۹ نفری را آزاد کردند. در نتیجه، ۱۵۵ اسیر عراقی و ۵۶ اسیر ایرانی آزاد شدند. عراق که تحت حمایت کمیته بین المللی صلیب سرخ قرار داشت ایران را به دلیل تغییر در شمار اسیران مورد توافق برای مبادله، سرزنش کرد. ایران در دفاع از عملکرد خود، گفت: «بیست تن از اسیران از برگشت به عراق خودداری کرده اند؛ ۶۱ تن از آنان مسترد شده اند؛

می خواهد که اسیران جنگی آزاد شوند و بی درنگ پس از قطع مخاصمات فعال کنونی، براساس کنوانسیون سوم ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹، به کشور خود بازگردانده شوند. وقتی در ۲۰ اوت ۱۹۸۸، مخاصمات با برقراری آتش بس مؤثر پایان یافت. در ۲۳ اوت ۱۹۸۸، کمیته بین المللی صلیب سرخ طی نامه ای به دو طرف، تعهد آنها را به بازگرداندن اسیران جنگی به کشورهایشان یادآور شد. طبق گزارشی، عراق در ۱۷ سپتامبر طی نامه ای به آن پاسخ مثبت داد، اما ایران از دادن پاسخ خودداری کرد. قبل از آغاز دور سوم گفت و گوها، کمیته بین المللی صلیب سرخ در ۴ اکتبر ۱۹۸۸ با فرستادن یادداشتی به دو طرف از آنها درخواست کرد تا طبق مفاد قطع نامه ۵۹۸، در چارچوب ماده ۱۱۸ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو اسیران جنگی را آزادکنند. بنابر گزارشی، عراق موافقت خود را با این پیشنهاد اعلام کرد، اما ایران با بیان این نکته که مخاصمات هم چنان باقی مانده و بدون عقب نشینی کامل عراق از تمام سرزمین ایران پایان نمی گیرد، از قبول پیشنهاد خودداری کرد.<sup>۲۵</sup> در ۵ مارس ۱۹۸۹، صدام حسین، در نامه ای خطاب به سازمان پیشرفت های بین المللی\*<sup>۲۶</sup> اعلام کرد که عراق به دلایل بشردوستانه و مشروع، بدون در نظر گرفتن نتایج مذاکرات صلح و بی اعتنا به میزان پیشرفت در رسیدن به یک صلح جامع و پایدار برای تبادل اسیران جنگی آمادگی دائم دارد.<sup>۲۷</sup>

\* International Progress Organization



پول و اسلحه در اختیار آنها گذاشت تا دامنه شورش را به آن‌جا بکشاند. هم‌چنین در سپتامبر ۱۹۸۰، آبراه عراقی شط‌العرب را مسدود کرد. تمامی این موارد زمینه آغاز جنگ را فراهم آورد.<sup>۲۹</sup>

در آوریل ۱۹۸۹ موضع ایران نیز طی توضیحات مختصر و مفید ولایتی به صورت واضح بیان شد: «با توجه به قرارداد ۱۹۷۵، باید بگویم که مشکل اصلی ما رودخانه و خط تالوگ\* است که آن را تقسیم می‌کند. این رودخانه مرز ایران و عراق را تشکیل می‌دهد... این یک قرارداد معتبر است و تمام قواعد و قوانین بین‌المللی با آن موافق اند.»<sup>۳۰</sup> وی هم‌چنین ابراز کرد که از نظر سازمان ملل، نیز قرارداد ۱۹۷۵ هنوز اعتبار دارد.<sup>۳۱</sup> مشاجره اولیه درباره اعتبار قرارداد ۱۹۷۵ به حق حاکمیت بر رودخانه شط‌العرب مربوط می‌شد. قرارداد ۱۹۷۵ خط تالوگ یا مسیر اصلی کشتیرانی را خط مرزی بین دو کشور می‌شناسد. عراق ادعا می‌کرد، از آن‌جا که قرارداد ۱۹۷۵ باطل شده است؛ بنابراین، قرارداد ۱۹۳۷ که طبق آن عراق بر تمامی شط‌العرب حاکمیت دارد، معتبر است. ایران نیز مدعی بود که قرارداد ۱۹۷۵ هنوز هم اعتبار دارد و گستره قلمروی عراق فقط تا خط تالوگ است.

### منافع سیاسی اساسی

ادعاهای قانونی ایران و عراق زمانی با منافع ملی اساسی هر دو کشور مرتبط شدند که در گستره سیاسی وسیع‌تری قرار گرفتند؛ نخست، اگر به اعتقاد عراق از ایران مبنی بر اشغال خاک عراق توجه کنیم می‌بینیم که عراق به حرکت خود در خاک ایران در آغاز جنگ هیچ اشاره‌ای نمی‌کند. عراق به ناحیه‌ای که خوزستان نامیده می‌شود و غالب ساکنان آن را اقلیت عرب تشکیل می‌دهند، پیشروی و سعی کرد آن را به تصرف خود درآورد. این کشور مایل بود، در زمانی که موازنه قدرت به سود خودش بود، پیشرفت‌هایی را با بهره‌گیری از ضعف نظامی ایران به دست آورد. هم‌چنین، می‌خواست قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو کند و ادعای حقوقی خود را مبنی بر حاکمیت بر تمامی شط‌العرب دوباره پیش بکشد. سرانجام در آوریل ۱۹۶۹، ایران به صورت یکجانبه قرارداد ۱۹۳۷ ایران و عراق را لغو کرد.<sup>۳۲</sup>

در اوت ۱۹۸۸، زمانی که عراق تصور کرد طرف پیروز بی‌چون و چرای جنگ است، درصدد برآمد تا از وضعیت

تصمیم‌گیری درباره سی‌تن دیگر هنوز نامشخص است؛ شصت تن از آنان بدون اطلاع صلیب سرخ از سوی مقامات ایرانی آزاد شده‌اند (اما به دولت عراق تحویل داده نشده‌اند)؛ هویت دو تنشان نیز هنوز نامشخص است؛ هشت تن نیز از اردو برنگشته‌اند؛ دو تن هم فوت کرده‌اند؛ و درباره یک اسیر مصری نیز هنوز تصمیمی گرفته نشده است.<sup>۳۳</sup>

توضیح مقام‌های ایرانی نشان‌دهنده مشکلاتی بود که اسیران جنگی با آن روبه‌رو بودند، به‌ویژه اگر درجه بالایی از نبود اعتماد نیز بین دو طرف وجود داشته باشد، به اضافه درباره سلامتی اسیران مبادله شده پرسش‌های زیادی مطرح بود. طبق گزارش ایران بعضی از اسیران عراقی آزاد شده بعد از انتقال به یک اردوگاه ویژه در جابویه\* بازجویی، مسموم و شکنجه شده‌اند.<sup>۳۴</sup> با این‌که ایران و عراق برای توافق درباره مبادله اسیران بیمار و معلول احترام‌ناچیزی قائل شدند، اما هر دو متعاقباً تعداد درخور توجهی از این اسیران را به صورت یک‌جانبه آزاد کردند. هرچند که اعداد و ارقام متفاوت‌اند، در ۱۰ آوریل ۱۹۸۹، خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد که ایران به دنبال آزادی هفتاد عراقی مجروح یا بیمار، در نوزده مرحله، ۱۳۴۶ اسیر جنگی عراقی ناتوان را آزاد کرده، اما عراق تنها ۹۴۹ اسیر جنگی ایران را که ۴۵۹ تن از آنها غیرنظامی بودند آزاد کرده است.<sup>۳۵</sup> علی‌رغم آتش بس، تقریباً صد هزار اسیر جنگی در اسارت به سر می‌بردند و به نظر نمی‌رسید که بدون عقب‌نشینی عراق از قلمروی ایران در وضعیت آنها تغییری رخ دهد. البته، باید یادآور شد که این عقب‌نشینی نیز بدون حل اختلاف بر سر مرز شط‌العرب انجام نمی‌شد.

### حاکمیت بر اروندرود

برای فهم بن‌بست مذاکرات آتش بس باید به اعتبار قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، قرارداد الحاقی مربوط به مرزها و حسن هم‌جواری بین ایران و عراق و سه پروتکل امضا شده در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ در بغداد توجه کرد.<sup>۳۶</sup> موضع عراق کاملاً روشن است، بنابر ادعای این کشور، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بی‌ارزش و بی‌اعتبار است. از نظر حکومت صدام حسین، جنگ با نقض قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر از سوی ایران آغاز شد؛ همان‌گونه که در تفسیر روزنامه الثوره آمده است موضع عراق از این قرار است: «ایران قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را زیرپا گذاشت، در امور داخلی عراق، دخالت و جنگ را علیه عراق آغاز کرد، افراد خائن را به شمال عراق فراخواند و

\* Habaniyyah

\*\* Thalwey

موجود استفاده و توجه خود را به مشکل کردها در شمال عراق معطوف کند. همان گونه که در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر آمده است، پذیرش اصل خط تالوگ برای تعیین مرز در شط العرب از سوی عراق اساساً بر قول ایران، (امریکا و اسرائیل) مبنی بر قطع کمک به کردهای شورشی شمال عراق استوار است؛ با وجود این، عراق تصمیم گرفت تا برای همیشه مقاومت درونی کردها را درهم بشکند. جنگ تمام عیار عراق علیه کردها در ۲۴ اوت ۱۹۸۸،

### کارشناسان معتقدند که دست کم سه سال فرصت برای بازگشایی کامل رودخانه اروندرود لازم است. مین ها، کشتی های غرق شده، مهمات منفجر نشده و سایر فضولات جنگ، بازگشایی این رودخانه را مشکل کرده است

یک روز قبل از آغاز مذاکرات مستقیم با ایران آغاز شد. بر اساس گزارش مطبوعات، عراق بیش از شصت هزار نفر نیروی نظامی را به همراه تانک، توپخانه، بالگرد، جنگنده بمب افکن و سلاح های شیمیایی به آن جا فرستاد. طبق گزارش ها، بین ۲۴ اوت و ۸ سپتامبر ۱۹۸۸ به صورت گسترده علیه کردها از سلاح های شیمیایی استفاده کرد. امریکا استفاده قبیح و ظالمانه عراق از سلاح های شیمیایی را با بهره گیری از ابزارهای تکنیکی تأیید کرد. بر اساس گزارش ها، عراق بیش از هزار روستا را ویران و با تصرف مجدد مناطق به اصطلاح آزاد شده در طول مرز با ایران تقریباً صد هزار نفر را آواره کرد. در اکتبر ۱۹۸۹، طارق عزیز اعلام کرد که شورش کردها برای همیشه پایان یافته است؛ همان گونه که در Newsletter International Amnesty در مارس ۱۹۸۹ به طور مستند آمده است، نابودی و رفتار ددمنشانه با کودکان کرد، خصومت عمیق رژیم عراق نسبت به مخالفان کرد این کشور را تأیید می کند. اقدامات علیه کردها نه تنها مخالفت های شدید کردها علیه صدام حسین را از بین برد، بلکه درصد بسیاری از منابع نفوذی ایران را نیز ریشه کن کرد. اکنون که عراق نمی تواند مدعی شود ایران از کردها حمایت می کند، ادعای حاکمیت بر کل آبراه شط العرب را پیش کشیده است.

عراق با تشخیص این که ایران در درازمدت هم چنان دشمن خطرناک او خواهد بود، تصمیم گرفته است که موقعیت استراتژیک خود را در شمال حفظ کند و از برتری

نظامی خود برای حضور و بقای مجدد در خلیج فارس بهره گیرد؛ بنابراین، راه خروجی عراق به خلیج فارس (شط العرب) باید هرچه زودتر گشوده شود. بازگشایی این رودخانه حتی با کمک ایران نیز آسان نخواهد بود. کارشناسان معتقدند که دست کم سه سال فرصت برای بازگشایی کامل این رودخانه لازم است. مین ها، کشتی های غرق شده، مهمات منفجر نشده و سایر فضولات جنگ، بازگشایی این رودخانه را مشکل کرده است. ایران تا وقتی که نیروهای عراقی در خاک این کشور باشند، با هرگونه اقدامی برای پاکسازی رودخانه مخالفت می کند. پیشنهاد عراق برای منحرف کردن مسیر رودخانه و خشک کردن بنادر خرمشهر و آبادان به منزله فشار روزافزون بر ایران است.<sup>۵۳</sup>

### نتیجه گیری

تحلیل مزبور نشان می دهد که ایران و عراق هر دو درصددند که سیاست های خود را از راه ادعاهای حقوقی بین المللی موجه جلوه دهند.

هرچند که گفت و گوهای ایران و عراق بر سر موضوعات عقب نشینی نیروها و اعتبار قرارداد ۱۹۷۵ به بن بست رسیده است، واضح است که هیچ یک به ادامه جنگ تمایلی ندارند. چارچوب حقوقی بین المللی که قطع نامه ۵۹۸ آن را فراهم آورده است موجب شده این امکان را به وجود آورد که هر دو کشور ضمن پافشاری بر خواسته ها و مواضع مشروع خود، از ادامه جنگ نیز خودداری کنند. هم چنین، احتمال نمی رود که بن بست جاری گفت و گوها بدون اعمال فشار سیاسی درخور توجه از بیرون بر یکی از دو طرف تغییر یابد. به نظر می رسد که این بن بست دیپلماتیک بین دو کشور هم چنان ادامه داشته باشد مگر این که نفع سیاسی دو جانبه ای پدید آید که همکاری و هماهنگی را بین کشورهای متعارض خلیج فارس ترغیب کند.

### یادداشت ها

۱. برای متن قطع نامه ۵۹۸. ر. ک. به:

*Middle East Economic Digest*, July 29, 1988, p.14

۲. ر. ک. به: ماده ۱۱ از قطع نامه ۵۹۸.

۳. ر. ک. به: ماده ۳ از قطع نامه ۵۹۸.

Tack , " tehran Times , April 29 , 1989 , p. 2 , in FBIS-NES-89-085 , May 4 , 1989 , P. 52.

۱۹. برای پیشینه و تحلیل های مفید در مورد مرز ایران و عراق ر.ک به:

U.S. Department of State, Bureau of Intelligence and Research, Iran-Iraq Boundary, International Boundary Study no. 164, July 13, 1978.

۲۰. ر.ک به: نامه ولایتی به دبیرکل که خبرگزاری کویت (KUNA) آن را در ۱۰ مارس ۱۹۸۹ منتشر کرد

in FBIS-NES-89-048, March 14, 1989, P. 61

۲۱. همان.

۲۲. مصاحبه بشارتی، معاون وزیر خارجه

Tehran Domestic Service, January 1, 1989, in FBIS-NES-89-02, January 4, 1989, PP.53-54.

۲۳. برای نمونه، حجه الاسلام هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که: «ملت انقلابی ایران هرگز نخواهد پذیرفت که حتی یک وجب از خاک کشورش در اشغال دشمن باشد و هیچ تمایلی به اشغال خاک عراق ندارد» ر.ک به:

Tehran IRNA , February 4 , 1989 , in FBIS-NES-89-023 , February 6 , 1989 , P. 69.

24. See text of Velayati's September 8 , 1988 , news conference , Tehran IRNA , September 8 , 1988 , in FBIS-NES-88-175 , September 9 , 1988 , PP. 35-36.

۲۵. همان.

۲۶. همان.

۲۷. ر.ک به: متن پیغامی منتشر شده توسط

baghdad Domestic Service, February 14, 1989, in FBIS-NES-89-030, February 15, 1989, P. 36.

۲۸. همان.

۲۹. همان.

۳۰. همان.

۳۱. طبق گزارش ها، طارق عزیز هشت نقشه را به نامه اش به دبیرکل پیوست کرد. این نقشه ها مناطقی را که ایران اشغال کرده است نشان می دادند. ر.ک به

Report of Kuwait KUNA, March 10, 1989, in in FBIS-NES-89-048 , March 14 , 1989 , P.61.

32. See reference to Khomeini's June 21 , 1982 , speech in "Middle East and South Asia Review" June 22 , 1982

۴. ر.ک به: ماده ۴ از قطع نامه ۵۹۸.

۵. ر.ک به: ماده ۸ از قطع نامه ۵۹۸.

۶. ر.ک به: ماده ۶ از قطع نامه ۵۹۸.

۷. ر.ک به: ماده ۷ از قطع نامه ۵۹۸.

۸. برای ارزیابی جنگ و مطالعه اوضاع منازعه خلیج فارس در زمان آغاز گفت و گوهای مستقیم ایران و عراق ر.ک به:

*Middle East*, September 1988, PP.8-12

۹. ر.ک به: مصاحبه با علی اکبر محتشمی، وزیر کشور، در،

*al-Musytaqbal(Paris)*, February 25,1989 ,

در سرویس خبری خارجی، در

Daily Report Near East & South Asia (hereinafter FBIS-NES), FBIS-NES-89-39, March1,1989,p.60

محتشمی بر این منطبق تاکید کرد که «همانگونه که در طول جنگ جهانی دوم عمل شده متجاوز باید تنبیه شود». اما این منطق به دلیل این که دنیا به اندازه ایران نگران نبود، مورد قبول واقع نشد.

10. See *The Winds of Death (Paris)*, a Special 182-Page issue of Information and Liaison Bulletin of Institut Kurde de Paris, no.42(September 1988).

۱۱. موضوعات حقوقی مطرح شده در مقدمه، نگرانی های مشروع متعددی را پدید آورد که از این منازعه ناشی می شود، اما از حوزه این نوشته خارج است.

۱۲. ر.ک به: سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی که از شکست ایران و عراق در اجرای کامل قطع نامه ۵۹۸ انتقاد می کند و ر.ک به:

Tehran Iranian News Agency (IRNA)of January 25, 1989, in FBIS-NES-89-016, January 29, 1989, PP.60-61.

۱۳. باید یادآور شد که نام شط العرب در ایران ارون درود است این نام از قبل از اسلام وجود داشته است. نام رایج آن در غرب شط العرب می باشد، اما در این نوشته، هر دوی آنها به کار رفته است.

14. See *New York Times* , October1 , 1988 , P.6; *New York Times* , October9 , 1988 , P.11.

15. *New York Times* , October9 , 1988 , P.11.

16. See the April 24 , 1989 , report of talks by Tehran Domestic Service in FBIS-NES-89-077 , April 24 , 1989 , P.69.

17. See report of Baghdad Iraqi News Agency (INA)in FBISONES-89-077. April 24 , 1989 , P.17.

18. See Editorial , "Peace Talks Still on the Same Old

۴۴. برای آشنایی با موضوع عراق ر.ک به: متن نامه طارق عزیز به دبیرکل سازمان ملل در ۶ فوریه ۱۹۸۹ در

FBIS - NES - 89 - 024, February 7, 1989, p.24

و برای آشنایی با موضوع ایران ر.ک به: تفسیر خبرگزاری جمهوری اسلامی در ۲۵ ژانویه ۱۹۸۹ در

FBIS - NES - 89 - 016, January 26, 1989, p.60.

45. See FBIS - NES - 89 - 024, February 7, 1989, p.24.

46. See "Acute Torture Continues in Iraq," *Tehran Times*, April 26, 1989, in FBIS - NES - 89 - 086, May 5, 1989, p.50.

47. See report in FBIS - NES - 89 - 068, April 11, 1989, p.51.

۴۸. برای مطالعه پیشینه قرارداد مرزی ر.ک به:

U.S. Department of State Iran - Iraq Boundary.

49. See Iraqi News Agency commentary, April 12, 1989, in FBIS - NES - 89 - 069, April 12, 1989, P. 24.

برای مطالعه تفسیر اخیر خبرگزاری عراق در مورد مقاله روزنامه جمهوری که مواردی از نقض قرارداد ۱۹۷۵ از سوی ایران را فهرست می کند و این موارد را دلایل لغو قرارداد ۱۹۷۵ می شمارد ر.ک به:

FBIS - NES - 89 - 009, January 13, 1989, P. 35.

۵۰. ر.ک به: مصاحبه ولایتی در روزنامه کیهان در ۱۹ آوریل ۱۹۸۹ در

FBIS - NES - 89 - 083, May 2, 1989, P. 46.

۵۱. همان.

۵۲. برای بررسی نقض قرارداد ۱۹۷۵ از سوی ایران ر.ک به:

Tareq Y. Ismael, *Iraq and Iran: Roos of Conflict* (Syracuse: Syracuse University Press, 1982), P. 19.

و هم چنین ر.ک به:

Ramesh Shanghvi, *Shati al - Arab: The Facts Behind the Issue* (London: Transorient Press, 1969).

۵۳. برای مطالعه گزینه های مختلف عراق ر.ک به: مصاحبه صدام حسین در ۸ مارس ۱۹۸۹ در

FBIS - NES - 89 - 048, March 14, 1989, P. 29.

, p.ii , Daily Report , V , June 22 , 1982.

33. See Saddam Hussein's interview in Basra With Utman al Umayr , March 8 , 1989 , in FBIS - NES - 89 - 048 , March 14 , 1989 , p.34.

34. See Tariq Aziz's statement , reported by the Iraqi News Agency on April 18 , 1989 , in FBIS - NES - 89 - 074 , April 19 , 1989 , p.19.

۳۵. ر.ک به: سخنان محمدحسین لواسانی، معاون وزیر امور خارجه، که خبرگزاری جمهوری اسلامی آن را منتشر کرد در

May 6, 1989, in FBIS - NES - 89 - 088, May 9, 1989, p. 53.

۳۶. همان.

37. See Rapport sur le mauvais traitement des captifs Iraniens en Iraq (Tehran: Centre d'information de la guerre , Conseil supreme de la defense , 1985).

38. See also War Information Headquarters , Animosity to Peace (Tehran kayhan press , 1987).

۳۹. ماهیت نقض حقوق بشر و عملکرد عراق که در نسل کشی کردها تجلی می یافت فراتر از اقدامات ایران علیه گروه های کرد خود بود که در طول جنگ با عراق همکاری می کردند. برای فاجعه حلبچه ر.ک به:

The exceprional issue of Information and Liaison Bulletin of Institul Kurde de Paris entitled H... A Martyr Town (Paris : Institut Kurde , no date). See also The Proliferation of chenreal Warfare : The Holocaust at Halabja (Washington , D.C: People for a Just Peace,n.d).

۴۰. ر.ک به: متن نامه طارق عزیز به دبیرکل در ۶ فوریه ۱۹۸۹ در

In FBIS - NES - 89 - 024, February 7, 1989, p.21.

۴۱. سازمان پیشرفت بین المللی سازمان غیردولتی و بشردوستانه ای است که در وین تاسیس شده است. در ۳۰-۲۹ ماه می ۱۹۸۹، این سازمان جلسه ای را با حضور کارشناسان متعدد در ژنو برای بررسی مسئله اسیران جنگی برگزار کرد برای مطالعه گزارش خبرگزاری ایران در مورد این جلسه ر.ک به:

FBIS - NES - 89 - 104, June 1, 1989, p.56.

42. See *Iraqi News Agency report*, March 12, 1989, in FBIS - NES - 89 - 047, March 13, 1989, p.25.

۴۳. برای آشنایی با موضوع ایران مراجعه کنید به تفسیری که خبرگزاری جمهوری اسلامی در ۲۵ ژانویه ۱۹۸۹ ارائه کرد در

FBIS - NES - 89 - 016, January 26, 1989, p.60.